

# آموزش‌های رشد

فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
دوره پانزدهم، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۲



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمدناصری  
سر دبیر: دکتر عبدالرسول خیراندیش  
مدیر داخلی: مسعود جوادیان  
هیئت تحریریه: دکتر فرج‌الله احمدی  
دکتر حسین احمدی  
دکتر عطاءالله حسینی  
دکتر عبدالرسول خیراندیش  
دکتر نیره دلیر  
دکتر نصرالله صالحی  
دکتر حسین مفتخری  
دکتر طوبی فاضلی‌پور  
مسعود جوادیان  
ویراستار: جعفر ربانی  
طراح گرافیک: مهسا قباپی

نشانی مجله:

تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵  
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶  
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸  
تلفن مجله: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹  
داخلی: ۲۵۰

پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲-۸۸۸۳۹۲۳۲

مدیر مسئول: ۱۰۲

دفتر مجله: ۱۱۳

امور مشترکین: ۱۱۴

پیام‌نگار: [tarikh@roshdmag.ir](mailto:tarikh@roshdmag.ir)

وبگاه: [www.roshmag.ir](http://www.roshmag.ir)

چاپ: شرکت افست (سهام عام)

شمارگان: ۶۰۰۰ نسخه

- ۲ ستیز با طبیعت و تاریخ انسان / دکتر عبدالرسول خیراندیش  
۶ یادگیری تفکر تاریخی / مجتبی مقصودی  
۱۶ مسائل و مشکلات تدریس تاریخ / غلامرضا اله‌دادی  
۲۰ معرفی واحد اسناد شورای عالی آموزش و پرورش / رحیم روحبخش  
۲۲ درس تاریخ و تقویت هویت ملی / زبیده انصاری  
۲۶ بنای تکیه دولت / زهرا خان‌محمدزاده  
۳۱ شدنی است، اگر بخواهیم! / مسعود جوادیان  
۳۲ دو رویکرد پیامبر(ص) در غزوه خندق / محمدحسین معتمد‌راد  
۳۸ جنگ تحمیلی در آینه خاطرات رزمندگان  
۴۰ تحقیق دانش‌آموزی در کلاس تاریخ / امیر کلبعلی  
۴۶ نظاره آب و آینه و نور در تکیه بیگلربیگی / مرضیه وروایی  
۵۲ این بار هم از دست زلزله گریختیم! / دکتر مهدی چوبینه  
۵۶ الگوی روش تدریس فعال درس تاریخ / سکینه رمضان‌پور  
۵۹ نمایشی از تلاش و علاقه‌مندی / مسعود جوادیان  
۶۱ معرفی کتاب / اکرم علیخانی  
۶۴ جدول مقایسه جنگ‌های ایران و روس، و جنگ ایران و عراق / شهناز حسینی کویایی

تکیه بیگلربیگی

روی جلد: تکیه بیگلربیگی



## ستیز با طبیعت و تاریخ انسان

طبیعی - یعنی آنچه متعلق و مربوط به طبیعت است - از آثار غیر طبیعی که در واقع آثار انسانی است؛ یعنی آثاری که رد و اثری از فعالیت انسانی را در خود دارند. این بدین ترتیب، مانند اخبار، آثار نیز منعکس کننده موجودیت انسان و سرگذشت بشر است. پس می توان گفت که آنچه تاریخ انسان به شمار می آید، در واقع همان کارکرد انسان در عرصه طبیعت است که به صورتی متفاوت و متمایز از طبیعت بر جای می ماند و از طریق درک این تفاوت می توان رد او را در گذشته ها شناسایی کرد؛ چنان که باستان شناسان حفاری را تا جایی ادامه می دهند که به خاک طبیعی برسند. آنچه پیش از این از دل خاک به دست می آورند، مثلاً سنگ های دست کاری شده انسان، به عنوان آثار «دوران سنگ» از دیگر سنگ های موجود در طبیعت باز شناخته می شود. پرواضح است که به رغم قوت فنی و کاربردی و اثباتی چنین نگرشی، تاریخ، مساوی با انسان، آن هم فعل انسانی و به معنای دقیق تر ابزارسازی او، تلقی خواهد شد. در همین جا می توان نتیجه گرفت که عمر تاریخ (انسان) مساوی با تاریخ ابزارسازی انسان قلمداد خواهد شد.

سیری در آثار به جامانده از انسان طی هزاران سال، نشان داده است که این «اشرف مخلوقات» در ابتدا مانند دیگر جانداران طبیعت بوده و سپس به دلیل برخورداری از عقل و قدرت ابزارسازی نه تنها از دیگر جانداران بلکه از کلیه عناصر طبیعی و سایر موجودات متمایز شده است. بر همین اساس است که «تاریخ» به عنوان فعل انسان از «طبیعت» جدا دانسته می شود و تاریخ و طبیعت به منزله دو مقوله متفاوت و حتی گاهی متضاد با یکدیگر قلمداد می شوند.

این نگاه به جهان و انسان، از مباحث کلیدی تفکر غربیان در باب تاریخ و فلسفه تاریخ از قرن هجدهم به این سو بوده است؛ قرنیه که به **انقلاب صنعتی**، یعنی بزرگ ترین حرکت ابزارسازی تاریخ انسان منتهی شد و سیر کلی تاریخ بشر «تلاش برای غلبه بر طبیعت» آن هم به کمک ابزار قلمداد گردید. این طرز تلقی از ابزار مبتنی بر این اندیشه است که نسبت انسان با طبیعت در طول تاریخ به گونه ای بوده که ابزار در واسطگی این دو نقش خاصی ایفا کرده است؛ به گونه ای که در ابتدا طبیعت بر انسان غلبه داشت، زیرا انسان فاقد ابزار و فن بود. در مرحله بعد انسان و طبیعت با هم هماهنگ بودند؛ زیرا نوع ابزار و میزان دانش فنی انسان به حدی رسیده بود که انسان توانست با طبیعت به تعادل برسد. در مرحله سوم انسان بر طبیعت غلبه کرد؛ زیرا ابزار او پیشرفته و دانش وی بسیار شد. وسیله مورخ برای درک این سیر نیز ابزار به جامانده از انسان ها در طول تاریخ است. از آنجا که غایت این سیر،

این سخن فرانسیس بیکن، فیلسوف انگلیسی قرن شانزدهم، را که «تاریخ به دو نوع مصنوع (بشری) و غیرمصنوع (طبیعی) تقسیم می شود» می توان سرآغاز قول به جدایی طبیعت و تاریخ از یکدیگر دانست. به نحوی آشکار در این نظریه امکان ریشه یابی پیدایی «علم آثار» در تاریخ نگاری وجود دارد. پیش از آن، تاریخ اساساً مبتنی بر «نقل» یا «علم اخبار» بود و آثار به جامانده از گذشتگان، هر چند در معرض مشاهده انسان ها بود، در علم تاریخ کاربرد بسیار ناچیزی داشت. اما دو قرن بعد از فرانسیس بیکن «علم آثار» بدان اندازه رشد کرد و کاربرد یافت که همسنگ علم اخبار در تاریخ نگاری ایفای نقش می کرد.

علم آثار به مطالعه در کلیه ساخته های بشری به جای مانده در قالب هنر، معماری، صنایع و نظایر آن ها می پردازد و هر آنچه از انسان ها باقی مانده است، حتی خاکستر اجاق ها، باقی مانده غذاها و بقایای اسکلت ها، در حیطه مطالعه آن قرار دارد. دانش هایی مانند باستان شناسی، سکه شناسی، خط شناسی و استخوان شناسی همگی شاخه های گوناگون علم آثار به شمار می آیند. در این میان یک نکته اساسی وجود دارد و آن عبارت است از تمیز و تفکیک آثار



**سیری در آثار به جامانده از انسان طی هزاران سال، نشان داده است که این «اشرف مخلوقات» در ابتدا مانند دیگر جانداران طبیعت بوده و سپس به دلیل برخورداری از عقل و قدرت ابزارسازی نه تنها از دیگر جانداران بلکه از کلیه عناصر طبیعی و سایر موجودات متمایز شده است**

غلبه هر چه بیشتر انسان بر طبیعت است، باور بر این قرار گرفت که با توجه به پیشرفت بشر در ابتدا طبیعت بر انسان غلبه داشته است. هزاران سال طبیعت شرایط خود را بر بشر تحمیل می‌کرد و بشر چاره‌ای جز تبعیت از آن نداشت. این دوره تمامی اعصار گردآوری غذا، شکارگری، و جابه‌جایی انسان در عرصه طبیعت، مطابق با تغییر فصول، را شامل می‌شود. سپس انسان توانست کشاورزی را بیاموزد. از آن پس، مطابق هر فصل و امکانات یک محیط جغرافیایی و در واقع در انطباق با طبیعت، اقدام به تولید غذا، ساخت خانه و تهیه لباس و ... کرد. این مرحله نیز تمام دوره کشاورزی، یعنی چند هزار سال گذشته تاریخ بشر، را در برمی‌گیرد. این دوره تا حدود دویست سال پیش ادامه داشت. پس از آن دوره صنعت شروع شد. دوره‌ای که انسان به‌طور شگفت‌آوری بر طبیعت غالب آمد. کشف قوانین طبیعت و دستیابی انسان به فناوری، مهار نیروهای آن به‌نحوی که در خدمت وی درآیند و اراده او بر آن‌ها تحمیل گردد و قدرت تصرف و تغییر را برایش به دنبال بیاورد، از خصوصیات عصر صنعت و به عبارتی عصر غلبه انسان بر طبیعت قلمداد می‌شود.

چنین تعبیری از تاریخ بشر خاص دوره مدرن است، دوره‌ای که آغازگر انقلاب صنعتی و گام نهادن بشر در عصر صنعت به‌شمار می‌آید. در دوره مدرن «تاریخ ابزاری» به‌عنوان تاریخی علمی و تفسیری عمومی از سیر تاریخ بشر مورد پذیرش قرار گرفت. بر اساس این دیدگاه، انسان از ابتدای تاریخ خود برای فایق آمدن بر طبیعت در تلاش بوده است تا بدین طریق به آسایش و امنیت و رفاه و ثروت دست یابد. در مقام تفسیر تاریخی، و به واقع حدس و گمان، می‌توان گفت همان‌طور که اقدامات انسان اولیه در عصر حجر، در واقع برای تسلط بر شکار بوده، انسان ابزارساز نیز همین هدف را با روش و ابزاری دیگر دنبال می‌کرده است؛ تا اکنون که، پس از گذشت چند هزار سال از این مبارزه و با رسیدن به انقلاب صنعتی، بشر بر طبیعت غلبه یافته و به پیروزی رسیده است. به خدمت گرفتن قوه بخار و برق و آتش، پیمودن مسافت‌های بسیار دور با سرعت زیاد به کمک ماشین و هواپیما، برقراری ارتباطات سریع با کمک امواج رادیویی، مهار کردن بیماری‌ها و ... همه و همه نشانه‌های بارز تحقق غلبه انسان بر طبیعت معنا می‌شوند؛ طبیعتی که اگر مهار نشود، گویا دشمنی است که قصد نابودی انسان را دارد.

هر چند اهمیت، ضرورت و فواید پیشرفت‌ها و توفیق‌های تمدن معاصر در شناخت قوانین طبیعت، توسعه علوم، دستیابی به فناوری، انجام اختراعات و اکتشافات، تولید انبوه کالا، یافتن شیوه‌های نوین بهره‌وری از منابع و امکانات و اطلاعات محل انکار نیست، پرسش این است که چرا از این تحولات و پیشرفت‌ها، باید تفسیری مبتنی بر تفاوت میان «تاریخ» به مثابه ساخته انسان با «طبیعت» به مثابه آنچه انسان نساخته است صورت گیرد. می‌دانیم که اساس تاریخ‌نگری جدید غرب - که در فلسفه‌های نظری تاریخ انعکاس یافته است آغاز تاریخ را آنجا می‌داند که نقش صددرصدی طبیعت پایان می‌یابد و بشر جای



استخراج فراوان معادن و بهره‌کشی از کارگران، تولید انبوه که توأم با آلودگی محیط زیست است و بسیاری اقدامات دیگر که منجر به تغییرات اقلیمی و خسارت به زیست کره شده، از شواهد این امر است. شواهدی که امروزه با واکنش دوستداران محیط زیست مواجه شده و همگان را به فکر چاره انداخته است. شاید نگاهی تطبیقی به بعضی از حوزه‌های تمدنی در مورد رابطه انسان، تکنیک و صنعت بتواند پرتوی بر این مهم بیندازد.

از آنجا که چینی‌ها همواره به صنعتگری و هنرمندی مشهور بوده‌اند، از فرهنگ مردم چین آغاز می‌کنیم. مردم چین در بسیاری از اختراعات (اگر اختراع را تصرف و غلبه بر طبیعت بدانیم) پیش‌گام بوده‌اند، اما معروف است که آن‌ها همواره از طبیعت الهام می‌گرفته و زیبایی مبتنی بر طبیعت را اصل اساسی فعالیت‌های هنری و صنعتی خود قرار می‌داده‌اند. اساساً «زیبایی‌شناسی چینی» به طبیعت نظر داشته است و تا آنجا بر این معنا تأکید دارد که طبیعت را نه تنها الهام‌بخش صنعت که بسیار منطبق با هنر می‌داند. این نکته‌ای است که به عنوان یک اصل در نقاشی، خط و کلیه فعالیت‌های هنری، ادبی و صنعتی چینی‌ها رعایت شده است. پس، از نظر زیبایی‌شناسی چینی، نه تنها تفرقی میان انسان و طبیعت وجود ندارد بلکه فاصله گرفتن از طبیعت خطا به شمار می‌آید. چینی‌ها در طب خویش نیز - که منطبق با جهان‌بینی و طبیعت‌شناسی خودشان است - بیماری را انحراف از طبیعت و بازیابی سلامت را انطباق مجدد با طبیعت می‌دانستند. مکتب‌های تائو و کنفوسیوس، هر دو، احیای انطباق با طبیعت را تحسین می‌کردند و آن را از جنبه‌های نظری، عملی، اخلاقی و ... مدنظر داشتند.

در هند باستان نیز «صورت آغازین جهان» که توسط مانو بنا نهاده شده بود، امری مقدس و معیاری برای تاریخ دانسته می‌شد. از دید هندیان باستان، ریشه تاریخ بشر، چیزی جز عدول و نزول از آن «صورت آغازین» نبود و آنان باز پیدایی جهان را بازگشت به همان صورت نخستین می‌دانستند. هندی‌ها حتی به نوعی از وحدت طبیعت، به مثابه تجلی‌گاه رب النوع‌های مورد پرستش خویش - که گاه منطبق با قوای طبیعی و نفسانی انسان بود - باور داشتند.

در مجموع، در حالی که تولیدات صنعتی چینی‌ها و هندی‌ها در طول دوره‌های باستانی و قرون وسطی معروفیت جهانی داشت و از این دو حوزه تمدنی کالاهای بسیار به همه دنیا صادر می‌شد، نگاه چینی‌ها و هندی‌ها این نبود که انسان و طبیعت در ستیز با هم قرار دارند. ایرانیان باستان هم جایگاهی آرمانی برای طبیعت نخستین قائل بودند. از دیدگاه آنان آغاز تاریخ - که بدان دوره گیتیانه نیز می‌گویند - با تهاجم اهریمن به نور و آلوده شدن گیتی به بدی‌ها آغاز می‌شود. از آن پس سیر تاریخ به سوی پاک ساختن جهان از لوث بدی‌ها و بازیابی همان وضعیت مینوی اولیه است. تأکید ایرانیان باستان بر حفظ پاکی طبیعت و زدودن بدی‌ها و هر آنچه در طبیعت موجب ضرر و زیان دانسته می‌شود، مشهور است. به اعتقاد ایرانیان باستان، در ادامه چینی‌روندی است که جهان مینوی دوباره تحقق می‌یابد.

سرانجام از ادیان ابراهیمی باید گفت که در آن‌ها تاریخ انسان با حضور وی

آن را می‌گیرد. گویی بدویت، مساوی با طبیعت بوده است که با ختم آن، دوره مدنیت آغاز شده باشد. آیا چنین تفسیری ریشه در نگرش‌های بازممانده از تمدن‌های باستانی یونان و روم در اروپا دارد یا آن‌که مربوط به دوره جدید است؟ آیا می‌توان طرح تعارض با طبیعت را، که در عصر بورژوازی پدیدار شد، با انگیزه سودجویی مستتر در تمدن این طبقه، یعنی بورژواها، مرتبط دید؟ بدین معنا که علم و فن جدید که به تسلط و بهره‌برداری بیشتر انسان از طبیعت می‌انجامد و مورد حمایت و علاقه بورژوازی است در «طرح تعارض با طبیعت» تکثیر ثروت را آسان‌تر و بیشتر می‌دیده است. شواهد بسیاری از چنین نگاهی نزد سرمایه‌داری قرون نوزدهم و بیستم دیده می‌شود.

مردم چین در بسیاری از اختراعات (اگر اختراع را تصرف و غلبه بر طبیعت بدانیم) پیش‌گام بوده‌اند، اما معروف است که آن‌ها همواره از طبیعت الهام می‌گرفته و زیبایی مبتنی بر طبیعت را اصل اساسی فعالیت‌های هنری و صنعتی خود قرار می‌داده‌اند. اساساً «زیبایی‌شناسی چینی» به طبیعت نظر داشته است و تا آنجا بر این معنا تأکید دارد که طبیعت را نه تنها الهام‌بخش صنعت، که بسیار منطبق با هنر می‌داند

در بهشت آغاز می‌شود. هبوط انسان بر زمین در واقع با خروج وی از بهشت صورت گرفت؛ امری که خسران عظیمی برای انسان به‌شمار می‌آید. از آن پس سیر تاریخ به سوی بازگشت به بهشتی است که از آن تصور یک باغ جاویدان وجود دارد. این تلقی از بهشت در نگاه زیبایی‌شناسانه ادیان ابراهیمی، دوست‌داری طبیعت و نیز آبادانی جهان را موجب می‌شده است. بدین ترتیب به سادگی می‌توان دریافت که تا قبل از تمدن صنعتی غرب، قول به «ستیز انسان با طبیعت در بدایت حرکت تاریخ» وجود نداشته و تاریخ انسان همواره در افقی دور دست، آغازی در گذشته بلندمدت داشته است. در واقع، این در تاریخ نگاری ابزاری است که افق تاریخ انسان کوتاه و برابر با عمر ابزارسازی او انگاشته می‌شود، و روشن است که چنین انگاشتی موجب وارد آمدن خسارات بسیار بر طبیعت - که حیات نوع آدمی و دیگر جانداران منوط به حفظ آن است - شده است.

خوشبختانه از اواسط قرن بیستم، و در پی دو جنگ بزرگ جهانی، بشر متمدن و صنعتی متوجه این معضل شد و در صدد برآمد که با حفظ محیط زیست با چنین خطری مقابله کند. این توجه و آگاهی همراه با نفی صنعت نبود، بلکه با اصلاح فعالیت‌های صنعتی همراه بود؛ به نحوی که آثار زیان‌بار کمتری داشته باشد. در ضمن، این تغییر اساسی در نگرش، جوامع متمدن را به وجود آورد که به طبیعت با دیده ستیز ننگرند. بلکه آن را گاهواره تکوین جامعه بشری و تمدن صنعتی به‌شمار آورند.

تفسیری که تاریخ‌نگاری اخیر غرب از «فرهنگ» در مفهوم «مهارت» در سیر تاریخی بشر ارائه می‌کند، گویای همین نگرش جدید است. فرهنگ به مفهوم مهارت همان امری است که در ادبیات امروزی با عنوان «بهره‌وری» از آن یاد می‌شود؛ یعنی مدیریت منابع، تولید، نیروی انسانی و انرژی به نحوی که ضمن بازدهی بالا حداقل ضایعات زیست محیطی را داشته باشد. در بطن و متن چنین رویکردی است که دوست‌داری طبیعت بروز پیدا می‌کند. این امری است که امروزه به صورت یک نهضت عمومی در جوامع پیشرفته شکل گرفته و بدون تغییر در نگاه ستیزه جویانه با طبیعت امکان به وجود آمدن نداشته است. این طرز نگاه چون تأثیری مستقیم بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری دارد، در برنامه‌های ملی آموزش تاریخ کشورها لحاظ شده است. مکتب‌های جدید تاریخ‌نگاری مانند آنالز، نیز به توسعه این نگرش کمک رسانده‌اند. اکنون سال‌هاست که تصحیح نگاه به طبیعت در سیر تاریخ بشری، در مواد و متون درسی تاریخ مدنظر قرار گرفته است. از این رو برای جامعه در حال پیشرفت صنعتی ما نیز ضروری است که بدان توجه نماید. با چنین نگرشی تاریخ، هم زیباتر و هم در افقی وسیع‌تر دیده خواهد شد و برای مدیران و مردمان نیز راهنمای عملی مفیدی خواهد بود.



# یادگیری تفکر تاریخی

بررسی چپستی و چگونگی تکوین تفکر تاریخی

مجتبی مقصودی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

دارد. پس دلیل اینکه آموزش و یادگیری تفکر تاریخی مشکل می‌نماید؛ این است که معنای مورد توافق و همه فهمی ندارد (Vansfedright, 2009).

ببینیم تفکر تاریخی چه چیزی نیست تا بتوانیم به تعریفی از آن برسیم؛ زیرا گفته‌اند: «تُعرَّفُ الاشياءُ بأضدادها».

در تعریفی ساده باید گفت، تفکر تاریخی به معنای داشتن دانش هرچه بیشتر از وقایع تاریخی نیست. آنچه در بیشتر مدارس بر آن تأکید می‌شود و موجب دل‌زدگی اکثر دانش‌آموزان از درس تاریخ می‌گردد، همین توجه بیش از حد به وقایع تاریخی است. با چنین رویکردی به تاریخ، دانش‌آموزان به این اعتقاد می‌رسند که تاریخ چیزی نیست جز گزارشی از وقایع بسیار زیاد که یکی پس از دیگری رخ داده‌اند و وظیفه آن‌ها هم این است که تا حد ممکن این وقایع را براساس زمان رخدادشان حفظ کنند و در امتحان نمره بیاورند.

باید گفت درست است که تاریخ گزارش وقایع تاریخی است اما این وقایع مانند آجرهایی هستند که بنایی را می‌سازند. ما بدون اطلاع از رویدادها نمی‌توانیم درباره تاریخ مطالعه کنیم. به عبارت دیگر وقایع تاریخی مانند حروف و کلماتی هستند که در یک متن برای خواندن و درک معنا لازم‌اند.

از نظر کاترین اسپور<sup>۲</sup> تفکر تاریخی نیازمند عبور از توالی تاریخی یا نگاه



## اشاره

این مقاله به منظور بیان جنبه‌های تفکر تاریخی نگارش یافته است. مفهوم تفکر تاریخی برای اندیشمندان این حوزه روشن است، اما وقتی شاخص‌ها، جنبه‌ها و مفاهیم مرتبط با آن بیان شوند، می‌توان به تصویر روشن‌تری از آن دست یافت. در این مقاله کوشیده‌ایم با استفاده از منابع گوناگون، علاوه بر ترسیم تصویری از تفکر تاریخی، یادگیری این نوع تفکر را نیز در خوانندگان تقویت کنیم. نویسنده مقاله، از اعضای پیشین «شورای برنامه‌ریزی درس تاریخ» است و در زمینه آموزش و تدریس تجربیاتی دارد.

## کلیدواژه‌ها: تفکر تاریخی، رخدادهای تاریخی، شاخص‌های تفکر تاریخی، جنبه‌های تاریخی

### مقدمه

شما تا به حال با اصطلاح «تفکر تاریخی» یا اینکه «داشتن تفکر تاریخی ضروری است» برخورد داشته‌اید. سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتاب‌های درسی و غیردرسی تاریخ، مدیران فرهنگی و تاریخ‌پژوهان از این عبارت زیاد استفاده می‌کنند. لذا ممکن است کسانی تصور کنند که این هم یکی از آن اصطلاحات ذهن‌پرکنی است که بعضی‌ها برای فضل‌فروشی به کار می‌برند و معنای خاصی ندارد، اما کسانی که درباره معنای آن بیشتر اندیشیده‌اند، معتقدند نه تنها با معناست بلکه این اصطلاح برای هر فرد هم معنای متفاوتی



«توالی مدارانه»<sup>۳</sup> به آن است. در ورای این عبور، به رویکردی می‌رسیم که تاریخ را مجموعه‌ای از رخدادها می‌داند که هر یک دیگری را می‌زاید (spoehr & spoehr, 1994).

**مایکل استنفورد** بین «گذشته» و «روایت گذشته» تفاوت قائل است. او تاریخ را همه وقایعی می‌داند که قبل از زمان حال رخ داده‌اند. همچنین می‌گوید، وقایعی که قبل از زمان حال رخ داده‌اند، محیطی تاریخی<sup>۴</sup> را تشکیل می‌دهند که شامل همه وقایع تاریخی رخ داده در آن است (Staley, 2007).

درواقع، تاریخ ارائه گزارش درباره رخدادها یا مطالعه رخدادهاست، اما تفکر تاریخی تنها به معنای جمع‌آوری اطلاعات درباره رخدادها نیست (spoehr & spoehr, 1999). بلکه عبارت است از بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها، یافتن دلایل و علت‌ها، احتمال دادن، مقایسه کردن، تمیز قائل شدن، پیش‌بینی کردن، ارزیابی کردن و در نهایت دستیابی به قضاوت‌ها. از دیدگاه **بلوم** در طبقه‌بندی اهداف آموزشی (Bloom, 1956)، تفکر تاریخی به طبقاتی از اهداف مرتبط است که با تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و قضاوت سروکار دارد.<sup>۵</sup>

**مهدی کیوان**، استاد تاریخ، در مصاحبه‌ای که مجله «رشد آموزش تاریخ» در سال ۱۳۸۰ (شماره ۸) با عنوان «تفکر تاریخی»، با وی انجام داده مطالبی را بیان

می‌کند که اگرچه طبقه‌بندی نشده‌اند، از فحوای آن‌ها می‌توان این نکات را در زمینه تفکر تاریخی برداشت کرد:

\* تاریخ موضوعی دیالکتیکی است، در حالی که در مدارس آن را مکانیکی درس می‌دهند. پدیده‌های تاریخی را نباید به صورت انتزاعی در نظر گرفت بلکه آن‌ها را باید نوعی هستی سیال، تداومی و تکاملی به طرف هدفی منطقی و انسانی بدانیم. برای مثال، باید بدانیم و بیاموزیم که هر دوره تاریخی ریشه در دوره قبلی دارد و رخدادی مجزای نیست. برای مثال، تاریخ افشاریه، دقیقاً به گونه‌ای دیالکتیکی، تداوم و عکس‌العمل تاریخ اواخر صفویه است.

\* معلم تاریخ باید برای تدریس فضا سازی کند؛ مثلاً نوع زبان و شیوه ارائه‌ای را برگزیند که به فضا سازی مناسب کمک می‌کند.

\* معلم تاریخ باید با مقولات علمی، اعم از جامعه‌شناسی، دین‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، و به‌خصوص برای درک تاریخ ایران، با ادبیات فارسی، آشنایی داشته باشد.

\* تاریخ را باید براساس یک سلسله حوادث فرهنگی تقسیم‌بندی کنیم؛ مثلاً تاریخ رسمی ایران را می‌توان شامل پنج دوره دانست: پذیرفتن دین زرتشتی، از آمدن اسکندر تا ورود اسلام، از تولد مکتب فکری شیعه تا استقرار صفویه شیعی، دوره قانون خواهی به سبک غربی، و دوره

پیروزی انقلاب اسلامی. اکنون تاریخ منتظر محتوای اسلامی - ایرانی است.

\* تاریخ شامل تمدن مادی و فرهنگی است و در جنگ‌های میان گروه‌های مختلف خلاصه نمی‌شود. توصیف جنگ در تاریخ، دریچه‌ای است به فهم چرایی تاریخ. به عبارت دیگر، حوادث تاریخی وسیله‌ای برای رسیدن به مفاهیم تاریخی هستند.

\* تاریخ نقل حوادث گذشته نیست. کلاس تاریخ محیط مشخص و قلمرو فکر تاریخی است و اعتراض به کتاب‌های درسی بی‌وجه است.

\* انسانی که تاریخ دارد، در زندگی‌اش تغییر کیفی روی می‌دهد و این تغییر، تغییری ارگانیک است.

**اندروز و بورک**<sup>۶</sup> در تلاش برای دستیابی به تعریفی از مهارت‌های تفکر تاریخی به پنج مفهوم اساسی در مطالعه تاریخ اشاره می‌کنند که تعبیر آن‌ها نوعی رویکرد به مطالعه تاریخ است. این مفاهیم عبارت‌اند از: تغییر در طول زمان<sup>۷</sup>، علیت<sup>۸</sup>، متن یا زمینه<sup>۹</sup>، پیچیدگی<sup>۱۰</sup> و رابطه<sup>۱۱</sup>. در زبان انگلیسی آن‌ها را پنج «C» نام گذاشته‌اند. (Andrews and burke, 2007)

این مفاهیم محور پرسش‌هایی است که تاریخ‌دانان درباره آن‌ها بحث می‌کنند و به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها هستند. در اینجا سعی می‌شود این مفاهیم با استفاده از نوشته‌های اندروز و بورک و مطالبی که



یعنی زبان فارسی، تقریباً بدون تغییر  
استمرار یافته است.

### زمینه

آنچه دکتر کیوان به آن «فضاسازی» می‌گوید، در اینجا با عنوان «زمینه» آمده است. اینکه معلم صرفاً بگوید چیزها تغییر می‌کنند ولی برخی همچنان استمرار می‌یابند، بیانی نیست که دانش‌آموزان مشتاق آن شوند. معلمان تاریخ باید مانند قصه‌گویان حرفه‌ای عمل کنند و برای دانش‌آموزان فضایی ایجاد کنند که به آن‌ها انگیزه توجه و یادگیری بدهد. دانش‌آموزان - به‌خصوص در دوره ابتدایی - از نمایش لذت می‌برند و از طریق آن برای ورود به تفکر تاریخی آماده می‌شوند. البته با بالا رفتن سنشان باید بفهمند که تاریخ فقط یک بازی در جهان متغیر نیست.

دکتر کیوان در همین زمینه می‌گوید: «شاگردان تاریخ باید در فضاسازی به معلم کمک کنند. معلم تاریخ باید از دانش‌آموزانی که زمینه تفکر اجتماعی دارند، در آماده‌سازی فضا کمک بطلبد. با گفت‌وگویی که با آن‌ها انجام می‌دهیم و به کمک آن‌ها می‌توانیم بگوئیم که حمله مغولان یا انقلاب مشروطیت در «چه فضایی» واقع شد. فضای حمله مغولان به ایران با فضای حمله اعراب به ایران متفاوت بوده است.»

### علیت

معلمان تاریخ و تاریخ‌دانان سعی می‌کنند با استفاده از زمینه و فضا، و تغییر

نگارنده این مقاله اضافه کرده است، تبیین  
گردند.

### تغییر در طول زمان

ایده تغییر در طول زمان، به ظاهر ساده‌ترین مفهوم از بین مفاهیم پنج‌گانه ذکر شده در بالاست؛ چرا که دانش‌آموزان معنای تغییر در طول زمان را به خوبی درک می‌کنند. آن‌ها با فناوری‌هایی سروکار دارند که روز به روز تغییر می‌کنند؛ فناوری‌هایی که نه تنها در دسترس گذشتگان نبوده، بلکه وجودشان در محیله آنان هم نمی‌گنجیده است. به علاوه، دانش‌آموزان با جنبه‌هایی از زندگی هم روبه‌رو می‌شوند که در طول سال‌ها، دهه‌ها و حتی قرن‌ها تغییر چندانی نکرده است. بسیاری از مراسم فرهنگی، مذهبی و جشن‌های ما حاوی همین جنبه‌های کمتر تغییر یافته زندگی هستند. پس، استمرار را می‌توان بخش جدایی‌ناپذیر ایده تغییر در طول زمان دانست. دانش‌آموزان مفهوم تغییر در طول زمان را به راحتی درک می‌کنند اما مفهوم استمرار در طول زمان برایشان کمی پیچیده‌تر است. برای مثال می‌توان گفت اینکه ما می‌توانیم کتاب «گلستان سعدی» را بخوانیم و تا حدود زیادی بفهمیم، نشان می‌دهد که این جنبه از تاریخ کشورمان،

شاگردان تاریخ باید در فضاسازی

به معلم کمک کنند. معلم

تاریخ باید از دانش‌آموزانی که

زمینه تفکر اجتماعی دارند، در

آماده‌سازی فضا کمک بطلبد.

با گفت‌وگویی که با آن‌ها انجام

می‌دهیم و به کمک آن‌ها

می‌توانیم بگوئیم که حمله

مغولان یا انقلاب مشروطیت در

«چه فضایی» واقع شد. فضای

حمله مغولان به ایران با فضای

حمله اعراب به ایران متفاوت

بوده است



در طول زمان و علیت، تغییرات تاریخی را توضیح دهند. برخلاف دانشمندان علوم تجربی، تاریخ‌دانان نمی‌توانند نظریه‌ها را به صورت تجربی آزمایش کنند و با ایجاد فضاهای ساختگی و موقعیت‌هایی همچون گذشته‌ها، به تولید اطلاعات بپردازند. برعکس، آن‌ها باید بحث‌های خود را بر منابعی استوار سازند که معمولاً جانب‌دارانه نگاشته شده و گاهی این منابع در بیان توصیف یک واقعه مشخص تاریخی مطالب متفاوت یا حتی متضادی را بیان کرده‌اند.

تاریخ‌دانان سعی دارند برخی وقایع را علتی برای رخدادهای بعدی نشان دهند اما همیشه نمی‌توان در این زمینه به یک وفاق جمعی رسید. به خصوص که در مسائل انسانی روابط به صورت متقابل هستند و هر رخداد، حاصل علل و اسباب مختلف است. مثلاً آیا می‌توان گفت انقلاب مشروطه معلول روشنگری‌هایی بوده است که از افکار اروپایی نشئت گرفته بوده‌اند و یا اینکه آن انقلاب حاصل تلاش‌های روشن‌فکران و مذهب‌یون ایرانی بود؟ آیا روحيات، خالقيات و وضع جسمی مظفرالدین شاه، پیروزی انقلاب مشروطه را تسهیل کرده؟ و اگر فرد دیگری بر تخت پادشاهی می‌نشست، این انقلاب به نتیجه نمی‌رسید؟

## رابطه

درک مفهوم «رابطه» شاید از پنج مفهوم دیگر دشوارتر باشد. وقتی می‌گوییم تاریخ

مجموعه رخدادهای مرتبط به هم است، در واقع ادعا می‌کنیم که هر رخداد تاریخی بر شماری از رخداد‌های قبلی استوار شده است و هر یک از آن رخداد‌ها نیز به نوبه خود بر رخداد قبلی اتکا دارد و این زنجیره همچنان ادامه می‌یابد. هسته مرکزی این ایده آن است که رخداد‌های تاریخی، به شدت به هم وابسته‌اند؛ لذا تغییر وضعیت قبلی یا ایجاد تغییر در هر اتفاق تاریخی، می‌تواند به تغییر رخداد بعدی منجر شود.

شاید در برخی فیلم‌های تخیلی دیده باشید که افرادی به گذشته بازمی‌گردند و گاهی تغییراتی در یک جزئی تاریخی یا زیستی‌شان به وجود می‌آید. آن‌ها هنگامی که به زمان حال بازمی‌گردند، متوجه می‌شوند که همه چیز تغییر یافته است. در علوم زیستی و محیطی به این موضوع با عنوان «اثر پروانه‌ای» اشاره شده است. چون در نظریه‌ای گفته شده است که: «حرکت بال یک پروانه در جنگل‌های برزیل ممکن است به ایجاد گردبادی در سواحل ژاپن منجر شود». اگرچه در این نظر کمی اغراق نهفته است اما رابطه بسیار نزدیک رخداد‌های جهان به یکدیگر را نشان می‌دهد.

«رابطه» می‌تواند یک مفهوم سیال و گاهی تخیلی باشد. گذشتگان گاهی سعی کرده‌اند رابطه بین رویدادها را در هاله‌ای از افسانه، سرنوشت، نژاد خاص، تقدیر الهی، حکم محتوم و غیره ببوشانند؛ مثلاً گروهی از ایرانیان حمله مغول به ایران

را به سرنوشت نسبت می‌دادند و از انجام دادن هر عملی در مقابل آن اقوام خون‌خوار امتناع می‌کردند و حتی اگر اسیر می‌شدند، با مغول‌ها همراهی می‌کردند. انسان هنوز هم به ایده سرنوشت و تقدیر به شدت علاقه نشان می‌دهد. گویا این رویکرد، بخش جدایی‌ناپذیری از سرشت بشری است. در این زمینه حتی ایدئولوژی‌های بشری و غیرالهی هم، به نوعی، به سرنوشت اعتقاد دارند و پیروان خود را به آن می‌خوانند، اما کسانی که به مطالعات تاریخی علاقه دارند، می‌کوشند تا حد امکان وقایع را بر اساس علت تاریخی بررسی کنند و این وقایع را به صورت سلسله‌ای از نتایج که هر یک بر رویدادهای بعدی اثرگذارند، تعقیب می‌کنند.

تفکر تاریخی که مبتنی بر رابطه رخداد‌های تاریخی با یکدیگر است، از ما می‌خواهد که عمیقاً به گذشته، حال و آینده بیندیشیم. این تفکر به «جبر تاریخی» نمی‌انجامد و حتی تا حد زیادی به اصلاح اعتقادات جبرگرایانه منجر می‌شود. همچنین بر خطا بودن این ایده که همه وقایع تاریخی در یک خط از پیش تعیین شده حرکت می‌کنند، تأکید می‌کند. این تفکر به هیچ وجه مدعی آن نیست که مردمان گذشته راهی برای پیش‌بینی آنچه در آینده رخ خواهد داد، نداشته‌اند.

مفهوم «رابطه» همچنین به ما یادآوری می‌کند که چه بسا افراد هم بتوانند وقایع بشری را شکل دهند. مثلاً اگر کارل

مارکس، که به خاطر سانسور در کشور پروس به انگلستان مهاجرت کرد و در آنجا با فردریک انگلس آشنا شد، به آمریکا مهاجرت می‌کرد، تاریخ قرن بیستم به گونه دیگری رقم می‌خورد یا اگر عباس میرزا که درگیر جنگ‌های ایران و روس شد وفات نمی‌کرد، سرنوشتی دیگر در انتظار پادشاهان قاجار و کشور ایران بود. البته تفکر تاریخی مبتنی بر رابطه رخدادهای، به دنبال خیال‌بافی و دلخوش کردن به این هم نیست که مثلاً ما بگوییم «اگر این اتفاق نمی‌افتاد، شاید کشور ما در وضع بهتری قرار داشت.» وقتی می‌گوییم گذشته و تاریخ مبتنی بر مجموعه رخدادهایی به هم پیوسته‌اند، در واقع قصد داریم دانش‌آموزان را به این درک و نتیجه‌گیری برسانیم که آینده در دست‌ان آن‌هاست و آن‌ها باید بخشی از مسئولیت شکل‌گیری تاریخ آینده را برعهده بگیرند.

«رابطه» مفهومی است که بیان مجرد و ذهنی آن مشکل به نظر می‌رسد، اما به تاریخ‌نویسان یادآوری می‌شود که در روایت تاریخی خود از «افراد» غفلت نکنند؛ افرادی که می‌توانند نقشی در تاریخ آفرینی داشته باشند. «آینده‌شناسی» یا «آینده‌پژوهی» که تلاشی است برای پیش‌بینی آینده و ترسیم سناریوهای متفاوتی که در آینده رخ خواهند داد، می‌تواند ابزاری قوی در اختیار مورخان قرار دهد که تاریخ را از دل زندگی افراد بیرون بکشند. نگرش رابطه‌ای به رخدادهای تاریخی، در واقع نگاهی است که تاریخ را در هم می‌شکند. نگاهی که تاریخ را رژه غیرقابل کنترل رخدادهای گذشته به سوی زمان حال و آینده می‌داند. با نگرش رابطه‌ای، دانش‌آموزان می‌بینند که اگر رفتار دیگری از مردم گذشته سر می‌زد، ممکن بود اکنون جهان و کشورشان وضع دیگری داشت.

## پیچیدگی

وجود مفاهیم پیچیده‌ای چون اخلاق، شناخت‌شناسی و علیت در تفکر تاریخی، تفاوت مفهوم «تاریخ» را با «تفکر تاریخی» روشن می‌سازد؛<sup>۱۱</sup> مفاهیم دشواری که بسیاری از غیر تاریخ‌دانان به آن توجه ندارند و تاریخ را مشتئی محفوظات می‌دانند. به یاد سپردن نام سلسله‌های پادشاهی، جنگ‌ها و به یادآوری نام‌ها و زمان‌ها نیازمند تلاش است اما برای تحلیل و تفکر تاریخی این حفظ کردن‌ها ضرورت تام ندارد. کسب آگاهی از جهانی آشفته که ما نمی‌توانیم به طور مستقیم از آن شناخت پیدا کنیم، بسیار گیج‌کننده است اما جذابیت‌های خود را دارد. اگر بخواهیم رویداد شماری تاریخی را که فرایندهای بفرنج تاریخی را به صورت چکیده در یک نمودار نمایش می‌دهد، با گذشته دوستی احساساتی - که تاریخی طلایی را به ما القا می‌کند - مخلوط کنیم و از این دریچه به تاریخ بنگریم، در فهم گذشته ناتوان خواهیم بود؛ چرا که بیان‌های غیرواقعی از گذشته‌های خوشایند ما را از تفکر درباره گذشته واقعی بازمی‌دارند و بر رفتارهای سیاسی و فرهنگی مان در زمان حال تأثیر سوء می‌گذارند.

با استفاده از مفاهیم پنج‌گانه فوق می‌توان به دانش‌آموزان آموخت که بدانند گذشته تنها مقدمه‌ای بر زمان حاضر نیست. گذشته فهرستی از وقایع برای حفظ کردن نیست. گذشته تنها جایی برای مقابله قهرمانان و تبهکاران، میهن‌پرستان و خائنان، ... پیروزی‌ها و شکست‌ها یا مکان‌هایی پراکنده در کشور برای بازدید و گردش تاریخی نیست بلکه میدانی است برای تفکر طولانی و سخت درباره پرسش‌هایی که اهمیتی فوق‌العاده دارند.

**کارلاپک** نیز در توصیف تفکر تاریخی و یادگیری آن، از منظری دیگر، از شش شاخص یا عنصر نام می‌برد که عبارت‌اند

از: اهمیت، استمرار و تغییر، شواهد، علت و پیامد، کسب دیدگاه تاریخی و بعد اخلاقی. توضیح هر یک از این شاخص‌ها می‌تواند درک ما را از تفکر تاریخی توسعه بخشد.<sup>۱۳</sup>

## ۱. اهمیت

عنصر اهمیت خود از چهار ویژگی تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: انتخاب، اصول، فهم‌های کلیدی و معیارها. به عبارت دیگر، ما باید در آموزش تاریخ:

- در میان رویدادهای تاریخی دست به انتخاب بزنیم؛ نمی‌توانیم هر چیزی را که مربوط به گذشته است آموزش دهیم و آن را مطالعه یا حفظ کنیم.

- دلایل یا اصولی را که به اهمیت تاریخی یک رخداد منجر می‌شوند، بدانیم. - نکته‌های کلیدی تاریخی را تشخیص دهیم.

- بدانیم چه معیارهایی را به کار ببریم تا بتوانیم در مورد اینکه چه چیزی را باید حفظ کنیم، چه چیزی را آموزش دهیم و چه چیزی را مطالعه کنیم، تصمیم بگیریم.

به عبارت دیگر، در تاریخ و مطالعه آن باید به دنبال مهم‌ترین‌ها باشیم؛ یعنی آن‌هایی که شخصاً برای ما مهم هستند یا به عنوان دبیر باید در کلاس آن‌ها را آموزش دهیم. دلایل این انتخاب نیز فراوان است؛ از جمله، کمبود وقت برای مطالعه همه وقایع، علائق شخصی و تخصص در یک موضوع، اما چه چیز برای ما به عنوان دبیر تاریخ در ایران، این «اهمیت» را تعیین می‌کند؟

پاسخ ساده به این پرسش این است که کتاب درسی خود به ما می‌گوید که از رخدادهای تاریخی و اتفاقات گذشته، چه چیزی مهم است و چه چیزی مهم نیست. یعنی آنچه نویسندگان کتاب تاریخ مدارس نوشته‌اند، «مهم» بوده است و باید آن‌ها را آموخت اما پاسخ غیر آشکار ما شاید این باشد که می‌توانیم به دانش‌آموزان بگوییم چه چیزی از نظر ما مهم‌تر است، آن‌ها

باید چه بخش‌هایی را بهتر بخوانند یا در مورد آن به کتاب‌های دیگری مراجعه کنند، در مورد چه رخدادهایی تحقیق کنند و نتایج آن را به کلاس ارائه کنند و حتی چه رخدادهایی هستند که در کتاب تاریخ نیامده‌اند و دانش‌آموزان باید آن‌ها را بدانند. مسلماً اگر نمی‌خواهیم فقط به کتاب درسی اکتفا کنیم، باید معیارهایی در این تصمیم‌گیری‌ها داشته باشیم. این معیارها نیز گاهی شخصی و منبعث از طرز نگاه فرد ما (دبیر) به وقایع تاریخی است. گاهی نیز تحت تأثیر تحصیلات دانشگاهی یا همکاران است.

البته ما در مورد انتخاب‌ها باید معیارها یا اصولی داشته باشیم؛ مثلاً اینکه کدام رخداد می‌تواند عامل اصلی رخدادهای بزرگ‌تر باشد، به طوری که بدون درک و فهم آن نمی‌توان رخدادهای مذکور را به خوبی فهمید یا تفسیر کرد. پس جنبه‌های اهمیت تاریخی را به این صورت می‌توان تعریف کرد: رخدادی مهم است که به تغییرات بعدی منجر شود، اما این تغییرات باید تغییراتی عمیق باشند و روی انسان‌های زیادی تأثیر بگذارند. این تغییرات باید تا مدت زمان زیادی ادامه پیدا کنند، پدیده‌هایی آشکار باشند و نقش مهمی را در درک وقایع تاریخی بازی کنند.

## ۲. استمرار و تغییر

هگل<sup>۱</sup> می‌گوید: «مفهوم روح در خور آن است که تکامل تاریخی در زمان صورت گیرد. زمان متضمن صفت (یا تعین) منفی است. هر هستی یا رویدادی برای ما مثبت و مسلم است ولی خلاف آن نیز امکان دارد؛ یعنی هستی یا رویداد می‌تواند وجود نداشته باشد. این نسبت هر چیز با نیستی، زمان است» (هگل، ۱۳۷۹).

تاریخ و رخدادهای آن همچون «زمان»، پدیده‌هایی مستمر هستند که تغییرات را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد. در واقع،



## کارلایک در توصیف تفکر

تاریخی و یادگیری آن، از شش

شاخص یا عنصر نام می‌برد که

عبارت‌اند از: اهمیت، استمرار

و تغییر، شواهد، علت و پیامد،

کسب دیدگاه تاریخی و بعد

اخلاقی



درک این تغییر در طول زمان محور اصلی تفکر تاریخی است. استمرار و تغییر ما را با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌کند:

- آیا وقتی چیزها تغییر می‌کنند، عنصر استمرار همچنان باقی می‌ماند؟  
- آیا همچنان که چیزها تغییر می‌کنند، وضع آن‌ها بهتر می‌شود یا بدتر؟  
- آیا دیدگاه ما در این زمینه بر فهم رخدادهای تاریخی تأثیرگذار است؟  
از سوی دیگر، این استمرار و تغییر دارای ویژگی‌ها یا جنبه‌هایی به این شرح است:  
- استمرار و تغییر رابطه متقابل دارند.

- در استمرار و تغییر با برخی زمان‌ها یا نقاط عطف تاریخی مواجه می‌شویم که موجب تحول زندگی مردم یک سرزمین یا همه جهانیان شده است. برخی از این نقاط در این استمرار و تغییر گنجانده‌اند و یافتن دلیل منطقی برای آن‌ها مشکل است؛ مثلاً بی‌توجهی مردم به یک رخداد یا همراهی آن‌ها با یک رخداد در گذشته‌ها که در زندگی حال و آینده‌شان تأثیرگذار بوده است و هنوز هم تأثیرات آن را می‌توان مشاهده کرد.

- تعیین پیشرفت و پس‌رفت، راهی است برای ارزیابی تغییرات در طول زمان. آیا این تغییر مثبت بوده است یا منفی؟  
- ترتیب تاریخی به ما در سازماندهی و درک مفهوم استمرار و تغییر کمک می‌کند.  
- مفهوم تکرار تاریخی یا تکرار دوره‌ای تاریخی می‌تواند به ما در سازماندهی و درک استمرار و تغییر کمک کند. آیا برخی

از وقایع واقعاً در تاریخ تکرار می‌شوند؟

### ۳. شواهد

ما برای آگاهی از رخدادهای تاریخی نیازمند مدارک و شواهد هستیم؛ اما این مدارک و شواهد چگونه ما را به آگاهی می‌رسانند و میزان اعتبار آن‌ها چقدر است؟ به عبارت دیگر:

- ما چگونه درباره گذشته کسب آگاهی می‌کنیم؟  
- چگونه تصمیم می‌گیریم از صحت واقعه‌ای که در گذشته رخ داده است مطمئن شویم؟

- تحلیل انتقادی گذشته یکی از مهارت‌های مهمی است که باید در خود و دانش‌آموزان توسعه دهیم. در این رابطه باید با این پرسش‌ها مواجه شویم و برای آن‌ها پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای بیابیم:

- مسائل مربوط به موجه بودن یک باور به یک موضوع تاریخی چیست؟ (مثلاً چه شواهد و مدارکی در دست است، و اعتبار آن‌ها تا چه حد است؟)

- من چگونه تصمیم می‌گیرم که به چه کسی یا چه چیزی باور داشته باشم؟  
- آیا این باور خاصی که من دارم، معتبر است و من چگونه می‌فهمم که این باور معتبر است؟

### جنبه‌های دیگری از شواهد

همان‌طور که گفته شد، یکی از دلایل اعتبار شواهد یا مکتوبات، به مورخ یا

نویسنده متن تاریخی بازمی‌گردد. در این زمینه می‌توان پرسید که مثلاً:

- موقعیت شغلی نویسنده چه بوده است؟ آیا یکی از حقوق‌بگیران کسی است که درباره او مطالبی نگاشته است؟  
- نویسنده کجا بوده و چه فاصله‌ای از محل رخداد قرار داشته است؟  
- نویسنده چه اعتقاداتی داشته است؟  
- نویسنده در چه زمانی - نسبت به زمان وقوع رخداد- زندگی می‌کرده است؟  
- اهداف احتمالی نویسنده از نوشتن این متن چه بوده است؟  
- زمینه فرهنگی و سیاسی عصر نویسنده چگونه بوده است؟

### ۴. علت و پیامد

چرا وقایع آن‌طور که ما شنیده یا خوانده‌ایم، رخ می‌دهند یا رخ داده‌اند؟ آیا دلیل یا دلایلی برای این اتفاقات وجود داشته است؟ چه کسانی تاریخ را می‌سازند؟ روابط قدرت در هر دوره تاریخی و هر زمان چگونه بوده است؟ کدام اجزای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و... بر وقایع تاریخی خاص تأثیرگذار بوده‌اند؟ چه اشخاص یا گروه‌هایی بر تغییرات تأثیرگذار بوده‌اند؟

وقایع تاریخی را نمی‌توان معلول یک علت دانست. همیشه علل چندگانه و چندلایه‌ای در کارند تا واقعه‌ای به وقوع بپیوندد. این علل در طول زمان به وجود آمده‌اند و به قولی عللی هستند که



از سال‌ها و قرن‌ها قبل از واقعه در کار بوده‌اند. آن‌ها گاهی عوامل انسانی هستند؛ مانند فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها، نهادهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی و گاهی نیز وابسته به طبیعت‌اند؛ مانند کمبود یا وفور آب در یک منطقه، دسترسی یا عدم دسترسی به منابع طبیعی و غیره. گاهی این علل کوتاه مدت‌اند؛ مانند ظهور ناگهانی یک فرد قدرتمند و دارای بلندپروازی‌های فراوان، بلابای ناگهانی طبیعی و... و گاهی بلندمدت، مانند تأثیرپذیری مردم یک جامعه از اعتقاداتی که ریشه در قرن‌های گذشته دارد و...

## ۶. بعد اخلاقی

به عقیدهٔ امانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴) وظیفهٔ فیلسوف تاریخ آن است که نشان دهد به رغم وجود ظواهر غیرمنطقی در بستر زمان، تاریخ به دو معنا واجد جریان منطقی است: اول اینکه تاریخ طبق نقشهٔ قابل درکی در جریان است و دوم اینکه به سوی غایتی رهسپار است که اخلاقیات [بعد اخلاقی] می‌تواند آن را تأیید کند (کانت، ۱۳۷۸).

اما در اینجا منظور ما از بعد اخلاقی دقیقاً آن چیزی نیست که کانت مدعی آن است. ما در اینجا می‌خواهیم بدانیم که آیا می‌توان از تاریخ به عنوان یک «معلم اخلاق» استفاده کرد و در مورد تاریخ و رفتار شخصیت‌ها و مردم در طول تاریخ دست به قضاوت اخلاقی زد؟ بنابراین برای درک ابعاد اخلاقی در تاریخ باید به این

## ۵. کسب دیدگاه تاریخی

کسب دیدگاه‌های تاریخی به معنای درک تفاوت‌ها در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، فکری و حتی احساسی است که زندگی و رفتارهای مردم را در گذشته شکل می‌دهد. کسب دیدگاه تاریخی به معنای یادگیری استفاده از چارچوب‌های جدید در قضاوت دربارهٔ رخداد‌های تاریخی است. مراد از این چارچوب‌ها نه اعتقادات امروزی بلکه چارچوب‌های علمی و نگاه همه‌جانبه به رخدادهاست. تحلیلگر تاریخی باید از خود بپرسد که به چه دلایلی یک «شخصیت تاریخی» چنین رفتاری را از خود بروز داده است. القای عقاید تحلیلگر به خواننده در این زمینه راه‌گشا نیست؛ نتیجه‌گیری و استنتاج باید مبتنی بر استدلال و ارائهٔ شواهد کافی باشد.

کارلاپک	اندرروز و بورک	دکتر مهدی کیوان
- استمرار و تغییر	تغییر در طول زمان	تاریخ یک موضوع دیالکتیکی است. برای مثال، تاریخ افشاریه دقیقاً به گونه‌ای دیالکتیکی تداوم و عکس‌العمل تاریخ اواخر صفویه است.
- علت و پیامد	- علیت معلم‌ان تاریخ و تاریخ‌دانان سعی می‌کنند با استفاده از زمینه و فضا و تغییر در طول زمان و علیت، تغییرات در گذشته‌ها را توضیح دهند. - رابطه وقتی می‌گوییم تاریخ مجموعه رخداد‌های مرتبط به هم است، در واقع ادعا می‌کنیم که هر رخداد تاریخی بر شماری از موقعیت‌های قبلی استوار شده است.	
	- زمینه برای دانش‌آموزان فضایی را ایجاد کنند که به آن‌ها انگیزه توجه و یادگیری دهد. معلم تاریخ باید از دانش‌آموزانی که زمینه تفکر اجتماعی دارند، در آماده‌سازی فضا کمک بگیرد.	برای آموزش تاریخ باید فضاسازی کرد. معلم تاریخ باید با مقولات علمی در علوم انسانی گوناگون آشنا باشد.
	- پیچیدگی وجود مفاهیم پیچیده‌ای چون اخلاق، شناخت‌شناسی و علیت در تفکر تاریخی، تفاوت مفهوم «تاریخ» را با تفکر تاریخی روشن می‌سازد.	تاریخ را باید بر اساس یک سلسله حوادث فرهنگی تقسیم‌بندی کنیم.
- بعد اخلاقی آیا ما می‌توانیم از گذشته برای مسائل امروزی خود درس بیاموزیم؟		تاریخ شامل تمدن مادی و فکر فرهنگی است.
- اهمیت در مورد «اهمیت» ما با چهار موضوع سروکار داریم که عبارت‌اند از انتخاب، اصول، فهم‌های کلیدی و معیارها. - شواهد ما برای دانستن و آگاهی از رخداد‌های تاریخی نیازمند برخی مدارک و شواهد هستیم، اما این شواهد چگونه ما را به آگاهی می‌رسانند و میزان اعتبار آن‌ها چقدر است؟	تاریخ نقل حوادث گذشته نیست.	
- کسب دیدگاه تاریخی کسب دیدگاه‌های تاریخی به معنای درک تفاوت در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، فکری و حتی احساسی است که زندگی و رفتارهای مردم را در گذشته شکل می‌داده است.		انسانی که تاریخ دارد، در زندگی‌اش تغییر کیفی روی می‌دهد. این تغییر یک تغییر سازمند (ارگانیک) است.
		تاریخ‌نویسی مدرن با تاریخ‌نگاری گذشته تفاوت دارد و تاریخ دیگر یک کتاب مقدس نیست.

سؤال‌ها پاسخ داد:

- آیا ما می‌توانیم از گذشته برای مسائل امروز خود درس بیاموزیم؟

- آیا مجازیم ایده‌ها و قضاوت‌های امروزی خود را در مورد «درستی» و «نادرستی» به شخصیت‌های گذشته تحمیل کنیم؟ مثلاً آیا اعتقاد به آزادی یا برخی حقوق انسانی - که امروزه تقریباً مورد توجه و تأیید اکثر مردم جهان است - همان‌طور که برای ما اهمیت دارد، می‌تواند به عنوان ملاکی برای قضاوت در مورد رفتار یک سلطان در گذشته استفاده شود؟

- آیا گذشته کشور خود را می‌توانیم مانند یک کشور بیگانه تصور کنیم، با وجود اینکه گذشتگان در فرهنگی دیگر می‌زیسته و به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کرده‌اند؟

- برای اینکه رفتارها و حوادث گذشته را بهتر درک کنیم، باید چه چیزهایی را از ذهن خود کنار بگذاریم و چه چیزهایی را بر آن بیفزاییم؟

به‌طور کلی، در بعد اخلاقی نگاه به تاریخ، «مسئولیت اخلاقی همگانی» در خور عنایت است. بدین معنا که ما تا چه حد در قبال رفتارها یا میراث گذشتگان مسئولیت داریم و آیا تاریخ و گذشته رفتارهای مردم و مسئولان کشور، به ما به عنوان نسل جدید مسئولیت همگانی می‌دهد یا خیر؟

### پی‌نوشت‌ها

۱. عقل در تاریخ، هگل. گ.وف؛ مترجم: حمید عنایت، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶.

2. kathryan spoehr

3. chronical

4. historical field

۵. طبقه‌بندی بلوم از اهداف آموزشی یا دانشی که دارای شش طبقه است، از ساده‌ترین تا تجربی‌ترین آن‌ها را شامل می‌شود. در این طبقه‌بندی مهارت‌های ذهنی شامل دانش و اطلاعات، درک و فهم، کاربرد،

تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و خلاقیت است.

6. Andrews and Burke

7. Change over time

8. Causality

9. Context

10. Complexity

11. Contingency

۱۲. این بحث به موضوع فلسفه تاریخ نزدیک می‌شود. معمولاً دو برداشت یا نگرش به فلسفه تاریخ وجود دارد: یکی نگاه هستی‌شناسانه در خصوص پدیده و واقعیتی به نام تاریخ (معرفت درجه اول) - چه انسان باشد چه نباشد - و دوم نگاه معرفت‌شناسانه در باب علم تاریخ (معرفت درجه دوم) و علمی که درباره رویدادهای گذشته بحث می‌کند. البته برای اینکه مفاهیم بالا بهتر درک شوند، محققان معرفت درجه اول را فلسفه نظری (Speculative) یا جوهری تاریخ و معرفت درجه دوم را فلسفه انتقادی (Critical) یا تحلیلی و علمی تاریخ می‌گویند که هر کدام حوزه‌های مطالعاتی جداگانه‌ای دارند. در واقع، در فلسفه نظری تاریخ، با هدف مطالعه فلسفی و جرابی و چگونگی وقوع تحولات تاریخی به مسائلی چون رابطه تاریخ با علوم دیگر، واقعیت در تاریخ، تبیین تاریخ و عنایت در تاریخ پرداخته می‌شود و پرسش‌هایی نظیر این‌ها مطرح می‌گردد: تاریخ چیست؟ مسیر حرکت تاریخ و محرک آن چیست؟ اما در فلسفه علمی به این پرسش‌ها می‌پردازند که: آیا تاریخ علم است؟ جوهره پویای تاریخ چگونه است و نتایج تحقیقات چیست؟ لذا هدف فیلسوف نظری تاریخ این است که در رویدادهای گذشته، الگو یا معنایی کلی کشف کند که در ورای حوزه متعارف مورخ قرار دارد. حال آنکه هدف فیلسوف انتقادی تاریخ آن است که ماهیت پژوهش تاریخی را آشکار کند؛ یعنی با مشخص کردن جایگاه آن در نقشه معرفت و پیش‌فرض‌های اساسی، مفاهیم نظام‌دهنده و روش تحقیق آن را روشن کند و مورد بررسی قرار دهد. (برداشتی از «فلسفه نظری تاریخ، فلسفه علم تاریخ»، ستوده، کتاب‌های اسلامی، ۱۳۵۷).

13. Carla Peck Benchmarks of Historical Thinking: First Steps, CANADIAN JOURNAL OF EDUCATION, 4 (2008).

۱۴. معنای تاریخ کلی در غایت جهان‌وطنی؛ امانوئل کانت، مترجم: منوچهر صانعی دره‌بیدی، فصلنامه «نامه فلسفه»، شماره ۶، تابستان ۱۳۷۸.

### منابع

۱. صالحی، نصرالله و جمعی از نویسندگان؛ راهکارهای آموزش تاریخ. تهران، نشر شورا، ۱۳۸۸.

۲. چاوشی، محمدتقی؛ بنیاد تاریخ در تفکر هگل. مجله فلسفه. مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه. سال ۳۵، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.

۳. هگل. گ.وف؛ عقل در تاریخ، مترجم: حمید عنایت، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶.

4. Sam Wineburg, Historical Thinking and Other Unnatural Acts: Charting the Future of Teaching the Past (Philadelphia: Temple University Press, 2001).

5. Mark Klett, Kyle Bajakian, William L. Fox, Micheal Marshall, Toshi Ueshina, and Byron G. Wolfe, Third Views, Second Sights: A Rephotographic survey of the American West (Santa Fe: Museum of New Mexico Press, 2004).

6. Jonathan D. Spence, Death of Woman Wang (New York: Viking, 1978); Laural Theatcher Ulrich, The Age of Homespun: Objects and Stories in the Creation of an American Myth (New York: Knopf, 2001).

7. Don DeLillo, Patko at the Wall: A Novella (NEW York: Scribner's, 2001).

8. William Bradford, Of Plymouth Plantation, ed. Samuel Eliot Morison (NEW York: Random House, 1952).

9. Roy Rosenzweig and David Thelen, The Presence of the Past: Popular Uses of History in American Life (NEW York: Columbia University Press, 1998).

10. Theda Perdue and Michael D. Green, The Cherokee Removal: A Brief History with Documents 2nd ed. (Boston and NEW York: Bedford/St. Martin's, 2005).

11. David J. Staley, History and future: using historical thinking to imaging the future, Lexington Books, 2006.

12. Xiaobing Tang Global Space and the Nationalist Discourse of Modernity: The Historical Thinking of Liang Qichao, Stanford University Press, 1996.

13. Carla Peck Benchmarks of Historical Thinking: First Steps, CANADIAN JOURNAL OF EDUCATION, 4 (2008).

## اشاره

تدریس هر درس دارای مسائل و مشکلات خاص خود است و معلمان هر علم باید به جای تسلیم در برابر مشکلات و دچار شدن به روز مرگی، درصدد حل و مرتفع کردن آن‌ها برآیند. تدریس تاریخ نیز از این قاعده مستثنا نیست. اولین قدم در این راه، شناخت مشکلات و پس از آن یافتن راهکار برای حل معضل است. این مقاله سعی دارد با اشاره به برخی از مشکلات آموزش تاریخ، بابتی جدید را بگشاید تا دیگر همکاران نیز با استفاده از تجربیات خود به تکمیل آن بپردازند و موجبات هرچه بهتر شدن آموزش درس و کلاس تاریخ را فراهم آورند. در این نوشته سعی شده است با استفاده از دیدگاه‌های دبیران، دانش‌آموزان، اولیا و کارکنان مدارس، ابتدا مسائل و مشکلات کتاب‌های تاریخ و تدریس این درس، که موجب عدم فهم صحیح دانش‌آموزان و بی‌علاقگی آنان می‌گردد، در سه قسمت، مسائل مربوط به دبیران، دانش‌آموزان و کتاب، شناسایی شوند. سپس راهکارهایی برای حل آن‌ها پیشنهاد شده است. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که راهکارهای پیشنهاد شده قطعی و حتمی نیست و دبیران می‌توانند، با استفاده از تجربیات خود روش‌های جدیدی را در نظر بگیرند، یا آمیخته‌ای از روش‌های ذکر شده را با توجه به نوع کلاس و مدرسه به کار ببرند. مهم آن است که دائماً به شناسایی مشکلات بپردازند و برای آن‌ها راه‌حل جست‌وجو کنند؛ از به کار بردن روش‌های کلیشه‌ای بپرهیزند و از تغییر و تحول در روش‌ها نهراسند.

کلیدواژه‌ها: تدریس، تاریخ، مشکل کتاب، مشکل معلم

غلامرضا اله‌دادی

دبیر تاریخ شهرستان فسا

# مسائل و مشکلات تدریس تاریخ





هر نسل ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود را دارد. بنابراین معلم نمی‌تواند در طول ۳۰ سال تدریس، روشی یکنواخت را در پیش گیرد و همواره منتظر نتایج مثبت و بازدهی مورد انتظارش باشد، بلکه دائماً باید با شناختن زبان و ادبیات روز و نسل جدید، به ایجاد روش‌های تازه و کارآمد و متناسب با اقتضائات روز بپردازد.

در یک نظرخواهی، ۵۷ درصد از دانش‌آموزان اظهار داشتند که به درس تاریخ علاقه‌مندند، ۲۵ درصد بی‌علاقه بودند، ۱۰ درصد اظهار نظر نکردند و ۸ درصد گفتند از درس تاریخ بدشان می‌آید. همچنین ۵۳ درصد نقش معلم را در میزان علاقه خود مؤثر دانسته‌اند. ۱۷ درصد کتاب و ۳۰ درصد نیز علاقه شخصی را عامل انگیزه خود دانستند. همچنین، آن‌ها عدم کاربرد تاریخ در زندگی شخصی، عدم درک درست رابطه منطقی بین وقایع، متکلم و حده بودن معلم و عدم دخالت آنان در یادگیری، صدای یکنواخت معلم و نوع ادبیات و نگارش کتاب را از عوامل بی‌علاقگی به تاریخ یا دیرفهمی آن ذکر کرده‌اند.

### مشکل دانش‌آموز

۱. نگاه دانش‌آموزان به وقایع تاریخی اغلب عینی نیست. بسیاری از آنان هیچ نسبتی بین زندگی خود و آنچه تدریس می‌شود، نمی‌یابند. در نتیجه، درس تاریخ را غیرعلمی، غیرکاربردی و متعلق به گذشته محض و کسب آن را کاری بی‌فایده می‌دانند. سخنانی همچون «تاریخ، نبش قبر مردگان است»، یا «معلمان تاریخ شاهان را می‌کشند یا بر تخت می‌نشانند»، از همین موضوع نشئت گرفته است.

**عبدالرسول خیراندیش** در مورد این نگاه به تاریخ می‌گوید: «کسانی

که با نگرش شتاب‌آلود و سطحی به تاریخ می‌نگرند، نمی‌توانند نقش بنیادین آن را در حفظ وحدت ملی، استحکام حاکمیت ملی و دفاع از منافع ملی درک کنند. درس تاریخ در ظاهری آرام، صبور و شکیبا، در خلال داستان، اخبار، عکس، نقشه و... به نحوی مستمر و مؤثر در افراد جامعه آمادگی و مصونیت لازم را برای مقابله با بحران‌هایی که ممکن است حیات و موجودیت یک ملت را تهدید کند، پدید می‌آورد». (رشد آموزش تاریخ: ش ۲۰)

برای رفع این مشکل باید تاریخ را همچون یک جریان پویا و به‌هم پیوسته تعریف و ارائه کرد و با نشان دادن اصول و قوانین ثابت در آن، علمی بودن و فایده‌مندی آن را روشن ساخت و به دانش‌آموز نشان داد که با تعمق و درک درست و بی‌غرضانه تاریخ، حتی می‌توان آینده جریانات سیاسی اجتماعی زمان حال را پیش‌بینی کرد و به قول **توین بی**، به «تاریخ فردا» نگاه کرد. به این ترتیب، می‌توان تأثیر مطالعه تاریخ گذشته را، در درک درست پدیده‌ها و جریانات زمان حال روشن نمود و با ذکر نمونه‌هایی از اعمال و رفتارهایی که در دوران متفاوت تاریخی به نتایج یکسانی منتهی شده‌اند (مانند غرور و تکبر، ظلم و ستمگری، جهالت، سستی و تن‌پروری که انحطاط و نابودی را در پی داشته‌اند)، به علمی بودن تاریخ که کشف قوانین ثابت در آن است، مانند علوم تجربی، رسید.

۲. دانش‌آموزان در درک مباحث تاریخی و نیز ترکیب و تسلسل منطقی بین یک رویداد تاریخی و عوامل موجب آن دچار مشکل فهم و درک درست هستند و مقاطع مختلف و مرتبط تاریخی را به‌صورت حلقه‌هایی به هم وابسته فهم نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، در مبحث مشروطیت، در کتاب درسی، که ابتدا

عوامل موجب انقلاب و پس از آن روند شکل‌گیری آن شرح داده شده است، زمانی که از بحث عوامل ایجاد انقلاب فاصله می‌گیریم و به چگونگی شکل گرفتن انقلاب می‌رسیم، دانش‌آموز عوامل ایجاد آن را فراموش کرده است و رویدادها را مقطع به مقطع یا منقطع ادراک می‌کند. این موضوع امکان جامع‌نگری و درک عمیق را از دانش‌آموز سلب می‌کند.

یکی از راه‌های حل این مشکل، ارائه سؤالات استنباطی و طرح سؤالاتی است که در آن، دانش‌آموز روند یک رویداد تاریخی را از ابتدا تا انتها تشریح کند. این آزمون می‌تواند به‌صورت «کتاب باز»<sup>۱</sup> برگزار شود و ملاک ارزیابی، نه رونویسی از کتاب، بلکه ربط منطقی رویدادها به یکدیگر، استنباط نزدیک‌تر به حقیقت، و حداقل تغییر انشای کتاب توسط دانش‌آموز باشد.

۳. مطالعه هر موضوع درسی، علاوه بر پیروی از قوانین عمومی مطالعه، دارای روش‌های خاصی نیز هست. اکثر فراگیرندگان، نه از روش عمومی مطالعه و نه از روش مطالعه تاریخ به‌طور اخص، آگاهی ندارند و چه بسا با وجود داشتن استعداد و علاقه، بهره کمی از مطالعه حاصل می‌کنند که این خود موجبات دلسردی آنان، فراهم می‌کند.

بنابراین، آموزش روش‌های عمومی و ویژه مطالعه هر درس، خواندن اجمالی مطلب و پس از آن، پرداختن به جزئیات مهم، مطالعه انتقادی، یادداشت‌برداری، و ابتدا خواندن متن و پس از آن مراجعه به نمونه سؤالات، میزان بهره‌وری مطالعه را در آنان افزایش می‌دهد و به تبع آن، به درس علاقه‌مند می‌شوند.

همچنین می‌توان آنان را با روش‌های متفاوت یادگیری مانند «روش هم‌گرا»<sup>۲</sup> برای مفاهیم انتزاعی، «روش واگرا»<sup>۳</sup> و برای یادگیری تجربی، «همسان‌کننده»<sup>۴</sup> و



## عدم توجه به نقش اقلیم و جغرافیا در ایجاد حوادث، به عدم فهم آن دامن می‌زند و این عامل مهم و تأثیرگذار را نادیده می‌انگارد

معلم نظارت و هدایت دانش‌آموزان را برعهده دارد و نه به صورت منفعل، بلکه فعال عمل می‌کند.

تغییر میزان و لحن صدا هنگام تدریس نیز از نکاتی است که نباید از نظر دور داشت، چرا که: «صدای انسان وسیله‌ای است برای استفاده‌های اثربخش، توسط آن می‌توان اشتیاق، اعتماد، اضطراب، اضطراب، آرامش و دیگر مقاصد روحی را القا کرد. هنگام سخن گفتن، افزایش یا کاهش شدت صدا، مکث کردن، تغییر اوج صدا و دیگر جنبه‌های الگوی گفتاری می‌توانند شخص را در نفوذ کردن یاری دهند» (قاسمی، ۷۷).

۳. نتیجه‌گرایی معلم که تنها محفوظات دانش‌آموزان را مدنظر قرار می‌دهد یکی دیگر از مشکلات در آموزش تاریخ است. این مشکل که تا حدود زیادی از نظام آموزشی و ارزشیابی ناشی می‌شود باعث شده است از حیطه‌های شناختی که شامل دانش، فهم، کاربرد، تجزیه

می‌شود، همچنین است یکنواختی صدای او (بسیار بلند یا بسیار کوتاه) و شرکت نداشتن دانش‌آموزان در یادگیری.

پاره‌ای از دبیران تاریخ وسعت نگاه و جهان‌بینی وسیعی دارند که از مطالعه تاریخ نشئت گرفته است، و لذا دغدغه و رسالتی در خود احساس می‌کنند و درصددند با شوق و حرارت، درک خود را از مسائل، به فراگیرندگان منتقل کنند. اما این شوق گاه موجب می‌شود معلم ظرفیت، حوصله و توان دانش‌آموزان را در نظر نگیرد و به نقش آنان در یادگیری بی‌توجه شود که نتیجه آن، کلاسی ملال‌آور و خسته‌کننده خواهد بود. همچنین، تدریس در مدرسه‌هایی که دانش‌آموزانی ضعیف دارند، ممکن است دبیر را تشویق کند که تمام مسئولیت‌های یاددهی و آموزش را خود به‌عهده گیرد و از نقش دانش‌آموزان در یادگیری غافل شود. این روند، هم به خستگی مفرط دبیر می‌انجامد و هم دانش‌آموز را به علت عدم حضور در بحث، از کلاس و موضوع دور می‌کند و موجبات نقض غرض را فراهم می‌سازد.

برای پرهیز از چنین مشکلی، توجه به توانایی فراگیرندگان و دخالت‌دادن دائمی آنان در امر یادگیری را هرگز نباید از نظر دور داشت. طرح سؤال به‌عنوان مدخل ورود به هر درس، برای واداشتن دانش‌آموزان به فکر و آماده کردن آنان و ایجاد زمینه ذهنی برای موضوع تدریس، نمونه‌هایی از کارهایی است که فراگیرنده را به مشارکت وامی‌دارد. همچنین، کار گروهی برای انجام اموری مانند یافتن نمونه سؤال و جواب‌های مربوط به آن، مطالعه درس به‌وسیله گروه و تدریس آن به‌وسیله سرگروه به دیگر اعضا، کنفرانس و... می‌تواند کلاسی متنوع و پربار ایجاد کند و نقش اصلی را در یادگیری به دانش‌آموزان محول سازد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که در تمام این مراحل،

«همسان‌شونده»<sup>۵</sup> آشنا کرد و با توضیح عواملی که تمرکز را کاهش می‌دهند، چگونگی غلبه بر این عوامل را به آنان آموخت.

## مشکل معلم

۱. توجه نداشتن معلم به جغرافیای تاریخی و نیز اهمیت ژئوپولیتیک رویدادهای تاریخی یکی از موانع موفقیت معلم در تدریس تاریخ است.

تدریس تاریخ بدون تعیین حد و مرز مکانی که رویداد تاریخی در آن به وقوع پیوسته است موجب عدم تمرکز ذهن دانش‌آموز بر موضوع تدریس می‌شود و علاوه بر خلط وقایع مشابه در مکان و زمان‌های دیگر، روند فراگیری را دچار مشکل می‌کند. همچنین، عدم توجه به نقش اقلیم و جغرافیا در ایجاد حوادث، به عدم فهم آن دامن می‌زند و این عامل مهم و تأثیرگذار را نادیده می‌انگارد.

مشخص کردن محدوده جغرافیایی یک رویداد تاریخی به انحاء متفاوت، از جمله استفاده از نقشه و فیلم، دانش‌آموز را قادر می‌سازد با درک درست، اطلاعات را در ذهن خود طبقه‌بندی و از هم تفکیک کند، که این از خلط مطالب جلوگیری به‌عمل می‌آورد. به‌عنوان نمونه، اگر دانش‌آموزان ندانند که هند قدیم، پاکستان امروزی و بنگلادش را نیز شامل می‌شده است، دلیل توجه کشورهای اروپایی به ایران به‌خاطر هند در دوره قاجار را به‌درستی درک نخواهند کرد یا علت اختلافات مرزی ایران و عثمانی، بدون تعیین حد و مرز ایران و عثمانی در دوره صفوی، قابل درک نخواهد بود. همچنین، مشخص کردن نقش اقلیم و تأثیر موقعیت راهبردی سرزمین‌ها در فهم همه‌جانبه عوامل بروز رویدادهای تاریخی به فراگیرنده مدد می‌رساند.

۲. متکلم‌وحده بودن معلم موجب خستگی فراگیرندگان درس تاریخ



## زیان و گزند تاریخ، وقتی آشکار می شود که آن را به علمی که هیچ تعلقى به زمان حاضر ندارد، تبدیل کنند

و تحلیل، ترکیب و قضاوت و داوری است، تنها اولین آن، یعنی دانش، مورد توجه قرار گیرد. برای رفع این مشکل، علاوه بر تصحیح نظام ارزشیابی، می توان با سوق دادن دانش آموزان به **مطالعات تکمیلی یا هر آنچه آنان را به فعالیت در یادگیری وامی دارد**، حداقل، فراگیرندگان را به دومین و سومین مرحله از حیطه های شناختی، یعنی فهم و کاربرد، ارتقا داد.

۴. تاریخ زدگی معلم نیز از آفاتی است که می تواند موجبات دور شدن دانش آموز از دنیای امروز و واقعی را فراهم می آورد و او را از دریافت اطلاعات جدیدی که می تواند نظریات و پندارهای گذشته را تغییر دهد، محروم سازد.

**عبدالحسین زرین کوب** در همین ارتباط می گوید: «تاریخ تا آنجا که خدمت به زندگی می کند، سودمندی اش را نمی توان انکار کرد. زیان و گزند آن وقتی آشکار می شود که آن را به علمی که هیچ تعلقى به زمان حاضر ندارد، تبدیل کنند.

در آن صورت، از انسان موجودی خواهد ساخت که جز مجموعه ای از اطلاعات نیست؛ موجودی بی طرف، بی خاصیت و بی اثر. استغراق در تاریخ ممکن است حتی به جایی برسد که فرد فقط به آموختن تاریخ مشغول شود و از ساختن تاریخ عاجز بماند. چنین کسی در وجود خویش احساس ثبات و دوام ندارد، به خودش هم پایبند نیست و همه عالم را یک سلسله نقطه های متحرک می یابد که وجود وی در آن، نامحسوس و مستهک می گردد و وی حتی جرئت نمی کند انگشت خود را در این غوغای تحرک و استمرار به تحرک وادارد... آن که دائم به گذشته و حوادث رفته نظر دارد، همیشه در شروع به عمل تأخیر می کند... بدین گونه ممکن است تاریخ مرد عمل را از آنچه مصلحت زمان است محجوب دارد، و قدرت اراده ی او را فلج سازد» [زرین کوب: ۱۳ و ۱۴].

کسب اطلاعات و اخبار روز به طور مداوم و فعالیت در امور اجتماعی و دسترسی به اسناد تازه، تا حدود زیادی مشکل تاریخ زدگی و ماندن در گذشته را کاهش می دهد.

### مشکل کتاب درسی

۱. اختلاط بین تاریخ آرمانی و تاریخ واقعی

در برخورد با این موارد، معلم تاریخ می تواند بدون داوری و قضاوت در مورد مسئله مورد نظر، که ممکن است حساسیت های فراوانی ایجاد کند به منابع دیگری به جز کتاب نیز استناد کند اما قضاوت و داوری در مورد آن را به عهده خود مخاطبان بگذارد.

پاره ای از کتاب های درسی بدون توجه به نگاه های دیگر، همه چیز را مسلم و قطعی نشان می دهند، و قدرت تحلیل و بررسی را از فراگیرندگان می گیرند؛ چرا که برای همه مسائل، جواب های از قبل

آماده دارند. در این موارد اغلب با ساده جلوه دادن حوادث، عوامل گوناگون مؤثر در ایجاد آن ها به عامل یا عوامل مورد نظر نویسنده تنزل داده می شود و لذا قدرت تحلیل و قضاوت خواننده به کار نمی افتد.

اگرچه نقش دبیران تاریخ در نگارش کتب درسی تاریخ بسیار کم است، آنان می توانند با ذکر عوامل متعدد دخیل در بروز و ظهور حوادث و رویدادهای تاریخی، روشن کردن ابعاد متفاوت رفتار شخصیت ها و ذکر اعمال متفاوت (مثبت و منفی) آنان به صورت توأمان، و پرهیز دادن فراگیرندگان از یک جانبه نگری، تا حدود زیادی این مشکل را رفع کنند. در قسمت هایی که به عمد یا به علت کاستن از حجم کتاب، به مشکل به اصطلاح «ایجاز مخل» برمی خوریم، دانش آموزان موضوع تدریس را به مثابه جدولی می بینند که قسمت هایی از رویداد تاریخی برای تکمیل تصویر ذهنی آن وجود ندارد و لذا قادر به درک درست آن نیستند. در اینجا نیز وظایف معلمان در کامل کردن این جدول ناقص، بیش از پیش اهمیت می یابد؛ چرا که به قول معروف «نیمی از حقیقت ضد حقیقت است.»

### پی نوشت ها

1. openbook
2. convergent
3. divergent
4. assimilator
5. accomodator

### منابع

۱. زرین کوب، عبدالحسین؛ تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰
۲. بین، الین و وایلر، لسی؛ مهارت های ضروری مطالعه موفق. مترجم: فاطمه محمدی، ناشر مؤلف، ۱۳۸۱
۳. قاسمی پویا، اقبال؛ راهنمای معلمان پژوهنده، نشر اشاره
۴. خیراندیش، عبدالرسول؛ «تاریخ چگونه یک ملت را می سازد». رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۰
۵. مصاحبه کتبی و شفاهی با دبیران و صاحب نظران.
۶. پرسش نامه و نظر سنجی از دانش آموزان.

واحد اسناد شورای عالی آموزش و پرورش آمادگی دارد به پژوهشگران عرصه‌های فرهنگی ایران معاصر و همچنین دانشجویانی که مایل‌اند تاریخ و نظام آموزش و پرورش ایران را به‌عنوان موضوع پایان‌نامه انتخاب کنند، یاری رساند.

شورای عالی آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عمومی و متوسطه کشور، قدمتی بیش از ۱۱۰ سال دارد. در سال ۱۲۷۵ هـ ش در دوره سلطنت مظفرالدین شاه و صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله «انجمن معارف» به ریاست احتشام‌السلطنه و عضویت رجال برجسته فرهنگی و سیاسی کشور با هدف گسترش مدارس جدید تأسیس گردید. از آن تاریخ تاکنون این شورا تحت عناوین «انجمن معارف» از ۱۲۷۵ ش، «شورای عالی معارف» از ۱۲۷۹ ش، «شورای فرهنگ» از ۱۳۱۷ ش، و «شورای عالی آموزش و پرورش» از ۱۳۴۶ ش تا امروز بی‌وقفه (به استثنای سال‌های ۱۳۵۴ لغایت ۱۳۵۸) تشکیل جلسه داده که صورت جلسات بیش از دو هزار جلسه آن موجود است. تعداد جلسات دو شورای عالی معارف و فرهنگ از اولین جلسه به تاریخ ۷ میزان (مهر) ۱۳۰۱ تا آخرین جلسه به تاریخ ۱۳۴۶/۸، ۱۱۴۴ مورد بوده است. بعد از آن با تغییر نام شورای عالی فرهنگ به شورای عالی آموزش و پرورش، شماره جلسات نیز از یک شروع شده که بعد از انقلاب هم ادامه یافت و تاکنون (بهمن ۹۱) قریب ۹۰۰ جلسه تشکیل شده است. از این تعداد، ۱۵۷ جلسه قبل از انقلاب (تا ۱۹ بهمن

رحیم روحبخش

## شورایی به قدمت ۱۱۰ سال

معرفی واحد اسناد شورای عالی آموزش و پرورش



۵۴)، تشکیل شده و جلسات بعد از انقلاب (اولین جلسه از ۱۳۵۸/۷/۸) تداوم یافته است. بنابراین، تعداد کل جلسات بیش از ۲۰۰۰ جلسه است. که گزارش مجموعه آن‌ها به صورت دست نوشته و تاپیو در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش نگهداری می‌شود و در صورت ضرورت در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد.

یادآوری می‌شود عرصه‌های فعالیت و تصمیمات متخذه شورا در دو سه دهه نخست (شورای عالی معارف و فرهنگ) بسیار فراتر از وزارت آموزش و پرورش فعلی بود. به طوری که وظایف وزارت آموزش عالی، سازمان اوقاف، و به طور کلی تمام نهادها و سازمان‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و علمی امروزی را نیز برعهده داشته است؛ در نتیجه، اسناد و مدارک کل سیاست‌گذاری‌های عرصه فرهنگ با موضوعات و محورهای زیر در مجموعه مصوبات مذکور به چشم می‌خورد:

اهداف نظام آموزش و پرورش، مؤسسات عالی آموزشی، اعطای نشان‌ها و مدال‌های فرهنگی، علمی و هنری، اعطای امتیاز روزنامه و مجله، اعطای امتیاز چاپ کتاب و ترجمه آن، مجوز تأسیس مدارس، ارزشیابی مدارک تحصیلات خارجی، تربیت معلم، مقررات استخدامی معلمان، ادامه تحصیل معلمان، مهد کودک‌ها و کودکان‌ها، شرایط ثبت نام در مدارس، دوره شش ساله ابتدایی، مدارس عشایری و نیمه سیار، دوره راهنمایی، تعیین و تغییر رشته، آیین‌نامه‌های اجرایی دبیرستان‌ها، جهش تحصیلی، تعلیمات دینی و ارزشیابی آن، تعطیلات مدارس خاص اقلیت ارمنه و نمره تعلیمات دینی آن‌ها، ورزش در مدارس، آمادگی دفاعی دانش‌آموزان، کانون‌های فرهنگی و تربیتی دانش‌آموزان، تخلفات امتحانی، امتحانات هماهنگ، حق‌الزحمه امتحانات، ادامه تحصیل رزمندگان، تحصیلات پناهندگان، ادامه تحصیل دانش‌آموزان روستایی و عشایری، تیزهوشان و کودکان استثنایی، کودکان عقب‌مانده ذهنی و معلول جسمی، مدارس غیردولتی، آموزشگاه‌های علمی آزاد، مدارس اتباع بیگانه در ایران، نحوه ادامه تحصیل دانش‌آموزان ایرانی در مدارس غیر ایرانی خارج از کشور، انجمن همکاری خانه و مدرسه (انجمن اولیا و مربیان)، شوراهای منطقه‌ای، مدارس و هنرستان‌های صنعتی و فنی و حرفه‌ای، کارودانش، طرح کاد، تعلیمات اکابر، آموزش بزرگسالان و آموزشگاه‌های دولتی و غیردولتی شبانه، امتحانات متفرقه، مدارس وابسته به وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مختلف، مدرسه تجارت، دبیرستان فنی پست، هنرستان صنعتی و راه آهن، شرکت نفت، نیروهای مسلح، هنرستان موسیقی، هنرستان‌های وابسته به وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و آستان قدس رضوی، دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی، طلاب و مدرسین علوم دینی و اهل سنت و جماعت، مدارس فلاحی و دبیرستان‌های کشاورزی، دبیرستان‌های دامپروزی، آموزشگاه‌های دامپزشکی، دبیرستان نظام، دبیرستان سپاه پاسداران، آموزشگاه‌های بهیاری، مدارس مددیاری پزشکی و ...

گفتنی است که به جز صورت مذاکرات و صورت جلسات شورای عالی آموزش و پرورش، قریب ۷۰۰ پژوهش و مجموعه‌های اسنادی، نظیر آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی، از آن جمله بیش از ۷۰ پروژه پژوهشی مربوط به سند ملی - که ۳۰ پژوهش آن مربوط به آموزش و پرورش ۳۰ استان کشور می‌باشد - نیز در این مرکز موجود است. بخش دیگری از این مجموعه‌ها مربوط به کمیسیون‌های شورای عالی یعنی کمیسیون معین (۵۰ مجموعه)، کمیسیون اساس‌نامه‌ها و مقررات (۳۳ مجموعه)، کمیسیون خاص (۴۱ مجموعه)، کمیسیون‌های برنامه‌های درسی، منابع انسانی و نظارت (۱۰ مجموعه)، همچنین صورت مذاکرات جلسات تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش (۳۵ مجموعه)، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و مصوبات پراکنده (۱۱۴ مجموعه) و بالأخره طرح‌های تحقیقاتی (۲۶۰ مجموعه) می‌باشد.

البته برخی اسناد و مدارک پراکنده سه دهه بعد از انقلاب نظیر ده‌ها طرح و پیشنهاد مربوط به تغییر نظام آموزشی به خصوص مکاتبات و مصوبات جهت اسلامی شدن آموزش و پرورش، مکاتبات و اسناد برخی مدارس تازه تأسیس با رویکرد مذهبی، ده‌ها برنامه درسی کتب درسی آموزشی و ... نیز در این مرکز نگهداری می‌شود که می‌تواند مورد بهره‌برداری پژوهشگران قرار گیرد.

# درس تاریخ و تقویت هویت ملی

زبیده انصاری، منطقه ۱۰ شهر تهران

## کلیدواژه‌ها: هویت ملی، آموزش تاریخ

**مفهوم هویت:** کلمه «هویت» در لغت به معنی هستی، وجود، ماهیت و ثروت است و از ریشه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت و نهایت کمال دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود.

هویت (identity) در معنای جامعه‌شناختی این مفهوم، از نظر گافمن چنین است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. بدین سان به نظر گافمن فرد بین «من» در شرایط موجود و «من» در شرایط واقعی قرار دارد. ۲. باتوجه به این تعریف می‌توان هویت را از دو جنبه بررسی کرد: ۱. هویت فردی ۲. هویت جمعی



۱. هویت فردی: مجموعه تمایلات، عادات و طرز تلقی فرد از یک موضوع را «هویت فردی» گویند.<sup>۲</sup>

هویت فردی ویژگی‌ها و خصوصیات یگانه و منحصر به فرد شخص را آشکار می‌کند و محصول روابط او با دیگری است که اصطلاحاً روابط بین شخصی نامیده می‌شود.

۲. هویت جمعی: حاصل روابط گروه‌هاست که روابط بین گروهی نیز خوانده می‌شود. به اقتضای نوع و ویژگی‌های گروهی که فرد به آن تعلق دارد، وی مورد شناسایی قرار گرفته و هویت او تعریف می‌شود.<sup>۳</sup>

### معلم تاریخ هویت ملی

همان‌طور که یک مورخ رابط بین تاریخ و ملت‌هایی است که تاریخ او را می‌خوانند معلم نیز رابط بین متون تاریخی و دانش‌آموزان است. وی با فشرده کردن و کاهش حجم مطالب، به‌صورتی که در وقت محدود بتواند گزیده رویدادهای تاریخی را به دانش‌آموزان ارائه دهد، این وظیفه مهم را به‌عهده دارد. واضح است معلمی می‌تواند در شکل‌گیری و ایجاد هویت فردی و جمعی (تاریخی) دانش‌آموزان مؤثر باشد که خودش به این مسئله اعتقاد داشته باشد و با بیانش، که برخاسته از اصالت هویتی اوست، آن‌ها را به این مهم توجه دهد.

تأثیرگذاری معلم، به‌عنوان عنصر کانونی فرایند آموزشی، بر جریان تربیت و آماده کردن دانش‌آموزان برای عقلانی‌اندیشیدن و بهره‌گیری آن‌ها از آموخته‌هایشان در زندگی امروز و فردا، یک اصل غیرقابل انکار در نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌رود.<sup>۴</sup> انقلابی که در چند دهه اخیر در عرصه ارتباطات، چه از نظر نرم‌افزاری و چه از نظر سخت‌افزاری، اتفاق افتاده بر هویت ملی کشورها بسیار تأثیرگذار بوده است. گسترش ارتباطات و پدیده جهانی شدن که احتمال از هم پاشیدن

معلمان در حقیقت انتقال دهندگان اطلاعات اجتماعی و تاریخی، از همه جنبه‌ها، در جامعه پرشتاب ما هستند و می‌توانند دانش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ را به نسل‌های آینده انتقال دهند. برای اجرای موفقیت‌آمیز این وظیفه باید در زمینه موضوع مرتبط با درس از دانش و تجربه لازم برخوردار و به نقش خود به‌عنوان «روشنفکر» آگاه باشند.<sup>۵</sup>

از دیدگاه دکتر شریعتی: «روشنفکر کسی است که امروز، در زمان تحول جامعه و بن‌بستی که به آن رسیده و ناهنجاری‌هایی که جامعه‌های عقب مانده، با آن دست به گریبانند، می‌تواند به توده مردم مسئولیت، آگاهی، حرکت فکری و جهت اجتماعی بخشد».<sup>۶</sup>

معلم تاریخ باید همواره به مطالعه فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی مردمان گوناگون بپردازد تا در مقابل «پرسش‌های خودانگیخته دانش‌آموزان غافلگیر نشود. معلم ممکن است ناگزیر شود بر هزاران سال تاریخ سرزمین‌ها و فرهنگ‌های مختلف تسلط یابد، از این رو تفاوت زیادی در میزان دانش آن‌ها با آنچه که باید بدانند به چشم می‌خورد. یادگیری، نحوه غلبه بر این مشکل و البته مستلزم توسعه راهبردهای «از عهده بر آمدن» است».<sup>۷</sup>

یکی از عواملی که کار معلمان را در تأثیرگذاری درس تاریخ بر هویت ملی مشکل می‌کند، ضعف حیرت‌انگیز آن‌ها در مباحث نظری است. از این رو، لحاظ کردن درسی به‌نام «فلسفه تاریخ» در مجموعه دروس تاریخ دبیرستان ضروری به نظر می‌رسد تا معلم بتواند با آموزش‌های لازم و با کمک این مدخل ورودی به آموزش تاریخ، همبستگی لازم را بین آموزش کلیت درس تاریخ حفظ کند.<sup>۸</sup>

### نتیجه

پرداختن به مقوله هویت ملی یکی از



چرا بخشی از جوانان ما چنین عمل می‌کنند و در بسیاری زمینه‌های فرهنگی ساز مخالف می‌زنند؟ نمی‌توان در مقابل پدیده جهانی شدن سدسازی کرد، تهدید کرد و با اعمال زور و فشار جوانان را متوجه مسئله کرد، بلکه باید به ساخت و ساز فرهنگی پرداخت و محصولات فرهنگی ارائه داد



مرزهای فرهنگی و جذب و ادغام فرهنگ‌های ضعیف در درون فرهنگ‌های مسلط را در پی دارد این مطلب را آشکار می‌سازد که یکی از راه‌های تقویت هویت ملی کار فرهنگی و آموزشی است.<sup>۹</sup> امروزه با تولید سریع علم و دانش در همه زمینه‌ها، معلمان به شدت تحت تأثیر تقاضا برای افزایش دانش موضوعی هستند و از آنان انتظار می‌رود، در حوزه‌های مختلف، دانش و بینش کارشناسانه داشته باشند.

مباحث مهم در شرایط کنونی جامعه ماست. از آنجا که هویت ملی یک امر نسبی است و نسبت به زمان و مکان تغییر می‌کند، ممکن است در هر زمان عناصر جدیدی بر آن تأثیر بگذارند. هر هویتی با چالش‌ها و بحران‌هایی روبه‌روست. هویت ملی در ایران نیز از این قاعده خارج نیست. هویت ملی زمانی دچار بحران می‌شود که یکی از عناصر آن در خطر باشد، باید این عوامل را شناسایی کرد.

به نظر می‌رسد در کشور ما، در چند دهه اخیر، در این مورد با موفقیت عمل نشده است و اثراتی جهت عملکرد نظام آموزشی، که در این مدت مسئول آموزش عمومی بوده است زیر سؤال است. بی‌هویتی جوانان، پدیده فرار مغزها و تقاضا برای مهاجرت به سایر کشورها مؤید این نظر است. اگر از جوانان درباره هویت سؤال شود آنان تعریف واضحی از هویت خویش ندارند. مشخص است باید در این رابطه کتاب‌های درسی، نظام آموزشی و تأثیر معلمان مورد بازبینی و بررسی قرار گیرد.

وجه دیگر مسئله، بحران هویت، جهانی شدن و هجوم موج عظیم پیام‌های فرهنگی به افکار و اندیشه جوانان ماست. تعامل نادرست با این مسئله ممکن است بحران هویت را تشدید و ما را دچار انزوای فرهنگی و سیاسی کند.

شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست، در نتیجه باید نسبت به ادبیات کتاب‌های درسی تاریخ و معلمان تاریخ به‌عنوان تقویت هویت ملی توجه کافی شود.

### پیشنهادها

– بحث هویت به‌عنوان یک دوره آموزش عمومی به همکاران در دروس و رشته‌های مختلف و به‌صورت یک دوره ضمن خدمت عمومی ارائه گردد تا این

بحث ابتدا برای خود همکاران روشن شود. بارها دیده شده است که همکاران در رشته‌های درسی، غیر از تاریخ، به تحقیر و تخریب تجربیات علمی و فرهنگی گذشته و حال می‌پردازند. این امر، بخصوص در مورد دوره معاصر روی فکر و دیدگاه و در نتیجه هویت دانش‌آموزان تأثیر منفی



**یک وجه مسئله بحران هویت، جهانی شدن و هجوم موج عظیم پیام‌های فرهنگی به افکار و اندیشه جوانان ماست. تعامل نادرست با این مسئله ممکن است بحران هویت را تشدید و ما را دچار انزوای فرهنگی و سیاسی کند**



می‌گذارد و آن‌ها را نسبت به تاریخ معاصر کشور خود ناامید و سرخورده می‌کند، طوری که ممکن است فکر کنند تلاش آن‌ها برای پیشرفت علمی و فرهنگی در آینده بیهوده است. افکار بعضی از معلمان هنوز در گذشته سیر می‌کند و خود دچار بی‌هویتی مبهمی هستند.

– آموزش فلسفه تاریخ در دروس دانش‌آموزان و دوره‌های ضمن خدمت همکاران درس تاریخ ضروری است تا تاریخ تحلیلی جایگزین آموزش به روش رایج شود.

– برای گزینش معلمان تاریخ، علاوه بر توانایی علمی آن‌ها، باید به سایر ویژگی‌های مؤثر توجه شود مثل قدرت بیان، توانایی در برقراری ارتباط، علاقه‌مندی به شغل معلمی و...

– به‌دلیل اینکه هویت ایرانی از عناصر مختلف تشکیل شده (دینی، علمی، باستانی و...)، لذا باید بین این عناصر هماهنگی و تعادل را حفظ کنیم تا هویت ملی ما از بین نرود. اهمیت دادن به یک جنبه باعث تضعیف سایر جنبه‌ها می‌شود.

باید به آموزش تاریخ معاصر توجه خاصی شود. زیرا به نظر می‌رسد تأثیر آن بر هویت ملی ایرانی از همه دوره‌ها بیشتر است. به‌خصوص وقایع دوره انقلاب و جنگ که جوانان امروز شاهد و ناظر آن‌ها نبوده‌اند.

– در مقابل فرایند جهانی شدن باید آگاهانه عمل کنیم؛ زیرا ابزار فرهنگی و ارتباطی در دست فرهنگ‌های زورمند و مسلط است. اگر ما مدعی هستیم که می‌توانیم در مقابل فرهنگ جهانی، فرهنگی جایگزین داشته باشیم چرا بخشی از جوانان ما چنین عمل می‌کنند و در بسیاری زمینه‌های فرهنگی ساز مخالف می‌زنند؟ قطعاً یک جای کار ما اشتباه است. نمی‌توان در مقابل پدیده جهانی شدن سدسازی کرد،



تهدید کرد و با اعمال زور و فشار جوانان را متوجه مسئله کرد، بلکه باید به ساخت و ساز فرهنگی پرداخت و محصولات فرهنگی ارائه داد. جهانی شدن در حال وقوع است و وظیفه ما تعامل درست و علمی با این پدیده است. باید با تمام توان علمی و ابزار و وسایل کمک آموزشی و تنوع روش های تدریس تاریخ، جوانان را به فرهنگ و هویت اصیل و ماندگار ایرانی دعوت کرد.

باید با حفظ فرهنگ و هویت محلی و بومی خود، موجودیت خود را در مقابل فرهنگ جهانی (فرهنگ غربی) حفظ کنیم. گروه های آموزشی تاریخ در وزارت آموزش و پرورش می توانند با استخراج مفاهیم مهم تاریخ معاصر، آن ها را در اختیار صداوسیما یا فیلمسازان جوان قرار دهند تا با ساخت فیلم های موجود از دوره پهلوی در این زمینه کار فرهنگی مفیدی انجام شود.

امکانات و ادواتی در برنامه درسی دانش آموزان برای بازدیدهای علمی در نظر گرفته شود که مانعیتی برای درس های دیگر نداشته باشد. این راهی است برای ایجاد علاقه نسبت به مطالعه و توجه به تاریخ.

سفر معلمان به کشورهایی که با ما مشترکات تاریخی، فرهنگی، دینی و سیاسی دارند می تواند به رشد آموزش درس تاریخ کمک کند. همکاران تاریخ مثل سایر دوایر دولتی می توانند به مأموریت علمی بروند و با مشاهده و ملاقات نزدیک با معلمان تاریخ این کشورها به مبادله اطلاعات در زمینه فنون جدید تدریس بپردازند.

از آنجا که متوسط مطالعه در بین همکاران درس تاریخ پایین است کمک به آنان در گسترش مطالعه در حوزه های متنوع تاریخی، رمان، فلسفه و جامعه شناسی می تواند در ایجاد انگیزش در آنان برای توجه به تاریخ و مطالعه آن به عنوان یکی از عناصر هویت ملی ایرانی مؤثر باشد.



## باید به آموزش تاریخ معاصر توجه خاصی شود. زیرا به نظر می رسد تأثیر آن بر هویت ملی ایرانی از همه دوره ها بیشتر است. به خصوص وقایع دوره انقلاب و جنگ که جوانان امروز شاهد و ناظر آن ها نبوده اند



### پی نوشت ها

۱. معین. محمد. فرهنگ معین. ج ۶. تهران. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۷
۲. ساروخانی. باقر. دایرةالمعارف علوم اجتماعی. چاپ اول. پاییز ۱۳۷۰ ص ۳۴۲
۳. میرمحمدی. داود. گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. انتشارات تمدن ایرانی. چاپ اول. ۱۳۸۳. ص ۱۷۳
۴. همان. ص ۹
۵. کنراد راگ. ادوارد. ترجمه دکتر علیرضا کیامنش - کامران گنجی. سنجش و یادگیری در دبیرستان. انتشارات رشد. چاپ اول. ۱۳۸۳. ص ۱۴
۶. میرمحمدی. داود. همان. ص ۱۶-۱۵

۷. کنراد راگ. ادوارد/ براون. جرج. ترجمه دکتر علی رضا کیامنش - کامران گنجی. سنجش و یادگیری در دبیرستان. انتشارات رشد. چاپ اول. ۱۳۸۳. ص ۹۳

۸. شریعتی. علی. چه باید کرد؟. انتشارات قلم. چاپ ششم ۱۳۸۳. ص ۲۵۶

۹. کنراد راگ. ادوارد/ براون. جرج. ترجمه دکتر علیرضا کیامنش - کامران گنجی. سنجش و یادگیری در دبیرستان. انتشارات رشد. چاپ اول. ۱۳۸۳. ص ۱۰۵

۱۰. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. سال هشتم. شماره ۱. آبان ۱۳۸۳. ص ۶

### منابع

۱. آل احمد. جلال. غرب زدگی. چاپ اول. ۱۳۸۵. نشر خرم
۲. ابن خلدون. عبدالرحمن. مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ نهم ۱۳۷۹.
۳. بیرو. آلن. ترجمه دکتر باقر ساروخانی. فرهنگ و علوم اجتماعی. انتشارات کیهان. چاپ چهارم ۱۳۸۰.
۴. خنیفر. حسین. نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس. انتشارات بوستان. کتاب چاپ دوم. ۱۳۸۲.
۵. دلیو آندرسن. لورین. ترجمه دکتر محمد امینی. افزایش اثربخشی معلمان در فرایند تدریس. انتشارات مدرسه. چاپ چهارم ۱۳۸۴.
۶. ساروخانی. باقر. دایرةالمعارف علوم اجتماعی. انتشارات کیهان. چاپ اول. پاییز ۱۳۷۰
۷. شریعتی. علی. چه باید کرد؟. انتشارات قلم. چاپ ششم ۱۳۷۳.
۸. کنراد راگ/ ادوارد. ترجمه دکتر علیرضا کیامنش. کامران گنجی. سنجش و یادگیری در دبیرستان. انتشارات مدرسه. چاپ اول. ۱۳۸۳.
۹. خیراندیش. عبدالرسول. خاطره تاریخی و آسیب شناسی آن. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. سال هفتم. شماره ۷۹. اردیبهشت ۱۳۸۳.
۱۰. مجله پیام یونسکو. سال ۲۱. شماره ۲۳۹. اردیبهشت ۱۳۶۹ (آوریل ۱۹۹۰)
۱۱. معین. محمد. فرهنگ معین. انتشارات امیرکبیر
۱۲. مطهری. مرتضی. فلسفه تاریخ. جلد اول. انتشارات صدرا. چاپ چهاردهم. دی ماه ۱۳۸۵.
۱۳. میرمحمدی. داود. گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. انتشارات تمدن ایرانی. چاپ اول. ۱۳۸۳.
۱۴. نهری. جواهر لعل. ترجمه محمود تفضلی. نگاهی به تاریخ جهان. انتشارات امیرکبیر. چاپ هفتم. ۱۳۶۱.
۱۵. هولت. پی. ام/ لمبتون. آن. ک. س. ترجمه احمد آرام. تاریخ اسلام. پژوهش دانشگاه کمبریج. انتشارات امیرکبیر. چاپ سوم ۱۳۸۰

## چکیده

افزایش جمعیت تهران در زمان ناصرالدین شاه و علاقه شاه و اعیان و اشراف سبب ساخت تکیه دولت در سال ۱۲۸۴ ه.ق. شد. با توجه به توصیفات سیاحان اروپایی و مورخان ایرانی، تکیه دولت دارای معماری خاص دوره قاجار و ساختمانی مدور با چهار طبقه بود که طبق روش‌های مهندسی تکایای ایرانی ساخته شده و با انواع و اقسام وسایل، تزئین و آماده تعزیه‌داری بود.

زهره خان محمدزاده  
آموزگار شهر تهران

# بنای تکیه دولت



تکیه دولت در رشد و اعتلای تعزیه و شبیه‌خوانی در دوره قاجار نقش مهمی داشت. تعزیه‌های انجام شده در آن زیر نظر ارگ سلطنتی و دربار بود و تعزیه‌گردان آن، **معین‌البکا و ناظم‌البکا** خوانده می‌شد.

برنامه‌های تعزیه‌ها در اعلان‌هایی روی دیوار زده می‌شد و شیوه تعزیه‌خوانی با مراسم و تشریفات خاصی همراه بود. اوج تعزیه دوره قاجار تا مرگ ناصرالدین‌شاه بود و پس از مرگ وی، جانشینانش به دلیل شرایط جامعه و حوادث مشروطه، نتوانستند مانند ناصرالدین‌شاه در تکیه دولت تعزیه‌داری کنند. تعزیه از این زمان رو به افول و تنزل نهاد. امروزه از تکیه دولت چیزی به جز اسناد و مدارک و مقداری عکس و یک نقاشی اثر **کمال‌الملک**، باقی نمانده است.

### کلیدواژه‌ها: تکیه دولت، معین‌البکا، تعزیه، ناصرالدین‌شاه

بزرگ متعددی موجود بودند (گوبینو، ۱۳۶۹: ۱۱ و ۱۲). به تدریج، جمعیت تهران بیشتر می‌شود و استقبال مردم از اجرا تعزیه‌ها در تکیه‌ها بیشتر. در اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه، به دلیل استقبال مردم و اعیان و اشراف و علاقه شدید به تعزیه و نمایش، ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۳ یا ۱۲۸۴ ه.ق. به **دوستعلی خان معیرالممالک** دستور داد که در کنار کاخ «شمس‌العماره» تکیه وسیع و بزرگی را بنا کنند. با ساخته شدن تکیه دولت، تکایای دیگر مثل تکیه قدیمی دولت، یعنی تکیه حاج میرزا آقاسی، از رونق افتاد و به مخزن تدارکات قشون تبدیل شد.

«روز هجدهم ذی‌حجه‌الحرام که از اعیاد عظیمه اثنی‌عشری است، به موجب معمول، در حضور همایون اعلام سلام عام شد... سه ساعت به غروب مانده، مخزن تدارکات قشون را که به تازگی در تکیه دولت ترتیب یافته و به اهتمام امین لشکر فرو زیب یافته بازدید فرمودند...» (روزنامه ایران، نمره ۲۰۸، ۱۲۹۰ ه.ق).

### علل و تاریخ ساخت بنا

**جمشید ملک‌پور** در مورد علت ساخته شدن تکیه دولت می‌نویسد: «در مورد تکایا نیز باید گفت که تا حوالی سال ۱۲۸۵ هجری قمری، نزدیک به ۵۰ تکیه در تهران وجود داشت که معتبرترین آن‌ها، تکیه «حاج میرزا آقاسی» یا تکیه «عباس‌آباد» بود اما چون تعزیه با استقبال مردم مواجه می‌شود و دیگر جا به اندازه کافی در تکیه‌های مذکور پیدا نمی‌شود، لذا ناصرالدین‌شاه دستور بنای تکیه دولت را جنب عمارت شمس‌العماره می‌دهد (ملک‌پور، ۱۳۶۶: ۶۴).

در مورد تاریخ ساخت بنای تکیه دولت نمی‌توان زمان دقیقی را ارائه کرد. مادام **کارلا سرنا**، **جعفر شهری باف** و **ژان کالمار** معتقدند که ناصرالدین‌شاه پس از اولین سفر به فرنگ در سال ۱۲۹۰ ق، و دیدن تئاترهای نمایشی آن دیار، مصمم شد که به معیرالممالک دستور دهد که تکیه دولت را با اقتباس از معماری ساختمان کنسرت «آلبرت هال» بسازند (نک: سرنا، ۱۳۶۲، ۱۶۱ تا ۱۷۹؛ شهری باف، تاریخ اجتماعی...، ۱۳۶۸، ج ۵: ۵۴۱؛ کالبار، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

گروهی دیگر از محققان چون **بهرام بیضایی**، **جمشید ملک‌پور**، **عنایت‌اله شهیدی** و **اعتمادالسلطنه** معتقدند که ساختمان تکیه دولت براساس طرح میدان‌ها و برخی کاروان‌سراها و تکایا طراحی و ساخته شده بود. آن‌ها با ارائه اسناد و مدارک معتقدند که معماری تکیه دولت پس از اتمام ساختمان «کاخ شمس‌العماره»، در سال

### مقدمه

واژه «تکیه» به محلی اطلاق می‌شود که در آن شرح مصائب حضرت **امام حسین (ع)** به صورت تعزیه یا روضه بیان می‌شود. تکیه فضای محصور است که وسط آن سکویی گرد یا چهارگوش ساخته شده است و کار صحنه نمایش را می‌کند. در اطراف سکو غرفه‌ها و طاق‌نماهایی وجود دارند که آنها را یا آیین می‌بندند و یا رجال کشور برای تماشای تعزیه از آنها استفاده می‌کنند (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱: ۶۶۱).

از آنجا که مردم، اجرای مراسم محرم را نوعی تقرب به خدا و ثواب می‌دانستند، در دوره قاجار نمایش تعزیه به صورت یک نمایش آیینی - مذهبی درآمد و رو به تکامل گذاشت. مردم و بانیان این عزاداری‌ها سعی می‌کردند با ساختن تکیه و وقف آن، اجر دنیوی و اخروی برای خود به دست آورند.

در دوره قاجار تکایای زیادی ساخته شدند که از آن میان می‌توان به تکیه «حیات شاهی»، تکیه «دولت» یا تکیه «حاج میرزا آقاسی»، تکیه «باغ بسته بیک»، تکیه «نوروزخان»، تکیه «عباس‌آباد»، تکیه «پهلوان»، تکیه «رضاقلی خان»، تکیه «سرپولک» و... اشاره کرد (حسینی بلاغیف ۱۳۵۰: ۸۳). در زمان **ناصرالدین‌شاه** تکایای زیادی وجود داشتند. به گفته **گوبینو**، در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، در تهران تکیه‌های کوچک و

۱۲۸۴ ه.ق. آغاز شد و در سال ۱۲۹۰ ه.ق. به اتمام رسید. این امر قبل از سال ۱۲۹۰، یعنی اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ بود (نک: بیضایی، ۱۳۴۴: ۱۲۹؛ ملک پور، ۱۳۶۶: ۶۴؛ شهیدی، ۱۳۶۸: ۱۸۳). لذا این نظر محققان خارجی که معماری تکیه دولت را اقتباسی از معماری «آلبرت هال» می‌دانند، تأمل برانگیز است.

## معماری

با توجه به آن‌که بنای تکیه دولت در گسترش و شکوفایی تعزیه سهم ارزنده‌ای داشته، بررسی معماری آن، گذشته از ارزش‌های ساختمانی‌اش در جهت روشن ساختن بسیاری از ارزش‌های اجرایی شبیه‌خوانی نیز حائز اهمیت بسیار است. درباره محل تکیه دولت اخباری هست. **رضاقلی هدایت** در «روضه‌الصفاء» آورده است که در این ایام در تکیه دولت متعلق به منزل جناب جلالت مآب **اتابک اعظم امیرنظام** که آن را ۵۲ ذرع طول و ۳۲ ذرع عرض است و حجرات تحتانی و فوقانی بر ستون بلند عماد آن ضمیمه است، روزها مجلس تعزیه و اسباب سوگواری برگزار می‌شود و... (فروغ، ۱۳۴۳: ۲۶).

ناصرالدین شاه پس از قتل **امیرکبیر** و تصرف اموال وی، در قسمتی از عمارت مسکونی میرزاتقی خان که سمت جنوبی «کاخ گلستان» داشت و در جوار آن نیز گرمابه‌ای بود که گاهی به عنوان مجلس از آن استفاده می‌شد، تکیه دولت را بنا کرد (ملک پور، ۱۳۶۶: ۶۵).

## ساموئل بنجامین<sup>۴</sup>

نخستین سفیر آمریکا در زمان ناصرالدین شاه، که سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ ه.ق. را در ایران گذرانده، شرح مفصلی از مشاهدات خود را از تکیه دولت در کتاب «ایران و ایرانیان» آورده است. او درباره تکیه دولت نوشته است: «چون از کالسکه پیاده شدیم، بنای بزرگ مدوری را مانند «آمفی تئاتر ورونا»<sup>۵</sup> دیدیم که تماماً از آجر و به‌طور محکمی ساخته شده بود... در طاق‌نمای

چون از کالسکه پیاده شدیم، بنای بزرگ مدوری

را مانند «آمفی تئاتر ورونا» دیدیم که تماماً از آجر

و به‌طور محکمی ساخته شده بود... در طاق‌نمای

ظهیرالدوله داخل شدم. دیوارهای طاق‌نما از آجر

ساده بود، ولی شال‌هایی کشمیری روی قسمتی از

آن کشیده بودند. چون به پرده وسیع تکیه نگاه

کردم، تماشایی برای من دست داد که فی الحقیقه

## عجیب بود

**ظهیرالدوله** داخل شدم. دیوارهای طاق‌نما از آجر ساده بود، ولی شال‌هایی کشمیری روی قسمتی از آن کشیده بودند. چون به پرده وسیع تکیه نگاه کردم، تماشایی برای من دست داد که فی الحقیقه عجیب بود. داخل بنا تقریباً ۲۰۰ پا قطر و قریب ۸۰ پا ارتفاع داشت. روی تکیه چوب‌بستی به طرز طاق زده بودند و به واسطه آهن آنها را با یکدیگر وصل نموده و چادری روی این چوب‌بست کشیده بودند تا داخل تکیه از بارش باران و آفتاب محفوظ باشد... (بنجامین، ۱۳۶۲: ۲۵-۲۱).

**اعتمادالسلطنه** در مورد تکیه دولت می‌نویسد: «دیگر تکیه دولت است که به هیكلی مستحدث و شکلی بدیع پرداخته شده و از غره عرب - که حساب تاریخ هجری بر آن نهاده‌اند - هر ساله تا ده روز موسم این مقام کریم است که رجال دولت بی‌زوال بر حس حکم شاهنشاه اسلام‌پناه، ارواحنا له الفدا، طبقات طاقات آن را به الوان زجاجات و چراغ‌های بلورین و فنون نوادر ایشیا و امتعه ثمین برآراسته به شعار شریفه تشیع و مناسک موالات اهل البیت - علیهم السلام - با ازدحامی تمام، اقدام می‌نماید. این تکیه شکلاً مستدیر است و مشتمل بر سه طبقه و اگر سردابه‌ها هم به حساب آید، چهار طبقه است. تمام بنای آن از آجر سفید شده. در اوقات تعزیه‌داری روی نیم‌دایره سقف آن را که چوب است، با پرده و چادر می‌پوشانند و سطح داخل تکیه، یکجا کاشی معرق است. و زیاده از بیست هزار نفر در صحن و طبقات و مرات آن می‌گنجد.

تخمیناً یک صد و پنجاه هزار تومان بنای این مکان شریف و مقام منیف شده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۶ هـ.ق، ج ۱: ۱/۸۷).

اعتمادالسلطنه در جایی دیگر می نویسد: «از سال ۱۲۸۵ اراده علیه بندگان اعلاحضرت... بر این علاقه یافت که تکیه عالی که در خور مجلس عزاداری دولت باشد، در جنب امارت و باغ خاصه سلطنتی بنا شود که از آثار عظیمه بلکه از ابنیه عظیمه نظیر این عصر همایون شمرده می شود. جمعی از مهندسين قابل و معماران ماهر به امر... این بنا را تمام کردند. ظاهر بنا از درون تکیه تماماً به کاشی معرق و غیر معرق ممتاز گردیده. دور سطح زمین ارتفاع یافته قریب به همان هم از قعر زمین شالوده ریخته و پی برآورده اند. تمام این بنای علیا از سنگ و آجر و گچ و ساروج و کاشی اعلا و احجار منبت و منقور ساخته و پرداخته شده و...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۴ هـ.ق: شماره ۱۰۲).

کرزن نیز به توصیف این بنا پرداخته است: «در انتهای باغ گلستان ساختمان گردی هست که من تیرها و میله های سقف باز آن را وقتی که به تهران وارد می شدم، از دور متوجه شده بودم که از بام کوتاه خانه های اطراف برتر واقع شده بود. این تکیه یا تماشاخانه را برای مراسم سالانه تعزیه می ساختند...» (کرزن، ۱۳۸۲: ۴۳۳).

با توجه به توصیفات بنجامین و سایرین می توان گفت که تکیه دولت به شکل مدور ساخته شده بود. این امر برخلاف تکایای دیگر بود که چهارگوش بودند و متأثر از معماری خانه های بزرگان، و کاروان سراها و میدان هایی بود که معمولاً تکیه ها را در آنجا می بستند. تکیه دولت سه طبقه داشت و به همراه سردابه (زیرزمین) چهار طبقه می شد. در زمان مظفرالدین شاه یک طبقه آن بر اثر سنگینی گنبد هلالی شکل آن تخریب شد. در آن زمان چون سقف گنبدی شکل سنگینی می کند لذا به طبقه سوم آسیب می رساند. آن گاه سقف را تعویض و طبقه سوم را هم تخریب می کنند و بدین ترتیب تکیه دولت در زمان مظفرالدین شاه صاحب دو ردیف طاق نما شد» (شهری باف، تهران دیروز، ۱۳۵۷: ۱۱۳).

سقف مدور آن هشت هلال داشته که از جنس چوب بودند و با اتصالات آهنی به هم وصل شده بودند. نمای داخلی آن تماماً از آجر بود که با کاشی های معرق و غیر معرق تزئین شده بود. ترکیب ساختمان بدین گونه بود: سکویی در وسط، دو ردیف پلکان دو یا سه تایی در طرفین سکو، گذرگاهی محیط بر سکو به عنوان جای اسب تازی و جنگ و جدال، غرفه ای هم سطح زمین به عنوان رختکن بازیگران، محوطه ای محیط بر گذرگاه برای تماشاگران زن و کودک و نهایتاً غرفه ها و طاق نماهایی گرداگرد تکیه، در یک تا سه طبقه برای تماشاگران مرد.

برای روشنایی صحن تکیه، علاوه بر شمعدان هایی که گاه تعداد آنها به پنج هزار عدد می رسید، چهار چراغ برق به شمعدان بزرگی که از وسط قوس طاق آویزان بود، اضافه شد (پیترسون، ۱۳۸۴: ۶۰۴).

### نقش تکیه دولت در رواج تعزیه خوانی

معیرالممالک که از سوی ناصرالدین شاه مأمور اجرای ساختن تکیه دولت بود می نویسد: «روزها از دو ساعت



بعد از ظهر تا نزدیک غروب و شب‌ها از دو تا پنج شش ساعت از شب گذشته، تعزیه اجرا می‌شد و در شب چندین هزار چراغ و شمع افروخته می‌شد و به مراتب بر جلال و شکوه مجلس افزوده می‌شد» (معیرالممالک، ۱۳۶۲: ۴۵).

تکیه دولت به عنوان محل خاص انجام تعزیه‌ها زیر نظر ارگ سلطنتی بود و تعزیه‌های اجرا شده در آن به شبیه‌نامه‌های معین‌البکایی معروف بودند. این مکان، هم مورد توجه مردم و هم مورد توجه خارجیان مقیم ایران بود.

برای مثال می‌توان به نامه «مشیرالدوله» به ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که در آن از شاه تقاضای شرکت افراد سفارت روسیه را در مراسم تعزیه‌ای که در تکیه دولت برگزار می‌شد، می‌کند و ناصرالدین‌شاه هم با شرط اجرای مراسم در شب و استفاده از پرده زنبوری برای جلوی طاق‌نمای این عده، آن را قبول می‌کند (عنصری، ۱۳۸۲: ۱۹۱؛ شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

تعزیه‌خوانی دربار (ارگ سلطنتی) از اول ماه محرم یا یک روز مانده به آن شروع می‌شد و تا دهم و گاهی دوازدهم و چهاردهم ادامه داشت. معمولاً هم در دو نوبت شب و روز برگزار می‌شد. ناصرالدین‌شاه از روز دوم یا سوم محرم به تکیه می‌آمد و در جایگاه مخصوص خود که پرده زنبوری آبی یا مشکی در جلوی او آویخته بود، می‌نشست.

در مورد علت نشستن ناصرالدین‌شاه پشت پرده زنبوری آبی یا مشکی، گروهی معتقدند که این کار برای آن بوده که حاضران مجلس او را در حال گریستن و تغییر حال نبینند تا هیبت و شکوهش همچنان در دل‌های مردم باقی بماند (سپهر، ۱۳۳۷ ش، ج: قاجاریه: ۶۰۷؛ مستوفی، ۱۳۴۰، ج ۱: ۲۹۳).

در بیشتر سال‌ها، تعزیه‌خوانی تکیه دولت، از یازدهم تا آخر محرم و گاهی تا آخر ماه صفر همچنان ادامه می‌یافت (اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ۱۳۴۵: ۹۷۵).

علاوه بر اسم و رسم تکیه دولت، تزئینات و چادر بزرگ آن، باعث جذب تماشاگران فراوان می‌شد. چادر بزرگ تکیه دولت که نقش شیرهای ایستاده شمشیر به دست و شیرهای خفته خورشید به پشت که نور خورشید از ستیغ هلال آنها نشت می‌کشید و نقش طاووس‌ها، گل‌ها و برگ‌ها، و... را داشت، هر ساله مشتاقان بسیاری را به تماشای خود می‌کشید (اسکویی، ۱۳۸۰: ۸۲).

## منابع

۱. اسکویی، مصطفی. تاریخ تئاتر ایران، نشر آناهیتا اسکویی، تهران، ۱۳۷۸.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسین‌خان [صنیع‌الدوله]، المآثر و الآثار، تهران، دارالطباعة خاصه دولتی.

۳. ----- طهران قدیم (ج ۲)، معین، تهران، ۱۳۷۱.
۴. امیر طهماسبی، عبدالله. تاریخ رضاشاه. دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
۵. بنجامین، ساموئل و ویلر، جیمیز. ایران و ایرانیان. ترجمه محمدحسین کردبچه.
۶. بیضایی، بهرام. نمایش در ایران. تهران، کاویان، ۱۳۴۴.
۷. حاج سیاح، محمدعلی. خاطرات حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
۸. حسینی بلاغی، سید عبدالحجت. تاریخ تهران. قم بی‌نا، ۱۳۵۰.
۹. سپهر، محمدتقی [لسان‌الملک]. ناسخ‌التواریخ (ج قاجاریه). به اهتمام جهانگیر قائم‌مقامی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۰. سرنا، کارلا. آدم‌ها و آیین‌ها. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران، زوار، ۱۳۶۲.
۱۱. شهری باف، جعفر. تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (ج ۵). تهران، اسماعیلیان و مؤسسه فرهنگی، ۱۳۳۸.
۱۲. ----- تهران دیروز. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۱۳. ----- روزنامه خاطرات. تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵.
۱۴. شهیدی، عنایت‌اله. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۵. عنصری، جابر. شبیه‌خوانی گنجینه نمایش‌های آیینی و مذهبی. تهران، جشنواره سراسری تئاتر فجر، ۱۳۷۲.
۱۶. کرزن، جرج. ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۷. گوینو، ژوزف کنت. «تئاتر در ایران». ترجمه جلال ستاری. فصل‌نامه تئاتر. شماره یازدهم و دوازدهم.
۱۸. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من (ج ۱). تهران، زوار، ۱۳۴۰.
۱۹. معیرالممالک، دوستعلی‌خان. یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه. تهران، علی‌اکبر علمی، ۱۳۵۱.
۲۰. ملک‌پور، جمشید. سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی و تعزیه. تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۱. هدایت، رضاقلی‌خان. روضه‌الصفاء (ج ۱۵). تهران، چاپ سنگی، ۱۲۷۰ هـ. ق.
۲۲. هدایت، مهدی قلی‌خان [مخبرالسلطنه]. خاطرات و خطرات. زوار، ۱۳۴۴.
۲۳. فروغ، مهدی. «تکیه دولت». مجله هنر و مردم. سال سوم. ش ۲۹. تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۳.
۲۴. کالمار، ژان. «اقامه تعزیه، اطلاعاتی مقدماتی برای پژوهش جامع: تعزیه: آیین و نمایش در ایران؛ گردآورنده پیتیر چلکورسکی. ترجمه داوود حاتمی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۲۵. پیتیر سون، ساموئل. «تعزیه و هنرهای آن»؛ تعزیه: آیین و نمایش در ایران. گردآورنده پیتیر چلکورسکی. ترجمه داوود حاتمی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
۲۶. اعتمادالسلطنه. روزنامه شرف. ۷ ذی‌الحجه. شماره ۵۳.
۲۷. روزنامه ایران. جمعه شانزدهم محرم‌الحرام. شماره ۶۱۱. ۱۳۰۴ هـ. ق.
۲۸. روزنامه ایران. شنبه چهاردهم محرم‌الحرام. نمره ۲۰۸. ۱۲۹۰ هـ. ق.
۲۹. دایرةالمعارف جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل (ج ۷). تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۲.
۳۰. دایرةالمعارف شیعه. زیر نظر صدر حاج سیدجوادی و دیگران (ج ۴). تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۷۳.
۳۱. مصاحب، غلامحسین. دایرةالمعارف فارسی (ج ۱). تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵.



# شدنی است، اگر بخواهیم!

گفت‌وگوی کوتاه با راضیه محب، دبیر خلاق در حوزه آموزش تاریخ

مسعود جوادیان

## اشاره

خانم محب، از روش ایفای نقش در تدریس تاریخ استفاده زیادی کرده و توفیق چشمگیری داشته است؛ آن هم با حداقل امکانات. خانم محب گزارشی از روش کار خود برای چاپ در مجله فرستاده بود که به دلیل حجم زیاد (حدود ۱۸ صفحه) قادر به استفاده از آن نبودیم. بهتر دیدم گفت‌وگویی با این دبیر خلاق و زحمتکش داشته باشیم و از طریق آن همکارانمان را در جریان فعالیتش قرار دهیم.

● خانم محب، لطفاً توضیحی درباره روش کارتان ارائه کنید.

○ کار از اینجا شروع می‌شود که کلیاتی از موضوعی را که قرار بود به نمایش دربیاید در کلاس می‌گفتم؛ درباره جزئیات صحبت نمی‌کردم. بعد، با توجه به منابع موجود در کتابخانه مدرسه، از دانش‌آموزان می‌خواستم به آنجا رجوع کنند و اطلاعات لازم را گردآوری نمایند. پس به چند گروه تقسیم می‌شدند. برای هر گروه دو یا سه نفر از بهترین دانش‌آموزان انتخاب می‌شدند. سپس متن نمایشنامه نوشته می‌شد. به آن‌ها می‌گفتم هر جا که مطلب و مفهومی قابل ارائه از طریق ایفای نقش نباشد، یک نفر به‌عنوان راوی آن را نقل کند. مثلاً در

یک رویداد، دکتر مصدق را داریم، آیت‌... کاشانی را داریم، قوام را داریم. هر یک از بچه‌ها نقشی را عهده‌دار می‌شد و به او گفته می‌شد که در این مرحله، باید این را بگوید. یک نفر از دانش‌آموزان به‌عنوان کارگردان اجرایی انتخاب می‌شد. بین نویسنده و کارگردان و راوی هماهنگی صورت می‌گرفت. معمولاً قبل از اینکه این نقش‌ها اجرا شود بچه‌ها تمرین می‌کردند و مسائل و مشکلات احتمالی خود را با من در میان می‌گذاشتند. بعد یک نفر به‌عنوان مسئول تدارکات انتخاب می‌شد. روی لباس هر کس یک المان به‌عنوان نقش مربوط به او نصب می‌شد تا هر کس از در وارد شد بفهمد مثلاً فلانی انگلیسی است، یا ایرانی، یا فلان شخصیت. گاهی اوقات این کار از طریق بازوبند انجام می‌گرفت. مثلاً برای نقش پادشاه، بچه‌ها با مقوا، یک تاج درست می‌کردند و او آن را بر سر می‌گذاشت. یا فلان شخص قرار است زندانی شود، دو تا ستون به شکل‌های مختلف یا نوارهایی به دور لباسش می‌بستند. دانش‌آموزان سعی می‌کردند، مطالب مربوط به خود را از قبل حفظ کنند و به‌خاطر بسپارند، سپس مرحله اجرا می‌رسید یعنی بازسازی رویداد.

● شما در این مرحله چه کمکی به بچه‌ها می‌کردید؟

○ در این مرحله من بیشتر نظارت می‌کردم، مطالب بچه‌ها را تصحیح می‌نمودم و بین کارگردان و بقیه هماهنگی ایجاد می‌نمودم. هر جا دانش‌آموزی اشتباهی می‌کرد وارد می‌شدم و نقش او را خودم اجرا می‌نمودم. دوباره از صحنه خارج می‌شدم و کار ادامه می‌یافت.

● خانم محب! معمولاً چه قدر زمان صرف این کار می‌شود؟

○ به موضوع درس بستگی دارد. حدود ۴۰ تا ۴۵ دقیقه اجرای نمایش طول می‌کشد. البته مقدمات کار، زمان بیشتری می‌برد و همکاران من گاه از فرصت خودشان در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهند.

● این کار در اداره شما انعکاسی هم داشته است؟

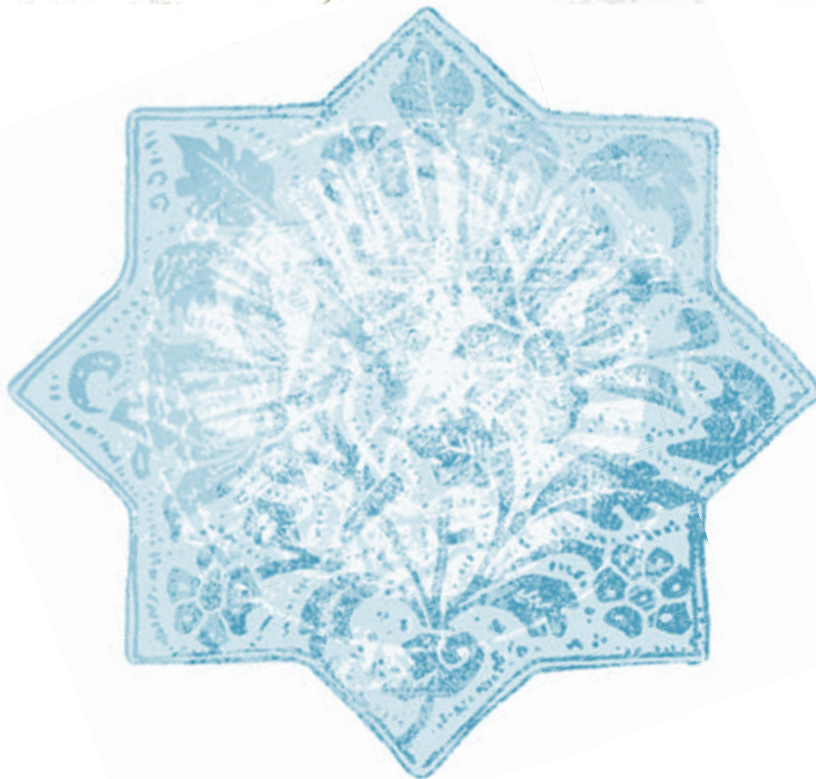
○ بله اطلاع‌رسانی شد و از طرف اداره بسیار مورد تشویق قرار گرفت ...

## مقدمه

برخی از «مستشرقین مسیحی» این اتهام را به دین مبین اسلام نسبت می‌دهند که اسلام با زور سر نیزه و جنگ و خشونت گسترش یافته است. برخی دیگر شخص رسول‌الله (ص) را هدف قرار داده و این تهمت ناروا را به ایشان وارد کرده‌اند که آن حضرت به منظور افزایش قدرت اقتصادی حکومت خود، دستور حمله به کاروان‌های مشرکان مکه را صادر می‌کرد. اما واقعیت این است که در هیچ یک از نبردهای صدر اسلام، مسلمانان آغازگر جنگ نبودند. حتی در جنگ احزاب، که مسلمانان حالت تدافعی داشتند، پیامبر (ص) از آن‌ها خواسته بود که شروع‌کننده جنگ نباشند. حتی لحظه‌ای که حضرت علی (ع) عمرو بن عبدود را در مقابل خود دید، او را دعوت به پذیرش اسلام نمود. در اسلام قاعده اصلی و پایه‌ای «صلح» است. حتی در قرآن و سنت، جنگ به جز در شرایط خاص و استثنایی تجویز نشده است. با توجه به مطالب فوق، این نوشتار درصدد است چند ویژگی غزوه خندق را در ارتباط با سیره نبوی بررسی کند.

محمد حسین معتمدراد  
کارشناس ارشد تاریخ اسلام

## دو رویکرد پیامبر اکرم (ص) در غزوه خندق





کلیدواژه‌ها: غزوه خندق، تاریخ اسلام

## از منظر اخلاقی- اجتماعی:

### ۱. از بین بردن تبعیض نژادی

روزی «سلمان فارسی» وارد مجلس رسول خدا(ص) شد. حاضران به خاطر کهولت سن و صحابی خاص بودن سلمان، او را تعظیم و تکریم کردند و در صدر مجلس نشاندند. عمر بن خطاب وارد مجلس شد. نگاهی به سلمان کرد و گفت: این مرد عجم که در میان عرب، در صدر مجلس نشسته است کیست؟

رسول خدا(ص) بالای منبر رفت. خطبه خواند، در حالی که شاهد ورود سلمان بود، فرمود: همه مردم، از روزگار آدم تا این زمان، مانند دانه‌های شانه برابرند. نه عرب را بر عجم برتری است و نه سرخ را بر سیاه، مگر بر تقوا و پرهیزگاری. سلمان دریایی بی پایان و گنجی بی انتهاست. سلمان از ما اهل بیت است. (عاملی، ۱۳۸۸، ۵۷۵)

بدین ترتیب پیامبر که از آینده‌ای خیر داشت که «سلمان محمدی» مورد تحقیر و توهین و تبعیض نژادی قرار خواهد گرفت، این سخن جاودانه را درباره او بیان فرمود و منطق جاهلی و تبعیض نژادی را با صراحت، قدرتمندانه و قاطعانه در هم کوبید.

در حفر خندق، بین عده‌ای از مهاجرین و انصار بر سر قدرت بدنی سلمان اختلاف افتاد. سلمان علی‌رغم سن بالایی که داشت، بسیار قوی بنیه، پرنشاط و چست و چالاک بود. نوشته‌اند به اندازه ده نفر قدرت داشت و یک تنه بخشی از حفر خندق را بر عهده گرفت... مهاجران و انصار در قدرت بدنی او حیرت کرده بودند. بگو مگویی بین آنها آغاز شد و اختلاف به وجود آمد. هر یک او را منتسب به خود دانستند. انصار می‌گفتند سلمان از ماست و مهاجران نیز می‌گفتند سلمان از ماست. به پیامبر(ص) خبر رساندند که دو گروه در کار سلمان به اختلاف نظر افتاده‌اند. پیامبر(ص) به

هر دو گروه نظری افکند، و در حالی که دست سلمان را می‌گرفت و به خود نزدیک می‌کرد، فرمود: سلمان منا اهل البیت، یعنی سلمان از خاندان و عترت ماست.

این جمله پیامبر(ص)، به اختلاف دو گروه پایان داد؛ و سلمان ضمن داشتن اوصافی که ذکر شد، دارای شأنی عظیم و مرتبه‌ای والا و کریم گشت که از خاندان ملکوت و کاشانه طهارت و لاهوت است، او بالاتر از آن است که در این دو گروه بگنجد. سلمان وصل به بیت عصمت است. به راستی جنگ خندق، طلیعه ظهور، تثبیت و تأیید شخصیت مردی بود که نه تنها در میان اصحاب پیامبر، بلکه در تمامی روزگار نظیر و همتایی نداشت. آن روز، روز عید پارسیان و روز تفاخر شکوه ایرانیان بود.

در چنین روزی که معمولاً تمام افکار فرماندهان نظامی در حول و حوش جنگ و مسائل جنگی می‌باشد، رسول خدا(ص) هم به مسائل نظامی عنایت داشت و هم در رسالت خود به اموری توجه کرد که جنبه اخلاقی- اجتماعی دارد و مسلمانان را به آن سمت سوق می‌دهد که نمونه و مصداق آن از بین بردن تبعیض نژادی و معرفی سلمان و ... است. در واقع به زعم ما پیامبر(ص) با ستایش از سلمان، سپاس و مهر خویش و دریافت خالصانه قلبی خود را، تقدیم ملتی می‌کرد که سلمان نمونه‌ای از آنان و چهره‌ای نمادین از آیین مروت و عرفان، محبت و احسان ایشان بود.

باز می‌گویند: روزی پیامبر(ص) دست بر شانه سلمان زد و فرمود: «از ملت این مرد، کسانی بر خواهند آمد و به مقام بزرگی خواهند رسید، و گوهر معرفت را از اوج آسمان‌ها و صدف کهکشان‌ها نیز آشکار خواهند کرد» (امیر فجر، ۱۳۷۹، ۱۶۱)

### ۲. رحمت و بخشایش بر دشمن

در غزوه خندق وقتی دشمنان احساس

سلمان علی‌رغم سن بالایی که داشت،

بسیار قوی بنیه، پرنشاط و چست و

چالاک بود. نوشته‌اند به اندازه ده

نفر قدرت داشت و یک تنه بخشی از

حفر خندق را بر عهده گرفت





آری پیامبر(ص) نمی‌خواست با سپاه احزاب بجنگد زیرا به آینده مردم امیدوار بود. چند سالی نمی‌گذشت که تمامی این ده هزار سپاهی مسلمان می‌شدند. البته به ایمان آنی سران این‌ها، که فقط و فقط برای دنیا وجه و مقام به ایمان می‌گراییدند، اعتمادی نداشت، هر چه بود او نمی‌خواست در این جنگ‌های خانمان برانداز، مردم از میان بروند. همواره دعایش چنین بود: «پروردگارا، بر قوم من رحمت فرما و هدایتشان فرما... بر اینا ببخشای؛ زیرا که نمی‌دانند.»

می‌بینیم که رسول خدا(ص) به نماز و دعا پناه می‌برد و در این شرایط بحرانی مسلمانان را متوجه خداوند سبحان می‌کند. بدین ترتیب اگر ایمان بر پایه‌های فکری راسخ و باورهای عقیدتی مبتنی و مستند باشد، از قدرت نامحدود و مطلق الهی استمداد خواهد گرفت که می‌تواند قدرت محدود را هر چه باشد و هر اندازه که خطرناک و شدید، باز هم در هم کوبد. در طی جنگ خندق، رسول خدا(ص) روزهای دوشنبه، سه‌شنبه، و چهارشنبه مشرکان را نفرین کرد. روز چهارشنبه دعایش اجابت شد. گفته‌اند: چون شب شنبه فرا رسید خداوند باد و طوفان را برانگیخت که همه‌چیز را ریشه‌کن کرد. (عاملی، ۱۳۸۸، ۶۸۲)

### از منظر سیاسی- نظامی

در همه نبردهای پیامبر(ص) عنصر سیاسی در کنار عنصر دینی قرار داشت. اهداف اصلی جنگ‌ها ترکیبی از اهداف دینی و سیاسی بود. لذا به هیچ صورت نشانی از کشورگشایی و مقاصد پست دنیوی، انتقام و تجاوز در آن یافت نمی‌شود. هدف اساسی بعثت رسول خدا(ص)، تعلیم و تربیت انسان‌ها برای رسیدن به کمال و قرب خدایی بود و عملیات نظامی ایشان، در حقیقت وسیله‌ای برای برداشتن پرده‌ها

### در طی جنگ خندق، رسول خدا(ص) روزهای

دوشنبه، سه‌شنبه، و چهارشنبه مشرکان را نفرین

کرد. روز چهارشنبه دعایش اجابت شد. گفته‌اند:

چون شب شنبه فرا رسید خداوند باد و طوفان را

برانگیخت که همه‌چیز را ریشه‌کن کرد

ضعف و زنبونی کردند و کمترین اعتقادی به یکدیگر نداشتند و حتی در اندیشه عقب‌نشینی بودند، پیامبر(ص) شادمان شد. در حق آن قوم شکست خورده نفرین کرد اما نفرین او نیز رحمت و بخشایش بود. از خدا می‌خواست که مقاومت آن‌ها را در هم بشکند و شکست دهد، و آن‌ها را به بازگشت وادار نماید زیرا حتی به قیمت پیروزی خود نمی‌خواست تیغ در میان اینان بگذارد. زیرا می‌دانست که، بسیاری از ایشان امروز و فردا مسلمان خواهند شد. می‌دانست که چندی نخواهد گذشت که تمامی رهبران سپاه شرک، ابوسفیان، عمروعاص، خالدبن ولید، عکرمة بن ابی جهل، معاویه بن ابوسفیان، هییره بن ابی وهب، ضرار بن خطاب، صفوان بن امیر، و ... مسلمان خواهند شد و به تبع ایشان مردمان معمولی نیز به اسلام می‌گرایند. او به اسلام همین مردمان امید بسته بود. مردم اصل بودند و اینان فرع، در حالی که به هنگام جنگ مردم قربانی می‌شدند و اینان حتی المقدور می‌گریختند و جانشان را نجات می‌دادند.

و موانعی بود که جلوی تابش نور هدایت آسمان به بشر را می‌گرفتند.

پیامبر(ص) در نبرد احزاب، به‌عنوان یک مدافع ظاهر شد. مشرکین به قصد تصرف شهر مدینه و نابودی مسلمین و کشتن پیامبر(ص) دست به هر اقدامی زدند. حتی یهود بنی قریظه را که با پیامبر(ص) قرار داد صلح بسته بودند تحریک به درگیری نمودند. پیامبر(ص) در قبال تحرکات دشمن، خود نیز تحرکات دفاعی را در پیش گرفت. این نوع از تحرکات به‌منظور حفظ قرآن و حکومت اسلامی و جلوگیری از خطر آفرینی‌های کسانی که این آیین مقدس را به یاری گرفته و موجودیت آن را تهدید می‌کردند، صورت پذیرفت. (انصاری، ۱۳۸۳، ۴۳-۴۲)

### مصادق‌هایی از رویکرد سیاسی- نظامی پیامبر(ص) در جنگ خندق

#### ۱. جلسه مشورتی

پیامبر(ص) با مردم در مورد جنگ زیاد مشورت می‌کرد. از این رو در خندق هم با آنان مشورت فرمود که آیا برای مبارزه با دشمن از مدینه بیرون بروند یا در شهر بمانند، و گداگرد آن را خندق سازند یا در نزدیکی مدینه باشند و کوه را پشت سر خود قرار دهند؟ در این جلسه مشورتی، مسلمانان اختلاف نظر پیدا کردند. سلمان گفت: «ای رسول خدا، روزگاری که در ایران بودیم، هر گاه از سواران دشمن بیم داشتیم، بر گرد خود خندق می‌کنیدیم. آیا صلاح می‌دانید که اکنون هم خندق درست کنیم؟» مسلمانان این پیشنهاد و رأی سلمان را پذیرفتند، و این مطلب را نیز به یاد آوردند که پیامبر(ص) در غزوه احد تمایل داشت که مسلمانان در مدینه بمانند و از شهر بیرون نروند. بدین جهت مسلمانان بیرون رفتن از مدینه را دوست نداشتند. بدین ترتیب مسلمانان پیشنهاد حفر خندق را پذیرفتند و موافقت خود را با اجرای آن اعلام و آزادانه

روش دفاعی مناسب را برگزیدند. این دقیقاً همان چیزی بود که رسول خدا(ص) می‌خواست. (عاملی، ۱۳۸۸، ۵۴۹ و ۵۴۶-۵۴۴)

در روایت واقعی از مشورت و رایزنی رسول خدا(ص) با اصحاب خود درباره روش‌های مقابله با دشمن در سپاه احزاب، دو خصوصیت برجسته در شیوه رایزنی نمایان است:

الف. رسول خدا(ص) پیشنهاد حفر خندق را مطرح کرد؛ سپس در انتظار اقدام اقناع‌گرانه سلمان نشست. این سیاست پیامبر(ص) در قبال یارانش بود که اجازه می‌داد، کارها به این شیوه پیش رود و اصحاب از اندیشه خود بهره گیرند و خود را برای مسئولیت‌پذیری آماده سازند.

ب. هدف رسول خدا(ص) از مشورت، تحریک حس مسئولیت‌پذیری اصحاب و تفهیم عملی و نه فقط قولی آنان بود که دریابند، حتی در سطوح طرح و برنامه و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز، عضو فعال و مؤثر به‌شمار می‌روند و همه مسائل به خود آنان مربوط می‌شود تا بدین وسیله آگاهی و شعور سیاسی و نظامی آنان را هر چه بیشتر بالا ببرد. در عین حال گزینه‌هایی را پیش روی آنان قرار می‌دهد تا از تنگنا و فشار بیرون آیند و روزه‌های جدیدی به‌سوی افق‌های گسترده تدبیر نظامی فراروی خویش باز بینند و بدان وسیله موجودیت خویش را حفظ و از شکست تلخ فاصله گیرند تا مبادا درگیر جنگی خانمان‌سوز و کشنده شوند که امیدی به کوچک‌ترین پیروزی در آن نباشد (عاملی، ۱۳۸۸، ۵۵۱)

#### ۲. تصمیم‌گیری سریع

از سیاست‌های نظامی پیامبر اکرم(ص) در جنگ‌ها، تصمیم‌گیری سریع ایشان در موقعیت‌های گوناگون است.

پس از جنگ خندق به محض اینکه مشرکان مدینه را ترک گفتند، رسول خدا

سریعاً تصمیم گرفت که با یورش ناگهانی بر بنی قریظه، فتنه‌گری آنان را پایان بخشد. لذا پس از ورود به منطقه، مدت بیست و پنج شبانه‌روز آن‌ها را به محاصره درآورد، تا به فرمان او گردن نهاند، و این تصمیمی صحیح و متناسب با مصالح آن روز اسلام و مسلمانان بود.

### ۳. جنگ تبلیغاتی

پیامبر(ص) نیرنگ در جنگ را روا می‌دانست. در جنگ خندق، نعیم بن مسعود که آن زمان با احزاب به جنگ پیامبر(ص) آمده بود، به جبهه مسلمین پیوست و اظهار اسلام کرد، و گفت آماده است که در جبهه اسلام خدمت‌مندی انجام دهد، به نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، من مسلمان شده‌ام اما قبیله من از آن اطلاعی ندارند، بنابراین هر دستوری که برای پیشبرد دعوت اسلام صلاح می‌دانید به من بفرمایید. رسول گرامی به وی گفت: ای نعیم، برای ما هر چه می‌توانی انجام ده و دشمن ما را متفرق و پراکنده کن و روحیه قوم مشرک را تضعیف کن که نیرنگ در جنگ رواست. نعیم ابتدا به سراغ قوم بنی قریظه رفت که در آستانه حمله به مسلمین بودند. آن‌ها تدارک حمله را از خاک مدینه طرح‌ریزی کرده بودند. سپس نزد قریش آمد و از پشیمانی قریظیان گفت و از اینکه آن‌ها مصمم شده‌اند تا چند نفر را گروگان بگیرند به محمد(ص) تحویل دهند. این حربه جنگی که به پیشنهاد پیامبر(ص) صورت گرفت، شیرازه سپاه ابوسفیان را از هم پاشید و زمینه ساز بازگشت سپاه گردید.

از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: از رسول خدا شنیدم که روز جنگ خندق می‌فرمود: جنگ خدعه است و می‌گفت: آنچه می‌خواهید بگویید. (عاملی، ۱۳۸۸، ۶۷۸)

### ۴. داستان جدایی غطفان از احزاب

## پیامبر(ص) با مردم در مورد جنگ زیاد مشورت می‌کرد. از این رو

### در خندق هم با آنان مشورت فرمود که آیا برای مبارزه با دشمن از

### مدینه بیرون بروند یا در شهر بمانند، وگرداگرد آن را خندق سازند یا در

### نزدیکی مدینه باشند و کوه را پشت سر خود قرار دهند؟

یکی از رویکردهای پیامبر(ص) در جنگ خندق پیشنهاد قرارداد با قبیلهٔ غطفان بود. رسول خدا(ص) برای برهم زدن اتحاد دشمن به غطفانیان پیشنهاد کرد تا با گرفتن یک سوم محصول خرماي مدینه باز گردند و در نبرد با قریش همکاری نکنند. رهبران انصار، تمایلی بدین کار نشان ندادند. آنان گفتند: اگر این کار به دستور خداوند است انجام بده؛ اگر خود مایل بدان هستی ما فرمانبرداریم. اما اگر از ما مشورت می‌خواهی ما در برابر دشمن جز شمشیر پاسخی نداریم.

رسول خدا(ص) هدف از این کار را پراکندن این قوم از لشکر قریش عنوان کرد و فرمود: با دیدن احزاب متحد، خواسته است این گروه را از دیگران جدا کنند. (جعفریان، ۱۳۷۳، ۵۱۷-۵۱۶)

## ۵. ارزش و اهمیت اعمال

یکی از رویکردهای پیامبر(ص) در جنگ‌ها، به‌ویژه جنگ خندق، ارزش نهادن به اعمال جنگی افراد بود. پیامبر(ص)، هم به‌عنوان پیشوای مسلمین و هم به‌عنوان فرمانده نظامی به میزان امور جنگی و حاشیه‌های آن توجه خاص داشت. آن حضرت بعضی از اعتراضات را روا می‌دانست و با عطف و مهربانی با معترضان برخورد می‌کرد و نسبت به برتر جلوه‌دادن بعضی از اعمال، نگاه تحلیل‌گرانه‌ای داشت که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

پیامبر(ص)، حماسهٔ ایزدی علی(ع) را در برابر عمروبن عبدود بسیار زیبا تفسیر و

تحلیل نمود، به‌طوری که دانشمندان سنی و شیعه هم در آثارشان متذکر شدند:

- در کتاب مستدرک الصحیحین،

ج ۳، ص ۳۲، به سند «سفیان ثوری» از «بهزین حکیم» که هر دو از معتمدان و ثقات اهل سنت‌اند، چنین آمده است: پیامبر فرموده: مبارزهٔ علی بن ابیطالب با عمروبن عبدود در جنگ خندق، برترین و ارجمندترین عملی است که تا روز قیامت از امت من سرزد.

- جابر بن عبدالله انصاری گوید: مبارزهٔ علی(ع) را با عمرو با هیچ جنگ دیگری جز مبارزهٔ داود پیامبر با جالوت نمی‌توان مقایسه کرد. همان جنگی که خداوند قصه‌اش را در قرآن این‌گونه توصیف کرده است: فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ: تمامی لشکر به اذن خدا منهزم شدند و گریختند، و داود، جالوت را کشت. (امیر فجر، ۱۳۷۹، ۱۵-۷)

- در روایت دیگری از عبدالله بن مسعود است که رسول خدا فرمود: علی، ترا بشارت باد که اگر کار امروز تو را با کار امت من وزن کنند، همانا که عمل تو بر آنان فزونی خواهد داشت.

- از حدیثی روایت شده است که گفت:

اگر فضیلت علی(ع) به واسطهٔ قتل عمروبن عبدود در جنگ خندق بین همهٔ مسلمانان تقسیم شود، قطعاً به همگان خواهد رسید.

- ابویکر بن عیاش گفته است: علی(ع) ضربتی زد که فرخنده‌تر از آن در اسلام نیست و آن ضربتی است که به عمرو در جنگ خندق زد. علی(ع) ضربتی خورد که در اسلام شوم‌تر از آن نیست؛ یعنی ضربت ابن‌ملجم؛ که خداوند او را لعنت کند. (عاملی، ۱۳۸۸، ۶۵۷-۶۵۵)

آری از رویکرد پیامبر(ص) در جنگ خندق به این آسانی‌ها نمی‌توان گذشت به‌ویژه آن لحظه‌ای که علی(ع) با عمرو، روبه‌روی هم قرار گرفتند و فرمودند: «تمامی کفر، با تمامی ایمان روبه‌رو شده است.»

آیا این سخن تعارف بود؟ مبالغه شاعرانه بود؟ یا سخن خدا که ذیل آیه «كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ» که فعل خویش را به عمل علی و فعل علی را به عمل و کفایت خود منتسب داشته است نیز شوخی و مبالغه شاعرانه است؟ پیامبر (ص) با چشم نبوت و نگاه «ینظر به نورالله» و بصیرت الهی خویش همه معنای آن روز علی را می‌بیند.

## ۶. بهره بردن از موانع طبیعی

پیامبر (ص) علاوه بر حفر خندق از موانع طبیعی هم بهره برد. بدین ترتیب که کوه «سلع» را در پشت سر نیروهای مسلمان قرار داد؛ آن‌گاه با حفر خندق در مقابل نیروهای مهاجم، هرگونه فرصت از مشرکان را، برای صدمه زدن به مقاومت رزمندگان مسلمان یا ایجاد تزلزل و تضعیف نیروهای پیامبر (ص) یا پیدا کردن نقاط نفوذ در صفوف آنان، گرفت.

جنگ خندق نشان داد که پیامبر (ص) در برابر سپاه ده‌هزار نفری دشمن از اندیشه صحیح خود، و با توجه به الطائف الهی زمینه‌های پیروزی و عقب‌نشینی احزاب را فراهم نمود. همچنین در ستیز با دشمنان اسلام و پافشاری بر عقاید حق خویش، ذره‌ای کوتاه نیامد و بر این عقیده بود که مسلمانان باید بدون کوچک‌ترین سستی، در مقابل کفار و مشرکین به هر میزان که باشد، بایستند و از آرمان‌های اصولی خود عقب‌نشینی نکنند.

پیامبر (ص) در این جنگ نشان داد که می‌توان از شیوه‌های متفاوت، بدون اینکه خونی ریخته شود، دشمن را از صحنه نبرد متفرق ساخت. حفر خندق، به کار بردن خدعه و نیرنگ، پی بردن به نیازهای معیشتی قبیله ای (مانند قبیله غطفان) و بستن قرارداد با آن‌ها (مشروط به ترک از جبهه جنگ) همه این موارد شیوه‌هایی بود که پیامبر (ص) در پراکندن سپاه احزاب به کار گرفت. جنگ خندق، زمینه‌هایی را فراهم نمود



جابرین عبدالله انصاری گوید:  
مبارزه علی (ع) را با عمرو با هیچ  
جنگ دیگری جز مبارزه داود  
پیامبر با جالوت نمی‌توان مقایسه  
کرد

تا یک‌سال بعد پیامبر (ص) لشکر اسلام را مهیا ساخت و به آن شوکت و قدرت داد و بر آن باور بود که دیگر قریش و مکیان به آن‌ها حمله‌ای نخواهند کرد.

### پی‌نوشت

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۱

### منابع

۱. امیر فجر، میثاق، اسطوره حسن، ۱۳۷۹، جلد شانزدهم، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. امیر فجر، میثاق، خندق؛ حماسه جاودانه خرد، ۱۳۷۹، جلد پانزدهم، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۳. انصاری، محمد علی، محمد پیغمبری شناخته شده، ۱۳۴۵، چاپ دوم، قم: حکمت.
۴. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، ۱۳۷۳، جلد اول، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۵. جوان‌مهر، حسین، سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، ۱۳۸۳، جلد اول، رشت: کتاب مبین.
۶. عاملی، جعفر مرتضی، سیرت جاودانه، ۱۳۸۸، ترجمه محمد سپهری، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. واقدی، محمدبن عمر، مغازی، تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)، ۱۳۶۲، ترجمه احمد مهدوی دامغانی، جلد دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

# جنگ تحمیلی در آینه خاطرات رزمندگان

نورالدین پسر ایرانی  
نویسنده: معصومه سپهری  
نام: سوره مهر، ۱۳۹۱

## اشاره

خاطرات رزمندگان و قهرمانان هشت سال دفاع مقدس میراث گران بهایی از غیرت، حمیت، دیانت و میهن دوستی است؛ میراثی که هم تاریخ است و هم الهام بخش خواننده آن. به همین دلیل بر آن شدیم که در این دوره، در هر شماره گزیده‌ای از این خاطرات را به خوانندگان عرضه کنیم. برای این شماره قسمت‌هایی از کتاب نورالدین پسر ایرانی نوشته معصومه سپهری را برگزیده‌ایم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

...بالآخره صدایی گفتم: «اینجا فرودگاه مشهد است.» در آن حال نیمه هوشیاری وقتی اسم مشهد را شنیدم به خودم گفتم خوب شد، خوب جای آمدم...  
روی برانکارد که بودم، از صحبت‌های کادر پزشکی فهمیدم که جزو مجروحین بدحال هستم اما بعد از تجربه زخم کردستان می‌دانستم به این زودی‌ها از پا نمی‌افتم! به همراه مجروحین دیگر به بیمارستان امام رضا منتقل شدیم. از راه نرسیده مرا به اتاق عمل بردند. بیهوشی و جراحی و ...  
وقتی چشم باز کردم در یک اتاق تنها بودم. ۲۴ ساعته پرستاری آنجا بود و دکتری مرتب به من سر می‌زد. به جز دکتر و پرستارهای اتاق که به نوبت عوض می‌شدند، کسی حق ورود به اتاق را نداشت. بعدها فهمیدم در آن بخش هفت، هشت اتاق ایزوله، شبیه اتاقی که من آنجا تحت نظر بودم، وجود داشت و مجروحان بدحال آنجا بستری بودند. پرستارها موظف بودند هر روز پانسمان همه زخم‌ها را عوض کنند. ساعت‌های سختی بر من می‌گذشت. از یک طرف غم شهادت برادرم صادق و از یک طرف درد و رنج زخم‌های تازه. به یاد ندارم هیچ



وقت مثل روزهایی که تنها در آن اتاق بستری بودم، اذیت شده باشم. گرچه طبق عادت کودکی ام اهل داد و فریاد نبودم و سعی می‌کردم دردهایم را تحمل کنم اما هر روز که می‌گذشت حالم بدتر از روز قبل می‌شد. شلنگی از دهان به معده‌ام گذاشته بودند که خیلی آزارم می‌داد. شکمم با ترکش‌های بزرگی به هم ریخته بود. رفته‌رفته فهمیدم اعصاب چشم راستم از بین رفته و بهبودی‌اش خیلی سخت است. در عرض چند روز حرارت بدنم آن‌قدر بالا رفت که دیگر با دارو مهار نمی‌شد. روی بدنم نایلونی پهن کرده و رویش یخ ریخته بودند. دست‌ها و پاها را بسته بودند. چه زجر می‌کشیدم!

وقتی از هواپیمای مسافربری - که دسته‌های سه تا از صندلی‌هایش را باز کرده و مرا روی آن‌ها خوابانده بودند - پیاده شدیم خسته و کم توان بودم. در مشهد از طریق بنیاد شهید به خانواده‌ام اطلاع داده بودم که به تبریز می‌آیم. چشمم به دنبال آشنا می‌گشت که به‌زودی پیدایش کردم. دایی‌ام مستقیم به سراغ من - که روی برانکارد در سالن فرودگاه بودم - آمد و پرسید: «شما با این هواپیما از مشهد اومدید؟»

- بله!  
- یک مجروح دیگه هم قرار بود با این پرواز بیاد. شما اونو ندیدید؟  
- کی بود؟  
- سیدنورالدین عافی!

بنده خدا مرا شناخته بود. لابد خستگی و بی‌حالی صدام را هم عوض کرده بود. گفتم: «دایی! من نورالدینم. منو شناختی؟ نگاهش عوض شد سرم را به سینه فشرد و گریه کرد. باور نمی‌کرد این نورالدین است که به این حال و روز افتاده. خیلی گریه کرد. دست آخر گفتم: «آقایی، برای من گریه نکن، خیلی گرسنه‌ام، یه چیزی بیار بخورم.» سریع برایم از بوفه فرودگاه بیسکویت

خرید. دقیقی بعد آمبولانس رسید و مرا به بیمارستان امام خمینی تبریز رساند.

\*\*\*

همه داشتند برای سیدنورالدین که چهارقران هم پول نداشت، بساط عروسی می‌چیدند. تا آن موقع کار من فقط درجه بود و همه ۲۲۰۰ تومان حقوقم را در راه‌ها و یا مرخصی‌های شهری صرف غذا و مخارج ضروری کرده بودم و هیچ پس‌اندازی نداشتم. پدر هم مشغول کشاورزی و کار خودش بود و توعی از ایشان نداشتم. با این همه حاج‌خانم به شدت مشغول کارش بود. چند نفر از بچه‌ها که قضیه را فهمیده بودند، به سراغم می‌آمدند و عکس می‌گرفتند و نشانی می‌دادند. کار به جایی رسید که دادم درآمد: «اگر قرار باشه هر کی یک عکس از من ببره، آخر سر یه گردان دختر پیدا می‌شه!» در حالی که واقعیت این‌طور نبود. یک‌بار مادر آمد که ما دختری را دیده‌ایم، خوب است و پسندیده‌ایم اما تو نمی‌پسندی. گفتم: «چطور!» گفت: «با شرط جبهه توجور در نمی‌آید.»

- پس هیچی، اولین شرط من این است که تا جنگ هست من هم در جبهه هستم!

آن روز روی این مسئله بیشتر فکر کردم؛ واقعاً من دیوانه می‌شدم اگر می‌فهمیدم در جبهه عملیات هست و من در شهرم! قصه ما و جنگ، قصه ماهی و دریا شده بود. حاضر نبودم حتی مشقات، گرسنگی، بی‌خوابی و اندوه جبهه را به یک روز بی‌خیالی در شهر بفروشم.

\*\*\*

حسن درونی‌ام می‌گفت این‌بار هم به سلامت بروم گشت، اما وضع سخت عملیات کمی مشکوک کرده بود. وقتی به طرح عملیات فکر می‌کردم، با خودم می‌گفتم سالم رسیدن به خط دشمن شق القمر است! اگر خدای نکرده از ۵۰۰

متری خط دشمن و داخل آب درگیر می‌شدیم، چه می‌توانستیم بکنیم؟ قبل از آن همیشه در خشکی درگیر شده بودیم و چاله‌ای، خاکریزی یا پستی و بلندی بود که می‌شد آنجا پناه گرفت، اما حالا وسط آب بودیم؛ با بلم‌هایی که به قوت بازو باید حرکت می‌کرد. اگر مجبور به تیراندازی می‌شدیم ... اگر یکی از پاروزن‌ها تیر می‌خورد ... اگر اسلحه‌امان آب می‌خورد و کار نمی‌کرد ... اگر ... آن وقت می‌شدیم یک هدف ثابت برای دشمن!

همه این‌ها بود و صدها دلیل شبیه این، همه می‌دانستیم عملیات عجیبی پیش رو داریم اما باز هم باورمان این بود که امکان هر چیزی به‌دست خداست و او هر چه را بخواهد می‌کند و ما مطیع اراده او بودیم.

نسیم عملیات می‌وزید. با حضور حاج‌صادق آهنگران عزاداری قشنگی به پا شد. به این خاطر قشنگ می‌گویم چون عزاداری‌ها با هم فرق دارند. یک وقت برای یک شهید عزاداری می‌کنی و یک وقت کنار کسانی به عزا می‌نشینی که شک نداری تا چند روز دیگر عده‌ای از آن‌ها شهید می‌شوند. اصلاً به‌صورت هم‌دیگر که نگاه می‌کردیم، گریه‌مان می‌گرفت. دلم می‌خواست همه آن ساعت را به چهره‌ها نگاه کنم. این احساس در همه مشترک بود. بر خلاف عملیات قبلی دیگر موقعیت یکسانی نسبت به دشمن نداشتم و این احتمال بود که همه نیروهای خط‌شکن به شهادت برسند. مثل همه بچه‌ها دعا می‌کردم که «خدایا، ما را شرمند نکن، خودت خوب می‌دانی که ما فقط برای تو حرکت می‌کنیم! پس کم‌کم کن، نه برای اینکه سالم بمانیم، بلکه به هر قیمتی شده در شکستن خط اول، موفق شویم تا عملیات ادامه یابد و موج دوم نیروها بتوانند پیش بروند.» آن شب از نوحه آهنگران فهمیدیم که اسم عملیات «بدر» است.

بخش دوم

# تحقیق دانش‌آموزی در کلاس تاریخ

## روزنامه‌ها و مجلات تاریخی قدیمی چرا روزنامه‌ها و مجلات تاریخی قدیمی با اهمیت‌اند؟

کیوی و کامپنهود عقیده دارند که مجلات به دو دلیل اهمیت دارند: نخست به این دلیل که آخرین و جدیدترین شناخت‌های مربوط به موضوع را در آن‌ها می‌یابید و از نظرات انتقادی درباره شناخت‌های تحصیل شده قبلی آگاهی پیدا می‌کنید. دوم اینکه مجلات تخصصی عموماً نقد و تفسیرهای کتاب‌شناسی درباره آثار منتشر شده جدید را منتشر می‌کنند. و به برکت آن‌ها شما می‌توانید خواندنی‌های مناسبی را برای تحقیقاتان انتخاب کنید. (کیوی، کامپنهود، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۱)

## تکرار ملال‌آور!

دانش‌آموزان محترم، اگر در کتابخانه شخصی خود یا در انباری و یا زیرزمین خانه‌تان تعدادی روزنامه یا مجله قدیمی دارید، هم برای اجرای تحقیق خودتان، هم برای اینکه هم‌کلاسی‌هایتان آن‌ها را ببینند و هم برای مطالعه بیشتر آن‌ها را به مدرسه بیاورید. ضمناً اگر کسی خواست این‌گونه مجلات را بیاورد، حتماً باید آن‌ها را در کیف شخصی خود و یا یک نایلون مشکی بگذارد و به جز سر کلاس تاریخ به هیچ وجه در محیط مدرسه آن‌ها را به کسی نشان ندهد و در سایر کلاس‌ها معرفی‌شان نکند؛ زیرا ممکن





است مطلب یا عکسی در این روزنامه‌ها و مجلات باشد که منجر به تنش میان شما و دیگران شود و از ارزش کارتان بکاهد.

## معرفی و نمایش کتاب‌های تاریخی با ارزش کتابخانه شخصی خودتان

دانش‌آموزان عزیز، ممکن است در کتابخانه شخصی یا خانوادگی شما کتابی تاریخی و قدیمی موجود باشد که در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشود. هر کدام از شما عزیزان چنانچه از این کتاب‌ها دارید، جهت معرفی آن‌ها به هم‌کلاسی‌هایتان و نیز برای اجرای تحقیق تاریخی خود آن‌ها را بیاورید و سر کلاس معرفی کنید و سپس به کتابخانه خودتان بازگردانید. اهمیت کار شما در این است که سایر هم‌کلاسی‌هایتان با این‌گونه منابع آشنا می‌شوند. البته من (دیبر مروطه) در مورد اهمیت کتاب توضیحات بیشتری می‌دهم که خودتان نیز به اهمیت افزونتر کتابی که دارید، پی می‌برید.

## ارائه کتاب‌های درسی قدیمی در مدارس و مکتب‌خانه‌ها

بچه‌های عزیز، ممکن است پدر بزرگ یا پدرتان در مکتب‌خانه و یا مدارس دوره پهلوی درس خوانده باشند و امروز از کتاب‌های آن دوره در انباری منزل داشته باشید. اگر کسی از شما از این نمونه کتاب‌ها دارد، حتماً برای تماشای سایر هم‌کلاسی‌ها آن‌ها را به مدرسه بیاورد؛ زیرا شکل ظاهری و نحوه ارائه مطالب و حجم کتاب، می‌تواند برای ما جالب توجه باشد. مثلاً وقتی شما کتاب تاریخ کلاس پنجم را که در سال ۱۳۳۱ ه.ش در مدارس درس می‌داده‌اند، با کتاب تاریخ سوم راهنمایی کنونی مقایسه کنید بسیار برایتان جذاب و جالب خواهد بود.

## نمایش مجموعه‌های شخصی قهر، سکه، سنگ‌های قدیمی و ... در کلاس

دانش‌آموزان محترم، در بعضی از خانواده‌ها به دلیل سلیقه خوبی که پدران و پدربزرگان و یا مادران و مادربزرگان داشته‌اند، مجموعه‌هایی متنوع جمع‌آوری شده است. خصوصاً بعضی افراد مجموعه‌های تمبر قدیمی، سکه و اسکناس قدیمی، عکس‌های ماشین‌ها، اسلحه‌ها، هواپیماها، طبیعت و ... را جمع‌آوری می‌کنند که تماشای آن‌ها بسیار هیجان‌انگیز است. پس اگر از این مجموعه‌ها در منزل دارید، نمونه‌هایی از آن‌ها را برای تماشای هم‌کلاسی‌هایتان به کلاس بیاورید. این کار هم باعث تشویق سایر بچه‌ها به جمع‌آوری چنین مجموعه‌هایی می‌شود، هم تنوعی در کلاس به وجود می‌آورد و هم شما را با سیر تاریخی و تطور اختراعات بشر بیشتر آشنا می‌سازد.

## در مورد اولین‌های شهر خودتان مطلبی تهیه کنید

دانش‌آموزان عزیز، این کار بسیار جالب است اما هم وقت زیاد می‌خواهد و هم صبر و حوصله زیاد. پس اگر خواستید در این زمینه کار کنید، باید به بزرگ‌ترهای فامیل و اطلاعات میدانی آن‌ها مراجعه کنید و به کتابخانه‌ها و مجلات قدیمی شهر خودتان هم سری بزنید. مثلاً شما در مورد شهر خودتان باید جواب سؤال‌هایی مثل اولین عکاس شهر، اولین دهنده، اولین مدرسه، اولین فرماندار، اولین خیاط، اولین مکانیک، اولین اداره قند و شکر، اولین بیمارستان و ... را پیدا کنید. اولین کسی که موفق شود این کار را، حتی طی سال‌ها، ادامه دهد و تکمیل کند، در واقع اولین کسی است

که اولین‌های شهر خود را ثبت نموده است

## از آثار باستانی و امامزاده‌های محله خودتان گزارشی همراه با عکس و تصویر تهیه کنید

دانش‌آموزان به دلیل برخورداری از ضمیر پاک، توان بالا و شور و هیجان می‌توانند به راحتی با معرفی امامزاده‌ها و آثار باستانی محله خودشان، یاریگر معلم تاریخ خود باشند. در واقع این افراد «سربازان کوچک میراث فرهنگی» هستند و باید در هدایت و جهت‌دهی صحیح آن‌ها کمال دقت صورت بپذیرد. دانش‌آموزان گرامی، آثار فرهنگی و باستانی گنجینه تمدنی و معنوی نیاکان ما هستند و بی‌توجهی به این آثار می‌تواند فرهنگ و هویت ما را در معرض خطرهای زیادی قرار دهد و باعث از یاد رفتن افتخارات تمدنی نسل‌های گذشته ما شود. بنابراین، چنانچه در محله شما قلعه، امامزاده، منزل فردی مشهور، برج یا اثر هنری‌ای وجود دارد، در مورد آن‌ها و ویژگی‌هایشان و کسانی که در آنجا زندگی می‌کرده‌اند، با مراجعه به افراد مطلع گزارشی به همراه عکس و تصویر تهیه کنید.

## ایجاد وب‌نوشت برای کلاس و درس تاریخ

دانش‌آموزان عزیز، چنانچه با فضای مجازی و کاربری اینترنت آشنایی دارید، می‌توانید پس از ایجاد وب‌نوشت برای خود، کلیه بحث‌های جالب توجه کلاس تاریخ را در آنجا بنویسید و سپس نشانی آن را اعلام کنید تا بچه‌های کلاستان از وب‌نوشت شما دیدن کنند. این کار باعث آشنایی سایر افراد در سایر نقاط ایران و جهان با کلاس تاریخ شما می‌شود. همچنین می‌توانید از

کلاس خودتان عکس بگیرید و در این وب‌نوشت بگذارید، یا حتی عکس‌های کتاب تاریخ خود را در آنجا قرار دهید.

## اثر مهرهای قدیمی به جا مانده از نیاکان

دانش‌آموزان عزیز، نیاکان ما نامه‌ها، پای نوشته‌ها، قرار دادها و اسناد را، به جای امضا کردن، مهر می‌کردند. مهرها را از جنس چوب، سنگ، مس، لاک و آهن می‌ساختند و اکنون نمونه‌هایی از آنها باقی است. اگر شما به چنین مهرهایی دسترسی دارید، اثر یک یا چند نمونه از آنها را روی کاغذ ثبت کنید و بنویسید متعلق به چه کسی و چه زمانی و مکانی بوده است و آن را به کلاس بیاورید.

## ساختن وسیله کمک آموزشی در درس تاریخ با راهنمایی دبیر مربوطه

اگر دوست دارید کار تحقیقی خودتان در درس تاریخ را با ساختن یک وسیله کمک آموزشی بسیار ساده انجام دهید، ما شما را راهنمایی می‌کنیم. مثلاً می‌توانید با استفاده از یونولیت‌های باقی مانده در کارتن وسایل خانگی نو، یک وسیله جالب برای کلاس تاریخ درست کنید. برای مثال، با یک تیغ موکت بری یا اره مویی، تصاویر شخصیت‌ها یا عکس‌های آثار باستانی کتاب تاریخ خودتان را با ظرافت و به صورت برجسته و رنگ‌آمیزی شده درست کنید و ضمن اینکه وسط یونولیت بنویسید: «فوائد تاریخ» و دور آن را دایره بکشید، فواید تاریخ مثل تجربه اندوزی، شناخت استعمارگران، عبرت‌آموزی، وطن‌دوستی، اتحاد، ارضای حس کنجکاوی، تربیت، شناخت آثار باستانی و... (به میزانی که جا هست) را در اطراف آن به صورت برجسته بنویسید و بچسبانید. همچنین می‌توانید با استفاده

از کتاب‌های تاریخ سال‌های گذشته و راهنمایی معلمان یک سینمای دستی درست کنید.

## ایجاد موزه کوچک تاریخ، در مدرسه

دانش‌آموز عزیز، هر یک از شما می‌تواند با آوردن یک یا دو شیء تاریخی به مدرسه، به‌عنوان امانت، به تأسیس یک موزه کوچک تاریخی کمک کند تا هم سایر دانش‌آموزان مدرسه از آن بازدید کنند و هم برای مدتی بچه‌های کلاس خودتان با دیدن اشیای تاریخی و عتیقه‌های شخصی لذت ببرند. اگر سایر کلاس‌ها نیز بخواهند در این کار شرکت کنند، ما از آنها استقبال می‌کنیم؛ چون با این شیوه می‌توانیم به گسترش فرهنگ تاریخ باستان‌شناسی کمک کنیم.

## شرحی از دعوای قدیمی، محلی یا فامیلی

دانش‌آموزان محترم، همه می‌دانیم که همیشه آنجا که از زبان و منطق کاری ساخته نبوده، بشر به نزاع و دعوا پرداخته است، بعضی از بزرگ‌ترهای شما از این دعوای و طایفه‌ای اطلاعاتی دارند یا اینکه خودشان در این دعوای شرکت کرده‌اند. در این مورد مطلبی تهیه کنید و دقت نمایید که حتماً مکان، زمان، علت دعوا و حتی اسامی طرفین و نتیجه آن را بنویسید. اگر شخص یا اشخاصی در این نزاع‌ها مجروح یا کشته شده‌اند اسامی آنها را هم بنویسید.

## در مورد «خانه‌های انصاف» مطلبی تهیه کنید

بچه‌ها، در دوره محمدرضا پهلوی، برای حل و فصل اختلافات در روستاها، از میان معتمدان و ریش سفیدان محلی افرادی را انتخاب می‌کردند تا در مکانی

که به «خانه انصاف» نام داشت میان مردم داوری کرده و مشکلات آنها را حل و فصل کنند. اگر از آشنایان شما کسی از این خانه‌ها و اعضای آنها و نیز عملکرد خوب یا بد این خانه‌ها اطلاعی دارد، از وی بخواهید برای شما بازگو کند و آن را یادداشت کنید.

## بیرون آوردن تعدادی مطلب یا عکس تاریخی از مجلات و روزنامه‌های روز

دانش‌آموزان محترم، شما می‌توانید نکته‌ها یا مطالب تاریخی و باستان‌شناسی نشریات روز را با قیچی جدا کنید. در گوشه هر مطلب با خودکار قرمز تاریخ و نام روزنامه و شماره آن را بنویسید. به‌ویژه اگر در روزنامه‌های محلی خودتان مطلبی درباره آثار تاریخی یا تاریخ شهر خودتان پیدا کردید، آن را با قیچی جدا کنید و مشخصات هر یک را در کنار آن بنویسید. تعداد مطالب جدا شده به پنجاه تا که رسید، آنها را به کلاس بیاورید.

## گزارشی از قنات‌های قدیمی و غیر جدید و نیز چاه‌های آبد و غیر آبد روستا و محله خودتان تهیه کنید

اگر در روستا یا محله شما قنات یا چاه آبی وجود دارد، ضمن نوشتن نام قنات در مورد آن از زبان افراد معروف یا بزرگ‌ترها مطلبی تهیه کنید؛ مثلاً اگر قناتی اکنون آباد است، در مورد سازندگان، میزان آبدی و سرچشمه آن بنویسید و اگر قناتی هم داشته‌اید که اکنون متروک شده است، در مورد متروک شدن آن توضیحاتی از زبان بزرگان بنویسید. همچنین از چاه‌های آب روستا- که احتمالاً در قدیم چاه مادر بوده‌اند گزارشی تهیه کنید.

## درمورد اصلاحات ارضی مطلبی تهیه کنید

دانش‌آموزان عزیز، در دورهٔ محمدرضا پهلوی اصلاحات ارضی در ایران صورت گرفت. شما با مطالعه در این باره و نیز سؤال کردن از بزرگ‌ترها در مورد این اصلاحات و تأثیرات آن بر زندگی مردم گزارشی تهیه کنید.

## درمورد آسیاب‌های قدیمی مطلبی تهیه کنید

اگر در محله، روستا یا شهر شما آسیاب قدیمی اعم از؛ بادی، آبی، برقی، گازی و بیللی و حتی دستی، وجود داشته است در مورد آن و مکان آن گزارشی بنویسید. بنویسید که در آن زمان، مثلاً هر من گندم را به چه قیمتی آرد می‌کرده‌اند،

اگر آسیاب خراب می‌شد، چه کسی آن را تعمیر می‌کرده است، مردم برای آسیاب کردن گندم چه مشکلاتی داشته‌اند، متولیان آسیاب‌های دستی که ادویه آسیاب می‌کرده‌اند، چقدر اجرت می‌گرفته‌اند؟ این آسیاب‌ها در کجا قرار داشته و چگونه کار می‌کرده‌اند و ... آیا تاکنون از آسیاب‌های دستی در گوشهٔ انبارها موجود است؟ عکسی از آن‌ها هم تهیه کنید.

می‌توانید در مورد نام این مکان‌ها، تاریخچه، ساختمان، مکان، تعداد اتاق‌ها

و قیمت پذیرش مهمان و سایر خدمات آن‌ها گزارشی تهیه کنید. چنانچه

امروز از این مکان‌ها اسمی به‌جا مانده است، آن را بنویسید و علت

نام‌گذاری را پیدا کنید

## درمورد حمام‌های عمومی محله خودتان گزارشی تهیه کنید

اگر در محله یا روستا یا شهر شما حمام عمومی (سنتی) بوده یا هست، در مورد معماری و ساختمان آن، نحوهٔ کار آن (با چه چیز گرم می‌شده است)، خدمه یا کیسه‌کش‌های معروف آن، صاحب آن، کاشی کاری داخل آن و ... مطلبی تهیه کنید. بنویسید چقدر اجرت می‌گرفته‌اند و یا اگر حمام «خزینه» داشته، چگونه بوده است. آن را از زبان بزرگان توصیف کنید.

## در مورد «الله‌رضانی» که در ماه مبارک رمضان می‌خوانده‌اند، گزارشی تهیه کنید

در اکثر شهرهای ایران در گذشته‌های نه چندان دور با شروع ماه مبارک رمضان بزرگان و افراد خیر و نیکوکار به در منازل مردم می‌رفتند و «الله‌رضانی» می‌خواندند. این کار سه پیام داشت: اولاً آن شخص ماه مبارک را معرفی می‌کرد، دوم اینکه صاحب خانه را مدح می‌نمود، و سوم، از صاحب خانه کمک طلب می‌کرد که هدف از آن جمع‌آوری نذورات برای کمک به خانواده‌های کم بضاعت بود. با گذشت زمان این سنت نیکو ابتدا به جوانان و سپس نوجوانان و در نهایت به خردسالان منتقل گشت



و کم‌کم فراموش شد. با مراجعه به بزرگ‌ترها، یک متن الله رضانی خوانی در شهر یا محله خودتان تهیه نمایید.

## درمورد گیاهان بومی و محلی در شهر یا منطقه خودتان و خاصیت پزشکی یا خوراکی آن‌ها، همچنین حیواناتی که شکار می‌شده‌اند، چه برای گوشتشان و چه برای خاصیت طبی آن‌ها، و نیز شکارچیان معروف منطقه گزارشی تهیه کنید.

دانش‌آموزان عزیز، شما در هر روستا یا شهری که زندگی کنید، آن منطقه، کم یا زیاد، پوشش گیاهی خاصی دارد و به اقتضای آن جانوران خاصی نیز در منطقه یافت می‌شوند. شما با سؤال و جست‌وجو از افراد محلی آن‌ها بخواهید درمورد نام گیاهان منطقه و خاصیت خوراکی یا طبی آن‌ها، جانداران منطقه، و حیواناتی که شکار می‌شوند، چه به هدف گوشتشان و چه به هدف خاصیت طبی گوشت، پوست، چربی و ....، برایتان توضیح دهند. سپس گزارش آن را بنویسید.

## درمورد کاروان‌سراها، چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌های قدیمی گزارشی تهیه کنید

ایران ما به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، جاده ادویه و دیگر مسیرهای تجاری و زیارتی، استعداد مسافرپذیری وسیعی از داخل و خارج از مرزها داشته است. از این مسافران در قدیم، به جای هتل‌ها و مهمان‌سراهای امروزی، در کاروان‌سراها و چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها پذیرایی می‌شده است. شما می‌توانید درمورد نام این مکان‌ها، تاریخچه، ساختمان، مکان، تعداد اتاق‌ها و قیمت پذیرش مهمان و سایر خدمات آن‌ها گزارشی تهیه کنید. چنانچه امروز از این مکان‌ها اسمی به‌جا مانده است،

آن را بنویسید و علت نام‌گذاری را پیدا کنید. (مثلاً یکی از کاروان‌سراهای مشهور کرمان، کاروان‌سرای هندی‌ها بوده است؛ زیرا اکثراً مسافران هندی آنجا را برای اقامت انتخاب می‌کرده‌اند.

## درمورد قبرستان‌های قدیمی و متروکه مسلمانان و اقلیت‌های دینی گزارشی تهیه کنید

دیدن قبور گذشتگان جهت گرفتن پند و اندرز و کاستن از غرور و خدمت به خلق بسیار مفید است. در این مورد می‌توانید با مراجعه به بزرگان فامیل و

گذشت زمان و رشد زندگی شهرنشینی، کم‌کم از بین می‌روند یا فراموش می‌شوند؛ در این میان شغل مسگری کما بیش بازار گرم خود را دارد. شما می‌توانید با پرس‌وجو از بزرگ‌ترها، درمورد مسگرهای قدیمی شهرتان، بازار مسگرها، چگونگی کار مسگرها، قیمت مس در گذشته و .... گزارشی تهیه کنید.

## درمورد پيله‌ورها و پيشه‌ورهاى فاميل و محله خودتان گزارشی تهیه کنید

همان‌طور که در بالا اشاره کردیم،

## آثار فرهنگی و باستانی گنجینه تمدنی و معنوی نیاکان ما هستند و بی‌توجهی

به این آثار می‌تواند فرهنگ و هویت ما را در معرض خطرهای زیادی قرار

دهد



خانواده درباره قبرستان‌های قدیمی و محل آن‌ها، اینکه چند سال پیش درست شده‌اند، چرا متروکه شده‌اند و کدام شخصیت‌های معروف در آن‌ها مدفون هستند، و نیز درباره قبرستان‌های یهودیان، ارمنه، زردشتی‌ها، کشته شدگان در جنگ جهانی و .... گزارشی تهیه کنید.

## درمورد مسگرها و بازار مسگری‌های قدیم در شهر خودتان مطلبی تهیه کنید

بسیاری از شغل‌های قدیمی، بر اثر

شغل‌های قدیمی به مرور زمان با جایگزین شدن شغل‌های جدید کم‌کم رو به نابودی و فراموشی می‌روند اما در گوشه و کنار می‌توان افرادی را یافت که هنوز مشغول پيله‌وری (ابریشم‌فروش، کسی که پيله می‌خرد و ابریشم می‌ریسد یا سوداگر دوره گرد و خرده فروشی که نخ و سوزن می‌فروشد) و یا پيشه‌وری (سفال‌گری، آهنگری، اسلحه‌سازی، پارچه‌بافی) هستند از این شغل‌ها و نحوه انجام آن‌ها و کسانی که به این شغل‌ها مشغول بوده‌اند (یا هستند)، میزان درآمد

آن‌ها و مشکلاتشان گزارشی تهیه کنید. در این زمینه از افراد مسن کمک بخواهید.

## درمورد بازی‌های محلی خودتان گزارشی تهیه کنید

دانش‌آموزان عزیز؛ بازی‌های محلی، گذشته از اینکه جنبه سرگرمی دارد، در واقع نوعی ورزش بومی هم محسوب می‌شود. این بازی‌ها پیام‌های متنوعی از نظر تحلیل محتوایی (هدف) دارند و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه را منعکس می‌کنند. آشنایی با روش‌های مقابله با راهزنان و دشمنان، ممارست در کارهای کشاورزی و دام‌داری و حتی صید و شکار از اهداف نهفته در این بازی‌ها بوده است. بخشی از این بازی‌ها در جهت تقویت و توانایی جسمی و ذهنی افراد هم مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. با این توضیح هر کدام از شما تمایل دارد در این زمینه کار کند، با مراجعه به بزرگان و حتی تاریخ‌های محلی خود گزارشی مفصل تهیه نماید.

## درمورد ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها، و ترانه‌های محلی خودتان گزارشی تهیه کنید

دانش‌آموزان محترم، در هر محیط و جامعه‌ای مردم ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها، و ترانه‌های خاص خودشان را دارند که نشان‌دهنده نوع لهجه، روحیات، باورها، اعتقادات، غم‌ها و رنج‌ها، خاطرات هجوم دشمن، خصلت‌های پهلوانان و جوانمردان، یادآوری خاطرات عزیزان از دست رفته در زلزله، سیل، جنگ و تصادف و...، قحط سالی‌ها، خوشی‌ها، دلتنگی‌ها، شرایط اقتصادی، سیاسی است. هر کدام از شما که تمایل دارد در این زمینه تحقیق کند، با استفاده از منابع تاریخی محلی و نیز خاطرات بزرگ‌ترها گزارشی تهیه نماید.

## اجرای ترکیبی چند مورد از موارد فوق بنا به توانایی و علاقه خودتان

دانش‌آموزان گرامی، کسی از شما که بتواند هم‌زمان چند مورد از تحقیقات پیشنهادی بالا را انجام دهد، کاری بسیار مفید انجام داده است. شرط این کار داشتن علاقه و امکانات و توانایی‌های لازم است. مثلاً می‌توانید یک داستان قدیمی بنویسید، دو سه مورد سند شخصی به کلاس بیاورید، درمورد گیاهان طبی منطقه خودتان گزارشی تهیه کنید و ... . ضمناً به هر میزانی که فعالیت داشته باشید، به همان میزان امتیاز می‌گیرید.

## نتیجه

روی جانان طلبی، آینه را قابل ساز ورنه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی (حافظ)

تحول بنیادین در آموزش و پرورش در وهله اول متحول شدن معلم را می‌طلبد. باید آینه وجودی معلم قابلیت و شایستگی این تحول را پیدا کند و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه در قدم اول، معلم عاشق کار خویش باشد و بیاموزد و بیاموزاند و تمام مشقات این کار را به جان بخرد. در وهله بعد باید زمینه مناسب برای آموزش (خصوصاً درس و کلاس تاریخ) یعنی احساس امنیت و آزادی فراهم آید. اگر چنین اتفاقی افتاد، به‌طور حتم نگرش معلم نسبت به نحوه تدریس و هدف والای آموزش متحول می‌گردد و بر پژوهش محوری استوار می‌شود و دانش‌آموزان، این سرمایه‌های عظیم انسانی جامعه ما، رویکرد تحقیق محوری را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند. چنانچه دانش‌آموز با تفکر و نگرش پژوهشی تربیت گردد، آینده وی و کشور او متحول می‌گردد؛ زیرا مبنای رشد طبعاً پژوهش‌های پایه‌ای «زمانبر» است. پژوهش و تحقیق مثل درخت

گردوست، عمری باید صبر کرد و کارکرد تا سال‌های سال ثمر بدهد.

عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن (سنایی غزنوی)

امید می‌رود که با اطلاع‌رسانی درمورد محورهای اعلام شده برای پژوهش دانش‌آموزی در درس تاریخ به‌ویژه از طریق دبیران این درس به‌عنوان مجریان اصلی طرح که می‌توانند با صبر و حوصله محورهای اعلام شده را به دانش‌آموزان تفهیم و آن‌ها را پیگیری کنند، تحولی در نگرش سنتی، آموزش تاریخ صورت گیرد و تاریخ‌های محلی شفاهی - که حاوی گنجینه‌های فرهنگ و تمدن بومی ما هستند - احیا شوند و صندوقچه‌های اسرار بزرگان این مرز و بوم، به‌عنوان چراغ راه آینده، بر ما هویدا گردد.

## منابع

۱. ایرنه مارو، هانری، حرفه تاریخ‌نویسی، روش‌های پژوهش در تاریخ، مترجم: دکتر اقدس یغمایی، ج ۴، چ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس ۱۳۷۱.
۲. کامران مقدم، شهن دخت؛ اصول و مبانی تاریخ، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۵۸.
۳. کیوی، ریمون. کامپنهود، وان، لوک؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی، مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، چ سوم، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
۴. نوذری، عزت‌الله؛ روش شناخت در تاریخ، چ اول، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۵.
۵. تجربیات حرفه‌ای نگارنده.

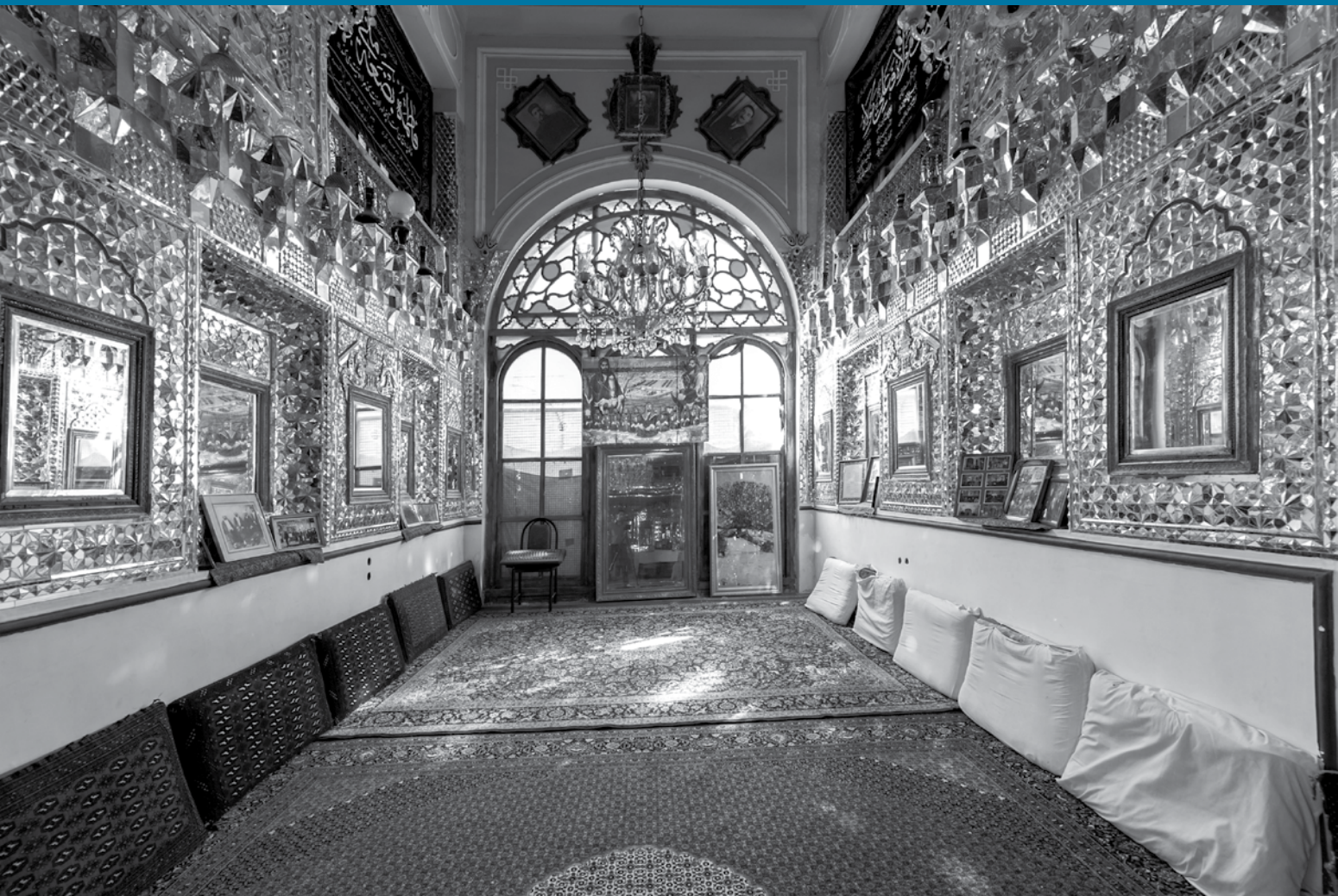
## اشاره

کرمانشاه، از جمله به واسطه قرار گرفتن در مسیر عتبات عالیات، از قدیم‌الایام بناهای مذهبی بسیاری داشته و این بناها همواره مورد تکریم و احترام مردم بوده است. تکیه بیگلربیگی در میان تکایای زیادی که در استان کرمانشاه ساخته شده، واقعاً بنای متفاوتی است و هر بیننده‌ای را مجذوب می‌کند. آینه‌کاری‌های حسینیه کم‌نظیر است. این تکیه از یادگارهای عبدالله خان بیگلربیگی است. مرحوم عبدالله خان بیگلربیگی در زمان حکمرانی عبدالحسین میرزا فرمانفرما و سپس امیرنظام گروسی به تدریج مدارج ترقی را طی می‌کند و سرانجام به مقام بیگلربیگی کرمانشاه می‌رسد.

گزارش حاضر از مجموعه تکیه بیگلربیگی بر اساس بازدید و مشاهدات نگارنده، توضیحات مختصر راهنمای تکیه و از همه مهم‌تر، مصاحبه با هرمزخان بیگلربیگی، از نوادگان عبدالله خان، گردآوری شده است. به امید اینکه تصویری روشن از تکیه به دست خواننده دهد.

مرضیه وروایی  
دبیر تاریخ کرمانشاه

# نظاره آب و آینه و نور در تکیه بیگلربیگی



در بافت قدیم شهر کرمانشاه محله‌ای مشهور، به نام «فیض آباد» قرار دارد که می‌توان گفت مشخص‌ترین محله بافت قدیم کرمانشاه به شمار می‌رود.

این محله، به اصطلاح «رجال‌نشین» بوده، و این از خانه‌هایی که در آن هنوز پا برجا هستند، کاملاً مشهود است؛ خانه‌هایی که حتماً معماران و استادکاران معتبر به سفارش صاحبان این بناها آن‌ها را ساخته‌اند.

گذرگاه‌ها و کوچه‌های پیچ در پیچ فیض آباد این محله را به سبزه میدان، بازار، مسجد جامع، میدان آیت‌الله جلیلی، میدان وزیری و میدان گاراژ (آزادی) مرتبط می‌سازد. اولین چیزی که در این محله جلب توجه می‌کند بافت فرسوده و سنتی آن است. در فیض آباد بناهای مهمی با معماری درون‌گرا وجود دارد که از آن جمله است: مسجد فیض آباد، سرای توکل، که در زمان جنگ جهانی اول محل اسکان روس‌ها بوده، خانه تاجر کلیمی کرمانشاه به نام خواجه باروخ، مسجد معتمد، حمام و مسجد نظام (حمام نظام خصوصی خانواده صارم‌الدوله بوده) خانه صارم‌الدوله (نواده محمدعلی میرزا دولت‌شاه فرزند ارشد فتحعلی شاه) خانه نظام‌العلماء، و تکیه بیگلربیگی.

تکیه بیگلربیگی یکی از زیباترین بناهای ساخته شده در کرمانشاه و مربوط به دوره قاجار است. البته قسمت مسکونی آن مربوط به اواخر دوره زندیه و قسمت حسینی به مربوط به دوره مظفری است. حسینی به همت عبدالله خان بیگلربیگی - که در زمان حکمرانی عبدالحسین میرزا فرمانفرما و مرحوم امیر نظام گروسی به تدریج مدارج ترقی را طی کرده - ساخته شده است. نام‌برده بر اساس احکام صادره در عصر قاجار - که هم اکنون در قسمت موزه خط و کتابت تکیه نگهداری می‌شوند - ابتدا عهده‌دار سمت‌های

کلاتری کرمانشاه، شجاع دیوانی (فراش باشی) و رئیس انتظامات شهر می‌شود و سرانجام به سمت بیگلربیگی کرمانشاه منصوب می‌گردد.

برای رفتن به تکیه بیگلربیگی باید نخست وارد خیابان مدرس، روبه‌روی مسجد جامع شویم، سپس قدم به کوچه شهید سالار انتظاری بگذاریم؛ بعد از تنها چند قدم، با دیدن کاشی فیروزه‌ای رنگی که روی آن نوشته است: کوی

برای خانم‌ها و آقایان، و نیز دو ردیف طاق نما، که در ردیف فوقانی با پیکره‌های گچی از شخصیت‌های دوره قاجاریه زینت یافته‌اند. بلافاصله پس از درگاه چوبی وارد هشتی تکیه می‌شویم. در سمت راست و چپ هشتی دری به اصطبل و دری به اتاق کوچکی که جای نشین قابچی بوده است، دیده می‌شود. در هشتی و دالان بعد از آن، سکوهایی قرار دارد تا مهمان خسته‌ای که از راه

### تکیه بیگلربیگی یکی از زیباترین بناهای ساخته شده در کرمانشاه و مربوط به دوره قاجار است. البته قسمت مسکونی آن مربوط به اواخر دوره زندیه و قسمت حسینی به مربوط به دوره مظفری است



صارم‌الدوله، به سمت چپ کوچه گردش می‌کنیم. از همان ابتدای ورود به کوی صارم‌الدوله، تابلوی تکیه بیگلربیگی خود را نمایان می‌کند.

#### مقابل تکیه‌ایم!

درست روبه‌روی خانه نظام‌العلماء بنای تکیه به چشم می‌خورد؛ بنایی با نمای آجری، سکوه‌های متقارن، سردری که با مقرنس‌های گچی و گچ‌بری‌های برجسته تزیین شده است، درگاه چوبی و کوبه‌های مخصوص دق‌الباب جداگانه

می‌رسیده و حتماً وسایلی نیز همراه داشته است، آنجا بنشیند و نفس تازه کند و در ضمن به اهل خانه فرصت دهد تا برای پذیرش مهمان آماده شوند.

ایوان و هشتی با تاق‌های بسیار زیبا پوشیده شده است. مهمانان به‌همین دالان و هشتی راهنمایی می‌شده‌اند و سوغات‌هایی که احیاناً با خود داشته‌اند، از آن‌ها گرفته می‌شده است.

بعد از طی این دالان نسبتاً دراز، به حیاط اصلی تکیه وارد می‌شویم. حیاط، نقطه مرکزی تکیه است. هر کجای تکیه

که بنشینید، محال است به حیاط اشرف نداشته باشید. وسط حیاط حوض بزرگی با چند فواره دیده می‌شود. درختانی که در حیاط به چشم می‌خورند قدمت و عمر تکیه را ندارند و معلوم است بعداً کاشته شده‌اند. حیاط با، فضاهای متعددی احاطه شده است و اُرسی‌های اتاق‌ها به حیاط جلوه خاصی داده‌اند. در قسمت غربی تکیه بنای حسینییه قرار دارد. بقیه فضاهای اطراف حیاط که قبلاً مسکونی بوده اکنون به‌عنوان‌های مختلف الگوی کاربری یافته‌اند: در حال حاضر فضاهای ضلع جنوبی به موزه پارینه سنگی، فضاهای ضلع شمالی به موزه خط و کتابت و فضاهای ضلع شرقی به کارهای اداری اختصاص دارد. مجموعه زیر نظر سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه حفظ و اداره می‌شود. تمام فضاهای تکیه و از جمله حیاط

کف‌پوش آجری دارند. فضای سنتی تکیه، از نوع درها، کوبه‌ها و ارتباط اتاق‌ها با هم به خوبی مشهود است. در نمای ضلع جنوبی و شرقی دریاچه‌هایی دایره‌ای (گرد) دیده می‌شود که به «دو پوشه‌ها» راه دارد. این دو پوشه‌ها به قول امروزی همان سقف‌های کاذب هستند که با جریان دادن هوا از پوسیدگی ساختمان جلوگیری می‌کنند. به گفته هرمزخان بیگلری از دو پوشه برای نگهداری ظرف و ظروف این خانه پر از مهمان هم استفاده می‌شده است. حلقه‌ها و چنگک‌های فلزی روی پله‌های حسینییه در قسمت غربی حیاط تعبیه شده تا طناب چادری که روی حیاط و حوض آن (ایام محرم) کشیده می‌شده است، به آن بسته شود. به گفته هرمزخان بیگلری، در ایام محرم تمام حوض را پر از شربت می‌کرده‌اند تا به یاد امام حسین (ع) کام تشنه عزادارانش

را سیراب کنند. چراغ‌های توری گازی - نفت‌سوز - تقریباً بزرگ، جلوی ایوان حسینییه آویزان است. روشنایی حسینییه از همین چراغ‌ها تأمین می‌شده است. اتاق‌های بزرگ، که ارسی نامیده می‌شده - بعضاً با شیشه‌های رنگی، طراحی حیاط را دیدنی‌تر کرده است. این شیشه‌های رنگی در بازتاب نور و دفع حشرات مزاحم بسیار مؤثر بوده‌اند. در ضلع شمالی، شبکه‌ها، خنکای حیاط و آب حوض آن را به زیرزمین هدایت می‌کند. پله‌های سنگی - آجری نه چندان کوتاه رابط تمام اتاق‌ها به حیاط، هستند و کمک می‌کنند که در صورت ورود افراد به حیاط، حریم اتاق‌ها از مزاحمت محفوظ بماند. در حیاط هیچ سکویی دیده نمی‌شود؛ تنها ایوان جلوی حسینییه است که با چند پله حیاط و حسینییه را به هم وصل می‌کند. معمار هنرمند تکیه، از سوراخ‌هایی که در داخل دیوارها ایجاد کرده، به عنوان داربست استفاده کرده است.

**ضلع جنوبی به موزه پارینه سنگی (زاگرس) اختصاص دارد و غیر از ورودی، شامل سه اتاق تودرتو است. اتاق‌ها به وسیله درهای میانی به هم ربط دارند و دارای ارسی هستند. راه دسترسی به آن‌ها دو سه پله سنگی داخل حیاط است**

**ضلع جنوبی**

چشم‌ها در حیاط می‌رقصند و می‌گردند و نه یک بار بلکه بارها و بارها همه چیز را به نظاره می‌نشینند، همان‌طور که اشاره شد، ضلع جنوبی به موزه پارینه سنگی (زاگرس) اختصاص دارد و غیر از ورودی، شامل سه اتاق تودرتو است. اتاق‌ها به وسیله درهای میانی به هم ربط دارند و دارای ارسی هستند و راه دسترسی به آن‌ها دو سه پله سنگی داخل حیاط است. کف‌پوش کنونی آن سرامیک قهوه‌ای رنگ است ولی سابقاً آجر بوده است. این فضاها در آخر به راهرویی متصل می‌شوند که هم به حسینییه و هم به حیاط پشتی و حمام بیگلربیگی (حمام



موزه پارینه سنگی





آشپزخانه می‌رفت، هم اکنون باقی است ولی دیگر خبری از خود آشپزخانه نیست. با این اوصاف هنوز زندگی در تکیه جریان دارد. دو پوشه‌های این بخش، همان‌طور که گفته شد، عامل مؤثری برای جلوگیری از فرسودگی ساختمان، تهویه بنا و نگهداری ظروف است.

بنابر شجره‌نامه‌ای که علی اکبر خان بیگلربیگی تهیه و ترسیم کرده است، نسب خاندان بیگلربیگی به حضرت اسماعیل (ع) می‌رسد!

این شجره‌نامه در یک ویتترین شیشه‌ای به نمایش گذاشته شده است. به غیر از شجره‌نامه، اسنادی، از جمله برخی فرمان‌ها، احکام و قراردادهای تجاری مربوط به این خاندان نیز در اتاق‌های ضلع شرقی داخل ویتترین‌های شیشه‌ای نگهداری می‌شود.

اگر علاقه‌مند به دیدن تصاویری از محله‌های قدیمی کرمانشاه باشید،

خان از اتاق‌های کنونی موزه پارینه سنگی به عنوان اتاق کار استفاده می‌کرده است.

### و اما بخش شرقی:

ضلع شرقی اهل خانه، برای هم صحبتی با پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خانواده، بایستی از پله‌های داخل حیاط به چهار اتاق طبقه اول از ضلع شرقی می‌رفتند.

این اتاق‌ها دارای طاقچه‌های متعددی هستند که با درهای میانی به هم مرتبط می‌شوند. اکنون سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه از این اتاق‌ها برای انجام کارهای اداری استفاده می‌کند.

سرویس‌های بهداشتی و اتاق مستخدم‌ها، از فضاهای دیگر این ضلع است.

انتهای ضلع شرقی (شمال شرقی) به حیاط کوچکی راه دارد که به آشپزخانه وصل می‌شده است. حیاطی که به

خصوصی خانواده) راه دارد. در موزه نقشه‌هایی به چشم می‌خورد که موقعیت مکان‌های عمده دوران پارینه سنگی و فراپارینه سنگی در ایران و از جمله کرمانشاه را نشان می‌دهد. از همین نقشه‌ها به خوبی می‌توان برآورد کرد که کرمانشاه یکی از سایت‌های مهم باستان‌شناسی در ایران است.

اگر بخواهیم اطلاعات مختصری از انسان نئاندرتال به دست آوریم، باید ساعتی چند در موزه پارینه سنگی درنگ کنیم. پیکره بازسازی شده انسان نئاندرتال، استخوان‌ها و مجموعه‌هایی از انسان‌های عهد پارینه سنگی و حیوانات شکار شده توسط آن‌ها، برخی از ابزارهای ساخته شده در این دوره، شیوه ابزارسازی، شیوه شکار، اعتقادات آن‌ها، پوشش آدم‌ها و ... همه و همه اطلاعاتی هستند که از این موزه به دست می‌آید.

به گفته هرزخان بیگلربی، عبدالله



در کرمانشاه رخ داده و ... وجود دارد. در این عکس‌ها پوشش مردان، آرایش صورت و ... نمایش داده می‌شود.

در ویتترین‌های شیشه‌ای، قرآن‌های خطی قدیمی، قرآن‌هایی با حاشیه زرکوب، مجلات (گزیده‌ای از روزنامه جهان اسلام) سندهایی از عقدنامه‌ها، حکم‌ها، اجاره‌نامه‌ها، نامه‌های رجال وصیت‌نامه مرحوم عبدالله‌خان، استعلام‌ها، سند مجموعه تکیه و سند ازدواج محمدخان سرهنگ، داماد عبدالله‌خان بیگلربیگی (محمدخان پدر بزرگ بیگم بوتو، مادر بی نظیر بوتو نخست وزیر فقید پاکستان بوده است) نگه‌داری می‌شود؛ سند ازدواجی که در آن از سکه و آینه شمعدان و ... خبری نیست. در این سند، که ازدواج را حلال و زنا را حرام کرده، ستایش شده است. با صلوات بر محمد (ص) ختم گردیده است.

گویا نان در آن زمان، برای خودش مسئله‌ای بوده است؛ چون چند سند در مورد الزام نمودن خبازان کرمانشاه به رعایت نرخ نان و کیفیت آن، در موزه خط قابل خواندن است.

تابلویی هم از واقعه کربلا؛ تاریخ واقعه نحوه آرایش سپاه امام حسین (ع)، افرادی که در میمنه و میسره سپاهش قرار

چشم می‌خورد.

طبقه بالای زیرزمین، طبقه شاه‌نشین با یک فضای باز و آفتابگیر، محل مناسبی برای پذیرایی مخصوصاً در زمستان است. شاه‌نشین یک ارسی چوبی بسیار زیبا و مشرف به حیاط دارد و همچنین با گچ‌بری آراسته شده است. یکی از درهای تکیه که به خیابان مدرس راه دارد در همین قسمت از تکیه، یعنی قسمت شاه‌نشین، قرار دارد.

تاریخ تکمیل گچ‌بری را می‌توان از قباب گچی که در داخل آن جمله، «یا ابا عبدالله الحسین» و «تاریخ ۱۲۶۲ [ق]» نوشته شده است، فهمید. سابق مرحوم بیگلربیگی از اتاق شاه‌نشین برای پذیرایی، ملاقات با افراد و کسانی که دیدارشان خیلی رسمی بوده، استفاده می‌کرده است. در اتاق‌های اطراف و طبقه بالای آن، یعنی طبقه شاه‌نشین، مردان استراحت می‌کرده‌اند. زنان نیز با استفاده از پله‌های پاگردی میانی، که در داخل طبقه شاه‌نشین طراحی شده، بی‌آنکه صدای پایشان شنیده شود، برای استراحت به طبقه بالا می‌رفته‌اند بلندی پله‌ها واقعاً صدای پاها را می‌گیرد! داخل یکی از اتاق‌های طبقه فوقانی دو ستون گچی با پایه‌های مربع شکل و ساقه‌های پیچ خورده قرار دارد و سر ستون آن با گل و گیاه زینت داده شده است. این قسمت از اتاق، شبیه یک اتاق خواب آراسته است! (هم اکنون چند مبل چوبی که متعلق به خانواده بیگلربیگی بوده است، در آن نگه‌داری می‌شود.)

### موزه خط و کتابت

موزه خط و کتابت دو طبقه شاه‌نشین را به خود اختصاص داده است. در این موزه آرشیوی از عکس‌های قدیمی مردم کرمانشاه، اعم از رجال، افراد نافذ مذهبی و روحانیون، صحنه‌هایی از اتفاق‌هایی که

تابلوهای هنرمند نقاش آقای مهرجو در این اتاق‌ها دیدنی است. راهنمای تکیه می‌گوید: «این تابلوها را میراث فرهنگی از ایشان خریده است».

### ضلع شمالی

خوب است به بخش شمالی حیاط برویم «بخش شمالی دارای دو طبقه و یک زیرزمین است با پایین رفتن از چند پله سنگی می‌توانیم از طریق حیاط به زیرزمین برویم.

زیرزمین شامل حوض‌خانه و چند اتاق تودرتوست و پستوهایی نیز دارد. اتاق‌های اطراف حوض‌خانه طاق و طاقچه‌های آجری زیادی دارند. کابینت آجری! طراح، ... چقدر عالی زیرزمین را برای نگه‌داری وسایل فضاسازی کرده است!

در انتهای سمت راست از اتاق اول زیرزمین، راهی به آشپزخانه و حیاط آن باز می‌شود.

در حوض‌خانه شومینه‌ای هم ساخته شده است. با توجه به اینکه زیرزمین برای استراحت تابستانی مکان مناسبی است، شاید شومینه کوچک حوض‌خانه هواکش خوبی برای این بخش نیز بوده است. ناگفته نماند که زیرزمین از شبک‌های خوب هم بی‌بهره نیست. نسیمی که از حوض حیاط مرکزی برمی‌خاسته، از طریق همین شبک‌ها، یا پنجره‌های مشبک، روح کسانی را که برای استراحت از این فضا استفاده می‌کرده‌اند، صفا می‌بخشیده است. سقف حوض‌خانه و استراحتگاه تابستانی با تیرهای چوبی تخته‌کوبی شده و کف آن با آجر پوشیده شده است. چند ستون چوبی با ساقه‌های چند ضلعی و سرستون چوبی و تزئین شده بین فضای حوض‌خانه و استراحتگاه تابستانی به



دارند، سپاه عمر سعد و تقسیم‌بندی لشکر او و تعداد افراد زیر نظر هر فرمانده، در موزه خط چشم‌ها را متوجه خود می‌کند. اگر بخواهید به اهمیت کشاورزی کرمانشاه در گذشته پی ببرید، بد نیست به سند احکام مالیاتی که از محصولات کشاورزی گرفته می‌شده است، نگاه کنید. مضافاً اینکه دولت قاجار هیچ منع درآمدی به جز اخذ مالیات و گمرکات نداشته و نیازمند حکومت‌های محلی بوده است. اسناد موجود در موزه، فرمان اخذ مالیات برای منظور فوق را نشان می‌دهد. مثلاً در یک سند، ناصرالدین شاه بر اساس فرمانی املاک خالصه میان در بند را در قبال مبلغ معینی به خانواده بیگلربیگی واگذار کرده است.

سندها برخی ترجمه [معرفی] شده‌اند ولی بعضی از آن‌ها هنوز بی‌ترجمه یا توضیحی در ویتترین‌ها قرار دارند. متأسفانه هیچ سیستم اعلام حریق و یا اطفای آتش در موزه به چشم نمی‌خورد! مرحوم عبدالله خان در سال ۱۳۰۹ هـ. ق (حدود ۱۲۶۰ ش) با خرید چند منزل متصل به هم در محله فیض‌آباد تصمیم به احداث حسینیه‌ای با شکوه در کنار منزل خود می‌گیرد. هر مزخان می‌گفت که عدم رضایت یکی از صاحب‌خانه‌ها در فروش ملک خود،

باعث شده که دیوار قسمتی از تکیه کج ساخته شود. (خوب، این هم دلیل اینکه معمار حسینیه، کمی از تقارن‌سازی فاصله گرفته است!) بنا به گفته ایشان قبل از اینکه حسینیه ساخته شود، در اتاق بزرگ شاه‌نشین روضه‌خوانی برپا می‌شده است.

توجه به چند تابلوی موجود در حسینیه ما را از تاریخ شروع (۱۳۱۱) و پایان ساخت حسینیه (۱۳۱۵) مطلع می‌سازد. معمار بنا مرحوم استاد مصطفی بنای کرمانشاهی بوده است. چراغ‌ها، چهل چراغ‌ها و لوسترهای گران‌قیمت و قندیل‌های شمع‌سوز حسینیه را تزئین کرده است.

### ضلع غربی

مهم‌ترین قسمت تکیه بیگلربیگی، بخش غربی آن است که گنبدخانه حسینیه در آن قرار دارد. این قسمت شامل ایوان سرپوشیده و ستون‌دار بزرگی است که با سه پله سنگی سرتاسری به حیاط تکیه راه دارد. در جلوی ایوان دو ستون چوبی و دو ستون نمای نسبتاً بلند دیده می‌شود که سرستون‌ها با گچ‌بری‌های گل و گیاه تزئین شده است. سقف ایوان منبت‌کاری است. در چوبی بزرگی ما را به داخل فضای حسینیه می‌برد. سقف حسینیه دارای پوشش گنبدی و نمای بیرونی آن شیروانی است. نمای داخلی حسینیه آینه‌کاری است که در کرمانشاه بی‌نظیر و در ایران نیز احتمالاً کم‌نظیر است. آینه‌ها به اشکال مختلف هندسی گره‌سازی شده‌اند. استاد محمدعلی تهرانی در سال ۱۳۲۶ آینه‌کاری این محل را با زیبایی تمام به انجام رسانده است. حسینیه دارای یک فضای دو طبقه است. از اتاق‌های طبقه بالا خانم‌ها در ایام محرم برای عزاداری استفاده می‌کرده‌اند. نرده‌های آهنی این

اتاق‌ها را از فضای مرکزی حسینیه حفاظت می‌کند تا خانم‌ها و بچه‌ها با خیال راحت‌تری از مراسم برگزار شده در داخل حسینیه بهره ببرند.

جان پناه فلزی داخل حسینیه، به علاوه نمای مثلی شکل بالای بام شاه‌نشین، ستون‌ها و سرستون‌ها آدمی را متوجه نفوذ معماری اروپایی در دوره قاجار می‌کند. (معابد یونانی هم دارای نمای مثلی شکل به روی بام‌های خود هستند.)

### حاشیه‌های دیدار

- ارسی‌های حسینیه با شیشه‌های رنگی به حیاط مشرف‌اند.  
- در قسمت جنوبی حسینیه در دیگر تکیه قرار دارد (در سوم تکیه) که به حیاط پستی و حمام بیگلربیگی می‌رود. این حمام هنوز پابرجاست.  
- خیلی از وسایل و لوازم مراسم عزاداری ایام محرم در اتاق‌های بالایی حسینیه (قسمت مربوط به خانم‌ها) نگاه‌داری می‌شود.  
- در گوشواره‌های فضای حسینیه پنجره‌ای با طاق هلالی وجود دارد که در اطراف آن به وسیله آینه‌کاری جملات لاله‌الا... محمد رسول ا... علی ولی ا... نوشته شده است.  
- آینه‌کاری‌های حسینیه مرمت شده است. در زمان جنگ تحمیلی عراق قسمت حسینیه آسیب‌های شدیدی از بمباران دیده است.  
- تعریض خیابان مدرس باعث شده است که حسینیه قسمت شاه‌نشین خود را از دست بدهد. در اثر مسائلی از این دست، به علاوه فروش یا وقف‌کردن‌ها تنها ۱۸۰۰ متر از کل مجموعه باقی مانده است که آن را هم وارثان برای بازسازی تکیه در اختیار میراث فرهنگی کرمانشاه گذاشته‌اند.

# این بار هم از دست زلزله گریختیم!

## گزارش سفر به سیستان و بلوچستان

دکتر مهدی چوبینه

کارشناس و مدیر داخلی رشد آموزش جغرافیا

سفر فصلی بهار امسال را قبلاً برنامه‌ریزی کرده بودیم و رفتن به غرب کشور تدارک دیده شده بود، اما با یک تلنگر آقای جوادیان، این بار فیلمان یاد سیستان و بلوچستان و زاهدان کرد که در ضمن فرهنگ آن از معماری و موسیقی هند بسیار تأثیر پذیرفته است. این شد که در کمتر از نصف روز همسفرانی که اجازه سفر از منزل را به صورت کتبی! داشتند، پا به رکاب گذاشتند؛ به همین سادگی.

**وسیله سفر:** توسعه شبکه ریلی در این سال‌های اخیر، در ما و سوسه سفر با قطار را، مانند سفر به بندرعباس، به وجود آورد؛ چه، در حال حاضر از وسایط نقلیه امن و ایمن یکی همین قطار است. هرچند سفر ۲۴ ساعته در درون این غول آهنین کمی نگران کننده بود اما تجربه سفرهای قبلی و جمع یاران موافق هر شبه‌ای را از بین می‌برد. پس به مدد امکانات دیجیتال، بدون بلند شدن از جا، بلیت رفت و برگشت تهیه شد؛ به تاریخ ۲۵ فروردین تا سی‌ام همان ماه.

ماجراهای حاشیه‌ای در بدو این سفر که مجال بیان نیست بماند. ناگفته نماند که در طول سفر رئیس جوان قطار به قدری به ما لطف کرد تا وقتی به مقصد رسیدیم، دلمان نمی‌خواست پیاده شویم؛

است. در مسیر بازگشت بودیم و قرار بود شبی را هم در شهر کرد بگذرانیم که خبر وقوع زلزله سبب تغییر مسیرمان به اصفهان شد؛ البته دمای ۳۷ درجه زیر صفر آنجا هم مزید بر علت شد. این از آن سفر! و حال درست وسط سفر به سیستان و بلوچستان، با قصد صعود به تفتان، بودیم که زمین‌لرزه ۷/۳ ریشتری همه رشته‌ها را پنبه کرد! هر چند یکی از همراهان با سماجت توفیق صعود را نصیب خود کرد ولی در مورد خودم حسرت دیدار مجدد تفتان بعد از ۱۸ سال را در دلم باقی گذاشت. به هر حال، سفری به کوه خواجه و سپس میرجاوه و غار لادیز بخشی از لذت‌های از دست رفته را جبران کرد. و حال شرح این سفر: دوست عزیزی که به شیوه دورکاوی سفرهای ما را پی می‌گرفت، بعد از وقوع زمین‌لرزه گفت «که تا آنجا را با خاک یکسان نکرده‌اید برگردید!» و عزیز دیگری توصیه می‌کرد که قبل از ورود به تهران خودمان را خوب بتکانیم که خطری تهران را تهدید نکند!

**شروع سفر:** طبق معمول سال‌های اخیر، به مناسبت‌های مختلف و حتی بدون هیچ مناسبتی و صرفاً به کوچک‌ترین بهانه‌ای اسباب سفر را می‌بندیم. اگر چه

چند سالی است که هر از گاهی، همراه تنی چند از همکاران که اغلب بازنشسته سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هستند، بار سفر می‌بندیم و راهی گوشه‌ای از ایران پهناور می‌شویم. گزارش حاضر به سفر اخیرمان به استان سیستان و بلوچستان، در ۱ فروردین ماه ۹۲ مربوط است. دولتمند خالف (خال) خواننده «فلک خوانی» تاجیک در یک برنامه تلویزیونی چنین می‌خواند:

چرخ فلک ستمگر بی‌باکم  
آواره نموده گردش افلاکم  
گفتم بروم چشمه بنوشم کف آب  
آیا به کدام گوشه باشد خاکم؟  
البته اصل شعر چنین بوده:  
افکنده به غربت فلک بی‌باکم  
آواره نموده گردش افلاکم  
آیا به کدام چشمه نوشم آبی  
آیا به کدام شهر گردد خاکم؟  
هنوز چند هفته از سفر ما به گنبدهای نمکی جاشک، در خور موج بوشهر، نگذشته بود که زمین‌لرزه بخش زیادی از آن گنبدها را به هم ریخت و حسرت دیدار مجدد غارهای نمکی را به دلمان گذاشت؛ اگر چه دیدار مردم با محبت آن دیار تنها دلخوشی باقی مانده از آن سفر



از جمله این امکان را فراهم کرد تا عکاس گروه از داخل کابین لکوموتوران عکس بگیرد.

**روز اول:** با مطرح شدن پیشنهاد صعود به تفتان می‌بایست برنامه قبلی را کمی تغییر می‌دادیم. بر این اساس، روز اول به جای ماندن در زاهدان و زاهدان‌گردی، به سمت زابل رفتیم. ساعت ۶ صبح روز سه‌شنبه عازم محمدآباد یا شهر هامون جدید شدیم، چرا که برای رفتن به کوه خواجه نیازی به رفتن به زابل هم نبود. هماهنگی با آقای میر سبب شد که با آقای مسافر، مسئول آموزش عمومی «شیب آب» آشنا شویم و این عزیز بامحبت

خواجه بودیم. این چهارمین سفر من به کوه‌خواجه بود و چه تغییراتی کرده بود این مکان دوست‌داشتنی. با اعلام اینکه تا مقبره خواجه مهدی جاده‌ای احداث شده است، سه نفر از دوستان پیاده راه افتادند و ما دسته دو نفری پیرمردهای باقی مانده! با خودرو و از طریق همین جاده جدید به بالای کوه رفتیم و تنها فرصتی که شاید می‌توانست اندکی از رخوت این ماه‌های اخیر را کاهش دهد هم از بین رفت.

**همراهان خونگرم:** از پشت مقبره، نمای دریاچه خشک‌شده هامون دیده می‌شد که در چشم‌انداز زیبایش چند سیاه‌چادر به چشم می‌خورد. پس از فرود آمدن از کوه، به پیشنهاد آقای مسافر،

**دیدار با خواجه مهدی:** مقبره خواجه مهدی را اولین بار در سال ۶۸ دیدم. در آن زمان مسیر آن چندان سخت نبود؛ به‌طوری که افراد محلی بدون



به‌واقع رسم میهمان‌نوازی ایرانیان را- که در شهرهای بزرگ در حال کم‌رنگ شدن است- در حق ما به‌جا آورد. هنوز سه ساعت از حرکتمان از زاهدان نگذشته بود که صبحانه خورده پای کوه

مقبره خواجه مهدی

در همین سفر دکتر شایان، دوست عزیز این سال‌ها، به ما توصیه کرد که: تا آنجا را با خاک یکسان نکرده‌اید برگردید! اما کوه گوش شنوا؟



**روز دوم:** روز دوم را در شهر زاهدان گذراندیم و گشتیم و گشتیم تا پاهایمان تاول زد. هوای مطبوع بهاری و چند قطره باران کار خودش را کرده بود تا روز مفرحی را تجربه کنیم؛ هر چند اکسیژن زیاد برایمان مضر بود و ما مرکز نشین‌ها به آن عادت نداشتیم! یکی از همراهان به رغم همه هشدارهایی که در مورد پس‌لرزه‌های دیرروز به او می‌دادیم، همچنان مُصر به صعود به تفتان بود و عاقبت خودش به تنهایی عازم گل دره خاش شد و ما ماندیم با شهر زاهدان. من اولین بار در سال ۵۸ به زاهدان سفر کرده بودم و بعد از آن هم چندین بار به مناسبت‌های مختلف به این شهر آمده بودم اما این بار زاهدان به نظرم گسترده‌تر می‌آمد. خرید و گفت‌وگو با مردم، بخش عمده کار ما در این روز بود. غریب‌نوازی زاهدانی‌ها هم که شامل حالمان شد: آقای میر باوجود گرفتاری‌هایش ما را همراهی می‌کرد و هر جا قصد خرید داشتیم، با وساطت ایشان گران‌تر می‌خریدیم! دکتر **پودیشه**، از اعضای هیئت علمی گروه

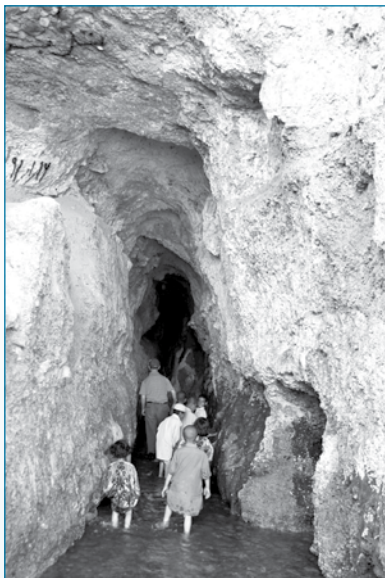
آن ۹ دانش‌آموز این سیاه چادر فراموشم نخواهد شد؛ دانش‌آموزانی با یک دریا محرومیت و یک اقیانوس معصومیت! از کوه خواجه برگشتیم، اما چه برگشتی! که مصادف شد با خبر وقوع زلزله ۷/۷ ریشتری سراوان. خبر را پیامکی از تهران به ما داد که سریع‌تر از انتشار خبر در محل بود. به تصور من چنین زمین‌لرزه‌ای به حدی می‌توانست مخرب باشد که چیزی را باقی نگذارد اما به دلیل عمق ۹۵ کیلومتری کانون زمین‌لرزه، خوشبختانه تلفاتی در پی نداشت. نمی‌دانم این چندمین زمین‌لرزه یک‌سال گذشته در ایران است اما می‌دانم که تاکنون هر کجا رفته‌ایم زلزله هم به آنجا سری زده است.

سری به آن سیاه چادرها زدیم. در آنجا مدرسه‌ای را دیدیم که معلم جوانش می‌گفت در سال‌های اولیه خدمتش مدام در صدد انتقال و رفتن به شهر بوده ولی حالا دیگر حاضر به ترک این مدرسه و بچه‌هایش نیست؛ این هم از جاذبه‌های کار معلمی است، این مثلاً مدرسه، شاید یکی از کم امکانات‌ترین مدارس بود که در سال‌های خدمت دیده بودم. به واقع هیچ نداشت؛ حتی مدارس کپری پشاگرد در مقایسه با آن مثل مدرسه‌هایی غیرانتفاعی به نظر می‌رسید!

یاد تجربه دره ویشی در کتاب پایان مدرسه کپری زمین<sup>۱</sup> افتادم. هیچ وقت برق چشم‌های



غار لادیز



صنایع دستی استان

خشک است، اهالی منطقه می گفتند که ریزش آب از سقف کمتر شده و همین، غار را به حمامی خدادادی تبدیل کرده است. به هر حال، این غار ارزش بیش از یک بار دیدن را دارد.

بعد از ظهر را وقت گذاشتیم برای دیدن معبد سیک‌های هند در زاهدان که به **گودواره**<sup>۲</sup> معروف است. با وجود چند بار مراجعه، متأسفانه، به بهانه‌های مختلف مانع ورود ما به معبد شدند و حتی بزرگ این معبد به سلام یکی از همراهان ما جواب هم نداد. یادم آمد که در سال ۷۴ همراه **دیوید لمبرت** به بازار تهران رفته بودیم. او خیلی دلش می‌خواست مسجد شاه را ببیند و ما هم به‌سادگی وارد مسجد شدیم. اما چند دقیقه بعد خادم مسجد خیلی محترمانه عذرمان را خواست و وقتی من علت را پرسیدم، معلوم شد که به دلایل شرعی، لمبرت اجازه ورود به مساجد را ندارد.

خوشبختانه در نزدیکی گودواره، در همان چهار راه، محلی بود (ساختمان سابق دادگستری) که صنایع دستی بعضی از شهرهای استان را به نمایش گذاشته بودند. دیدن این نمایشگاه وقت ما را به اندازه کافی پر کرد. پس از آن به محل اقامتمان برگشتیم و بار سفر بازگشت را بستیم.

در پایان این گزارش جا دارد از همه دوستانی که در طول این سفر به ما محبت داشتند، سپاسگزاری کنیم.

جغرافیای دانشگاه زاهدان، را اولین بار دیدم؛ کسی که اغلب، به جهت مشابهت وزن و آهنگ نام خانوادگی‌مان مرا با ایشان اشتباه می‌گیرند. تا ندیده بودمش چندان دل خوشی از این موضوع نداشتم اما همان‌گپ‌وگفت چند دقیقه‌ای کنار خیابان کافی بود تا ایشان را انسان وارسته‌ای بیابم و صد البته بهتر از خودم. به محل اقامتمان برگشتیم و قرار شد فردای آن روز به میرجاوه برویم.

**روز سوم:** میدان میرجاوه، در شهر زاهدان، ابتدای سفر روز سوم ما بود. بر اساس یک قانون نانوشته، از بین راننده‌های تاکسی که آنجا بودند، راننده‌ای که لباس محلی نپوشیده بود و ظاهرش با بقیه تفاوت داشت ما را سوار کرد. چه زود دریافتیم که بی‌علت نبود که به وی اعتماد کردیم؛ تحصیل کرده‌ای که به اجبار کار مسافركشی را برگزیده بود. لحن گفتارش، تفاوت او را با بقیه راننده‌هایی که بر سر سوار کردن مسافر با هم جدال می‌کنند، نشان می‌داد. به پیشنهاد او به جای رفتن به شهر میرجاوه، به سمت نقطه صفر مرزی یا همان «میل ۷۲» رفتیم. در سال ۶۸ که همراه مرحوم دکتر **وهاب زاده**، استاد گروه جغرافیای دانشگاه خوارزمی به این نقطه آمده بودم اینجا منظره‌ای دیگر داشت. بعد از میل ۷۲، به میرجاوه رفتیم و همراه راننده مؤدبمان راهی **غار لادیز** شدیم؛ این غار که از سقف آن آب می‌ریزد، از شگفتی‌های طبیعت در این منطقه گرم و



# الگوی روش تدریس فعال درس تاریخ

## اشاره

موضوع روش تدریس تاریخ، داستان ناتمامی است که در مراکز آموزشی همچنان جریان دارد. آنچه در این نوشتار می‌خوانید، بیشتر براساس تجربیات شخصی نگارنده نگارش یافته است و امیدوارم مورد استفاده همکاران قرار گیرد.

## کلیدواژه‌ها: آموزش تاریخ، روش تدریس فعال.

سکینه رمضان پور  
دبیر تاریخ ناحیه ۳ مشهد مقدس





الگوی روش تدریس فعال درس تاریخ دارای خصوصیتی به شرح زیر است:  
 ۱. در هر کلاس درسی قابل اجراست و به امکانات و هزینه خاصی نیاز ندارد.

۲. دانش آموز خیلی سریع و قبل از اینکه معلم درس را شروع کند، مطالب اصلی را با استفاده از برگه‌ای که معلم در اختیار گروه‌های چند نفری قرار می‌دهد، یاد می‌گیرد.

۳. برای معلم وقت گیر نیست.  
 ۴. دانش آموز در فرایند تدریس با معلم پیش می‌رود و در واقع در فرایند تدریس، هر دو مشارکتی فعال خواهند داشت.

۵. معلم فقط سؤال می‌کند و این دانش آموز است که باید جواب را بیابد. همین

موضوع باعث می‌شود، تمام دانش آموزان در فرایند تدریس درگیر شوند و از حواس پرتی آنان در کلاس کاسته شود.

### ابزار تدریس

۱. معلم مطالب اصلی درس را از قبل روی برگه A4 یا A3، داخل کادری هندسی و با رنگ‌های متفاوت در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهد. به این وسیله دانش آموزان را هدایت می‌کند که این رنگ‌ها می‌توانند مفهوم خاصی داشته باشند. مثلاً می‌توان تشکیل حکومتی را که با جنگ و خونریزی به دست آمده است، با رنگ قرمز، رشد و گسترش حکومت را با رنگ سبز، و انقراض و ضعف حکومت

را با رنگ زرد مشخص کرد.  
 ۲. پایین همان صفحه، نقشه جغرافیای محل حادثه تاریخی درس ترسیم می‌شود. البته این نقشه کامل نیست و به کمک دانش آموزان و با استفاده از مطالب بیان شده در داخل کادرها کامل می‌شود.

۳. روی برچسب‌ها، مجموعه‌ای از نام‌ها و مفاهیم درس نوشته می‌شوند. دانش آموز به کمک مطالب بیان شده در کادری هندسی و با راهنمایی معلم، برچسب‌ها را روی نقشه قرار می‌دهد و نقشه تاریخی را کامل می‌کند.

۴. نقشه بزرگ‌تری با همان خصوصیات نقشه‌ای که در اختیار دانش آموزان قرار داده شده است، در کلاس نصب می‌شود. معلم،

جدول ۱

جدول طراحی آموزشی ماده درسی: تاریخ معاصر ایران موضوع درس: حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه مدت تدریس: ۴۵ دقیقه	
توانایی توضیح چگونگی سلسله قاجار و ورود استعمارگران روس و انگلیس (مهارت شناختی). کسب نگرش مثبت نسبت به مطالعه درس تاریخ و مطالعه کتاب‌های تاریخی (مهارت نگرشی). توانایی تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب شده و اظهار نظر (مهارت ذهنی). توانایی بیان رویدادهای تاریخی (مهارت کلامی)	هدف‌های کلی
۱. منشأ قاجار و چگونگی ورود آنان را به ایران بیان کند. ۲. اولین پادشاه قاجار را نام ببرد. ۳. پادشاهی فتحعلی شاه و اوضاع و احوال دوران حکومت او را شرح دهد. ۴. سیاست فرانسه در ایران و چگونگی خیانت ناپلئون بناپارت را توضیح دهد. ۵. صدراعظم خوش نام محمدشاه را نام ببرد و علت مرگ او را توضیح دهد. ۶. عهدنامه‌های معروف درس را نام ببرد و چگونگی برقراری این عهدنامه‌ها را بازگو کند. ۷. کشورهای بیگانه مؤثر در این دوره تاریخی را بشناسد و علل رقابت آنان را نیز توضیح دهد. ۸. از روی نقشه، قلمرو ایران (در اوایل قاجاریه) را نشان دهد.	هدف‌های جزئی
* مطالعه گروهی * مطالعه مطالب درس همراه با نقشه‌ای که در اختیار گروه قرار می‌گیرد. * پرسش و پاسخ * بارش مغزی * بحث گروهی * روش نمایشی، همراه با تصویر	روش تدریس (تلفیقی)
دانش آموزان کلاس را در گروه‌های سه نفری گروه‌بندی می‌کنیم و کلاس به شکل V تشکیل می‌شود.	چینش

هنگام ارزشیابی تکوینی این نقشه را به کمک تصویرهای مربوط به آن درس کامل می‌کند.

## روش کار

روش کار به این صورت است که معلم برگه‌های آماده را در اختیار گروه‌های دانش‌آموزان قرار می‌دهد و قبل از اینکه درس را شروع کند، در حدود پنج تا هفت دقیقه به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا مطالب اصلی داخل کادر را خیلی سریع مرور کنند. سپس قدم به قدم مطالب اصلی بیان شده در کادرها را توضیح می‌دهد و از دانش‌آموزان می‌خواهد با استفاده از مطالب بیان شده، نقشه تاریخی را مرحله به مرحله کامل کنند و پیش بروند. با این کار درس عملاً سه بار برای دانش‌آموزان در کلاس تکرار می‌شود. یک بار دانش‌آموز مطالب اصلی را مرور می‌کند. بار دوم معلم مطالب را با مشارکت دانش‌آموزان توضیح می‌دهد و تفسیر می‌کند. بار سوم به کمک دانش‌آموزان مطالب همراه با تصویر و نوشته به صورت ارزشیابی تکوینی، روی

نقشه تاریخی پیاده می‌شوند (صالحی، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۶). (جدول ۱)

## طرح درس

معلم باید قبل از ورود به کلاس به برنامه‌ریزی مسائل آموزشی بپردازد و طرحی مناسب برای تدریس تهیه کند. هر طرح درس دارای دو بخش به شرح زیر است:

### ۱. طرح درس قبل از تعامل کلاس

معلم موفق معلمی است که قبل از ورود به کلاس برنامه‌ریزی دقیقی برای کار کلاسی تدارک ببیند. در این راستا باید قبلاً موضوع درسی و محتوای آن را مطالعه کند و هدف کلی و غیررفتاری درس را به هدف‌های رفتاری (هدف‌های جزئی) تبدیل کند. سپس برای هر یک از هدف‌های رفتاری، شیوه و روش تدریس آن را بررسی و وسایل مورد نیاز را از قبل مهیا سازد؛ به گونه‌ای که پس از ورود به کلاس و ارائه درس، موضوع برای دانش‌آموزان خوشایند شود و رضایت آن‌ها را جلب کند.

## ۲. طرح درس ضمن عمل

در کلاس درس، معلم از روش تدریس کلاسی که تلفیقی از روش‌های گوناگون است استفاده کند. استفاده از روش‌های سخنرانی، مباحثه، مشاهده، کاوشگری، حل مسئله و ... براساس نیاز هر هدف رفتاری انجام می‌گیرد. مثلاً در آغاز تدریس، معلم ممکن است از روش سخنرانی سپس از روش پرسش و پاسخ و آن‌گاه از روش‌های مباحثه، اکتشاف، حل مسئله و مشاهده بهره بگیرد. ملاحظه می‌شود که بهره‌گیری از روش‌های گوناگون در تدریس یک موضوع، تنوع در رفتار معلم و یادگیری بهتر را سبب می‌شود و در نتیجه رضایت دانش‌آموزان را از یادگیری به دنبال خواهد داشت. در این جدول چارچوب کلی طرح درس، خلاصه‌ای از آنچه بیان شده آمده است (رئوفی، ۱۳۷۹). (جدول ۲)

### منابع

۱. رشد آموزش تاریخ، شماره ۴۲.
۲. رشد آموزش تاریخ، شماره ۴۴.
۳. صالحی، نصرالله. راهکارهای آموزش تاریخ. تهران، نشر شورا، ۱۳۸۸.
۴. رئوفی، محمدحسین. مدیریت رفتار کلاسی (مهارت‌های آموزشی و پرورشی). مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

## جدول چارچوب کلی طرح درس

بخش اول- کلیات طرح شامل: کلاس..... مقطع تحصیلی..... تعداد دانش‌آموزان..... حیطه درس..... تاریخ تدریس..... نام درس.....					
بخش دوم- مرحله تعامل کلاسی: مهارت آغاز..... مهارت شروع درس..... موضوع درس: آشنایی با..... (هدف کلی)					
زمان	وسیله کمک‌آموزشی	روش تدریس	فعالیت دانش‌آموز	فعالیت معلم	هدف‌های رفتاری
۵	-	سخنرانی	-	-	هدف رفتاری ۱
۱۰	اسلاید	مشاهده	-	-	هدف رفتاری ۲
۱۰	-	مباحثه	-	-	هدف رفتاری ۳
۵				جمع‌بندی	انتقام درس
۵					ارزشیابی نهایی
					تکلیف خارج از کلاس جمع

# نمایشی از تلاش و علاقه‌مندی

گزارشی از نمایشگاه تاریخ در دبیرستان دخترانه سمیه

## اشاره

پیرحیاتی را در دفتر گروه کوهنوردی همت شمیران دیده بودم. در یکی از برنامه‌های کوهنوردی اظهار داشت که نمایشگاهی برپا کرده است و از من دعوت کرد برای دیدن آن به مدرسه‌اش بروم. چند روز بعد همراه رضا بهرامی، عکاس مجله، عازم شدم: دبیرستان دخترانه سمیه در منطقه یک شهر تهران. نمایشگاه در سالن ورزش



مدرسه برپا شده بود. تعدادی سند، ظرف، ابزارهای قدیمی، عکس و تمبر از جمله آثار بود که همه توسط دانش‌آموزان آورده و به امانت سپرده شده بود.

نگاهی به آثار می‌اندازم. چند مورد از آنها، برایم تازگی دارد و قبلاً در جایی ندیده‌ام: کارت پایان خدمت سربازی اوایل دوره پهلوی، سند ازدواج عهد قاجار که تاریخ طلاق هم در آن ذکر شده است! و...

چند تن از دانش‌آموزان خانم پیرحیاتی هم آنجا حضور دارند. نظر آنها را درباره نمایشگاه می‌پرسم. می‌گویند موجب افزایش علاقه آنها به درس تاریخ شده است. آن قدر به تاریخ علاقه نشان می‌دهند که تعجب می‌کنم. درباره کتاب‌های درسی‌شان با آنها گفت‌وگو می‌کنم. تاریخ ایران و جهان (۱) را بیشتر می‌پسندند و البته بخش باستان آن را. نسبت به صحت بخش‌هایی از مطالب کتاب‌های درسی مشکوک‌اند و می‌گویند باید از



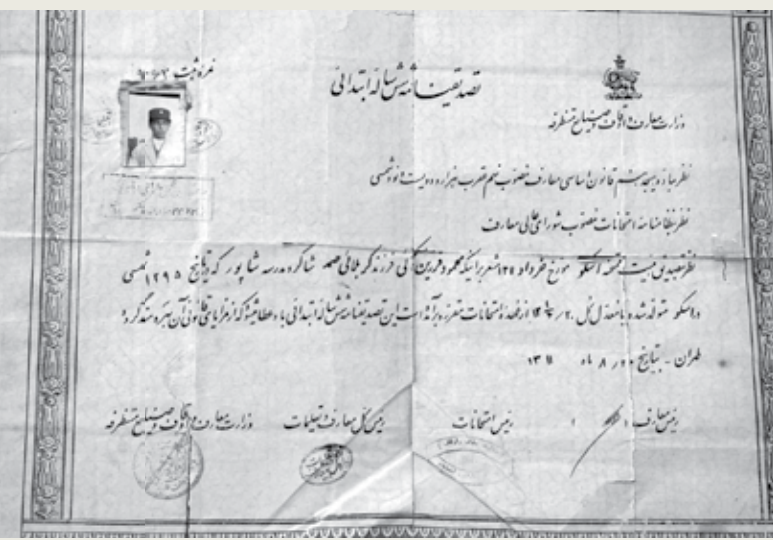
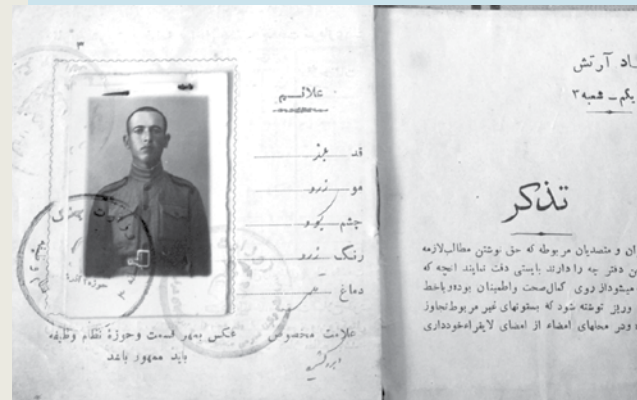


راه‌های دیگری به حقایق دست یافت! برخی‌شان تصمیم دارند در رشته باستان‌شناسی تحصیل کنند.

خانم پیرحیاتی اظهار می‌دارد که: «تاکنون ۵ بار به برپایی نمایشگاه اقدام کرده‌ام.» او می‌گوید: «بچه‌ها هنگام حضور در نمایشگاه و آموزش تاریخ شور و شوقی از خود نشان می‌دهند که در کلاس اثری از آن نیست.»

از رضایت و تشکر خانواده‌ها هم یاد می‌کند. او اظهار می‌دارد که انگیزه‌اش از برپایی چنین نمایشگاهی علی‌رغم زحمات آن، این است که بچه‌ها ارزش اسناد و ابزارهای قدیمی را بدانند و بیاموزند که آن‌ها را نباید نابود کنند.

مدیر مدرسه را ندیدم تا از او تشکری کنم، بابت چه؟ مطمئنم اگر حمایت و همکاری مدیران نباشد چنین نمایشگاه‌هایی برپا نخواهد شد.



حسین کشاورز

# ردای پایتختی به قامت قزوین

قزوین، پایتخت صفویان

تألیف: دکتر تهماسب طالبی

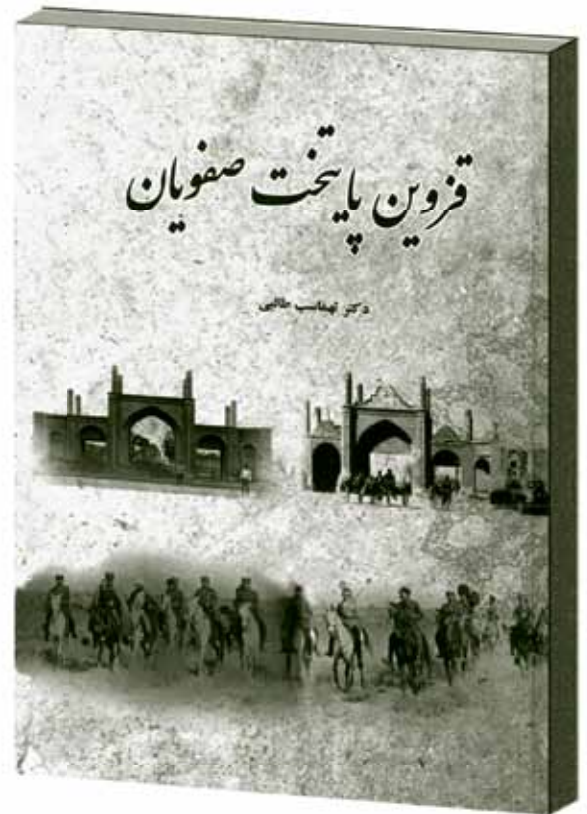
انتشارات: قزوین، اندیشه زرین

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۹

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حجم: ۵۴۰ ص



کتاب «قزوین پایتخت صفویان»، اولین اثری است که به طور خاص به شرح حوادث، وقایع و اتفاقات شهر قزوین در عصر پایتختی صفویان می‌پردازد. نویسنده به دنبال آن بوده است که با روش علمی و با بهره‌گیری از تمامی منابع موجود این دوران، تا حد امکان تصویری گویا و روشن از تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... قزوین عصر صفوی در معرض دید خواننده قرار دهد. در واقع خواسته است به گونه‌ای، تاریخ محلی این شهر و تحولات سیاسی و اجتماعی آن را در عصر مذکور به تصویر کشد. کتاب در هفت بخش و در فصل‌هایی جداگانه، پیشینه تاریخی و فرهنگی قزوین قبل از صفویه و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن را در دوره مورد بحث و بعد از آن بررسی می‌کند.

مؤلف بعد از مقدمه و بیان هدف از تألیف کتاب، در بخش اول به بررسی منابع تاریخی مهم این دوره اعم از تواریخ عمومی، تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، مقالات و پژوهش‌های متأخر که در تألیف این اثر از آنها بهره گرفته، پرداخته و نقاط قوت و ضعف هر یک را بیان کرده است.

عنوان بخش دوم کتاب، «نگاهی اجمالی به شرایط طبیعی و سیاسی قزوین قبل از صفویه» است که خود شامل چند فصل می‌شود.

در فصل اول، نویسنده، ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی منطقه قزوین را با توجه به تقسیم‌بندی جغرافیایی، تاریخی و خصوصیت کوهستانی و دشتی این ناحیه از ایران، تشریح کرده است. در فصل دوم، وجه تسمیه شهر قزوین با توجه به مآخذ موجود و سابقه تاریخی بنای دژ قزوین در زمان شاپور ذوالاکتاف شاپور دوم ساسانی و نظرات جغرافی نویسان قدیم و نیز محققان جدید، مورد توجه واقع شده است.

در فصل‌های بعد، نگارنده به فتح قزوین در سال ۲۴ هـ. ق و فتح نهایی این شهر در دوره خلافت عثمان اشاره می‌کند. او از نخستین والیان اسلامی حاکم بر قزوین و درگیری‌های متعدد قزوینیان با دیلمیان در قرون نخستین اسلامی تا استقرار آرامش و ثبات نسبی در زمان خلافت معتصم عباسی سخن می‌گوید. اوضاع این ناحیه را تا دوره صفویه و طی حکمرانی سلسله‌های ایرانی، بررسی می‌کند.

بخش سوم کتاب که «بررسی اوضاع سیاسی قزوین در عهد پایتختی» نام گرفته است. در چند فصل، به موضوعاتی به شرح زیر می‌پردازد:

در فصل اول، اوضاع اداری و سیاسی شهر قزوین در زمان شاه اسماعیل اول بررسی شده است. در ادامه، نویسنده با دقت تمام دلایل توجه صفویان به شهر قزوین و انتخاب این شهر به عنوان پایتخت دولتشان را بر شمرده و به تبیین علل و عوامل نظامی، اقتصادی، مذهبی و حتی شرایط اقلیمی و اجتماعی این موضوع پرداخته است. همچنین، زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ... پذیرش آیین تشیع از سوی مردم قزوین و نقش آنان در تقویت

این آیین راه از آغاز تا دوره مورد نظر به خوبی بیان کرده است.

در فصل‌های دوم و سوم، دوران رشد و شکوفایی شهر قزوین به‌عنوان مرکز حکومت شیعی مذهب صفوی و در ادامه، اوضاع پایتخت پس از مرگ **تهماسب اول** و بر تخت نشستن **شاه اسماعیل دوم** (۹۸۵ هـ. ق) بیان شده است.

**فصل چهارم، حوادث دوران شاه محمد خداپننده، برکناری وی توسط فرزندش عباس میرزا (شاه عباس) و همچنین آخرین دهه پایتختی قزوین در دوران سلطنت وی تجزیه و تحلیل شده است.**

عنوان بخش چهارم «نگاهی به اوضاع سیاسی قزوین پس از پایتختی» است. مهم‌ترین مطالب این بخش عبارت‌اند از: علل و انگیزه‌های شاه عباس صفوی برای انتخاب اصفهان به‌عنوان پایتخت جدید صفویان، و



همچنین بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر قزوین پس از انتقال مرکز حکومت به اصفهان.

در بخش پنجم، نگارنده نظام اداری، تشکیلات دیوانی و وضعیت دربار صفوی را در شهر قزوین شرح می‌دهد و مقامات و مناصب دولتی، درباری، مالی و روحانی حکومت صفویان و حیطه وظایف و اختیارات دارندگان این مناصب را با توجه به سیر تحول آن‌ها در قزوین عصر صفوی بررسی می‌کند.

بخش ششم با عنوان «اوضاع اجتماعی قزوین در عصر پایتختی» دارای پنج فصل است. مؤلف در فصل اول این بخش، نژاد،

زبان، جمعیت و سیر تطور زبان و لهجه مردمان این ناحیه از ایران را بیان می‌کند و از افزایش جمعیت قزوین در دوره مورد بحث و کاهش آن در اواخر عصر صفوی سخن می‌گوید. همچنین تقسیمات سیاسی ولایت قزوین از دوره ساسانیان تا پایان صفویان را شرح می‌دهد و اوضاع اقلیت‌های مذهبی به‌خصوص ارامنه قزوین را در دوره حکومت شاهان صفوی بیان می‌کند.

در فصل‌های دوم، سوم و چهارم، مؤلف عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرنشینی در ایران و ساختار جدید آن، یعنی محوریت ایجاد باغ‌ها و فضای سبز را توضیح می‌دهد و در پی آن، به احداث «**باغ سعادت آباد**» قزوین به‌عنوان محور این شهر اشاره دارد. همچنین به تبیین نقش بازارها و مراکز تجاری و مساجد این شهر در دوره صفوی می‌پردازد. نگارنده اوضاع روستاییان و ایلات و عشایر، وضعیت اسفبار کشاورزی در روزگار آخرین پادشاهان صفوی را بررسی می‌کند و در فصل آخر به روابط و مناسبات اجتماعی اصناف، پیشینه اصناف در پایتخت، روابط و تعامل میان اصناف، مناسبات اجتماعی اصناف با دولت و روابط آن‌ها با نهادهای دینی و مذهبی می‌پردازد و می‌کوشد است با بیان این موضوعات، تصویری روشن از اصناف و پیشینه آنان در شهر قزوین و مناسبات اجتماعی آن‌ها در دوره صفویه و قبل ارائه دهد.

عنوان بخش هفتم، «اوضاع فرهنگی پایتخت» است. مؤلف در پنج فصل این بخش، وضعیت فرهنگی قزوین عصر صفوی را تحلیل می‌کند. در فصل نخست، سیر فرهنگی شهر، با توجه به تغییرات و جنبش‌های مذهبی آن، از زمان ورود اسلام به ایران تا پایان حکومت ترکمانان و در نهایت، پذیرش مذهب شیعه توسط مردم این شهر مورد توجه قرار گرفته است. در قسمت وضعیت فرهنگی، به ویژگی‌های اخلاقی، مراسم، اعیاد و ... پرداخته است و فصل سوم، به علوم و مراکز علمی اختصاص دارد. وضعیت شعر و ادب و هنر، به همراه نتیجه‌گیری و پیوست‌ها و فهرست منابع و مآخذ، آخرین فصل‌های کتاب قزوین پایتخت صفویان را شکل می‌دهند.

## اوزان و مقیاس‌ها در عصر قاجار

نویسنده: **ویلیم فلور**

مترجم: **مصطفی نامداری منفرد**

انتشارات: **آبادبوم، چاپ اول**

شمارگان: **۱۵۰۰ نسخه، ۱۴۹ ص**

تهران: **۱۳۹۱**

قیمت: **۵۰۰۰ تومان**

این کتاب مجموعه‌ای شامل پیش‌گفتار، دیباچه مترجم، مقدمه، نویسنده، متن کتاب، کتاب‌نامه، پیوست‌ها و در آخر آلبوم تصاویر است.

دکتر عبدالرسول خیراندیش در پیش‌گفتار این کتاب یکی از اقدامات دولت ایران در دوران مشروطه را حذف اوزان و مقیاس‌های مختلف در شهرها و روستاها و جایگزینی یک نظام متریک یکسان در کشور معرفی کرده است، این در کشور فرانسه نیز بعد از انقلاب کبیر ۱۷۸۹م، دولت



## ترازو داری به رسم قاجار

انقلابی اقدام به برقراری نظام متریک کرد که یکی از پدیده‌های نوگرایانه و دستاوردهای متریک جدید به‌شمار می‌رفت. در واقع، پس از انقلاب کبیرفرانسه، هر کشوری که به این انقلاب توجه داشت، سعی کرد نظام هماهنگ متریک را برقرار نماید، متأسفانه در کشور ما به دلایل عدم توسعه اقتصادی، فقدان ارتباطات مؤثر، بی‌سوادی، نابسامانی تشکیلات کشوری و لشکری و گرایش‌های گریز از مرکز از جانب عوامل قدرتمند محلی در دوره مشروطه، استفاده از نظام متریک بافت و خیزهایی روبه‌رو شد که سال‌ها ادامه داشت. ناگفته نماند که قبل از این دوره، در عصر غازان خان مغول (۷۰۳-۶۹۴ هـ. ق) تلاش‌هایی برای برقرار نمودن نظام هماهنگ اوزان و مقیاس‌ها در سراسر کشور صورت گرفت اما چندان موفق واقع نشد.

مصطفی نامداری منفرد مترجم این کتاب در دیباچه، به شرح زندگی دکتر ویلم فلور و معرفی کتاب و مقالات این نویسنده و ایران شناس پر تلاش که به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده پرداخته است. کتاب شامل سه فصل به شرح زیر است.

### - فصل اول: مقیاس‌های طولی

آرشین Arshin، آغاج Agach، آماج Amaj، اراج Araj، ارش Arash، اندازه Andazeh، انگشت Angosht، بغل Baghal، بهر Bahr، پله Pelle، تخته Takhteh، توپ Tup، جو Jow، چارک Charak، چاس Chas، خان آرشین Khan-arshin، دست Dast، ذراع Dhera، ذرع

Dhar، ربع Rob، زام Zam، زر Zar، ساعه Saah، سی سنگ Si Sang، شعیر Shair، عضا Asa، فرسخ Farsakh، قد Qad، قدم Qadam، قولاج Qulaj، کارت Qart، کله Kalleh، گره Gereh، گز Gaz، مایل Mail، مشت Mosht، منزل Manzel، مو Mow، میدان Meydan، نُص Noss، نصف Nesf، نیم ذرع Nimzar، نیم گره Nim Gereh، نیم Nim، وجب vajab، ور Var، و یارده Yardeh.

### - فصل دوم: مقیاس‌های منطقه‌ای:

آرشین Arshin، ارش Arash، آرج Arij، استر Estar، آناُرُنسی Anar-e Boni، باتمان Batman، بافه Bafeh، بوته انگوری Buteh-ye Anguri، پیمان Peyman، جریب Jarib، جفت Joft، چارک Charak، چل Chel، حفیز Hafiz، خیش Khish، درز Darz، دسته Dasteh، دهو Dohu، ذرع مربع Dhar - e morabba، شعیر Shair، صدتا Sadta، صدی یک Sadiyek، طناب Tanab، طنافه Tanafeh، فدآن Feddan، فرد Fard، قبضه Qabzeh، قسمت Qesmat، قصب Qasab، قفیز Qafiz، قولاج Qulaj، کف Kaf، کویه Kuyeh، کیل Keyl، گاو (گو) Gao، گردو Gerdu، گری Gari، لاته Lateh، مشت Mosht، مقطع Moqatta، نفر Nafar، نی یا نیزه Ney or Neyzeh، هزار درز Hazar Darz، هزار طالشی Hazar Taleshi

### - فصل سوم: اوزان

آنه Aneh، ارتبه Artaba، استیل Stil، بار Bar، بُغدا Boghda، بیست و پنج Bist o panj، پُشتی Pashti، پُشتی poshti،

پنج چارکی Panj charaki، پنج درهم Panj Derham، پنج دینار یا پنج نار Panj Nar، پنج سیر Panj Sir، پنجاهی (i) Panjah یا پُشتی Poshti، پَنسی Pansi، پود pul، پودر pud، پونزده Punzdeh - ye saqat، پیمان Peyman or Peymaneh، تال Tal، تخم Tokhm، تُره Torreh، توله Tola، جفت Joft، جو یا گندم جوه Jow or Gandome Jow، جوال Javal، چارک Charak، چتنگ Chetang، چتور یا چتول Chetver or Chetvel، چر Cher، چناق Chenaq، چهار صنار Chahar Sannar، حبه Habbeh، حقه Hoqqeh، خروار یا خلوار Kharvar or Khalvar، خنچاریه Khonkar or khonchariyeh، خودگر Khodgar، خیک Khik، دانگ Dang، درهم Derham، دو سیر و نیم Do sir o Nim، دو نار و نیم Do Nar، دوازده و شش درهم o Nim Davazdeh، دوازده یا دوازده درهم o shesh derham، Davazdeh or davazdeh Derham، دو نکا Duneka و ...

### پیوست‌های آخر کتاب عبارت‌اند از:

پیوست اول: قانون اوزان و مقیاس‌ها مصوب ۱۰ خرداد ۱۳۰۴ شمسی؛  
پیوست دوم: قانون اوزان و مقیاس‌ها مصوب ۱۸ دی ۱۳۱۱ شمسی؛  
پیوست سوم: فهرست آثار دکتر ویلم فلور به ترتیب تاریخ انتشار.  
و در نهایت آلبومی از اوزان و مقیاس‌های ایران عصر قاجار به تصویر کشیده شده است.



شهناز حسینی کوپایی، دبیر تاریخ، اصفهان

## جدول مقایسه جنگ‌های ایران و روس، و جنگ ایران و عراق

مشخصات جنگ ایران و عراق	مشخصات جنگ ایران و روس
۱. مدیریت صحیح و اخلاص رهبری و فرماندهان عالی، ایثار و از خود گذشتگی	۱. سوء مدیریت و بی کفایتی فتحعلی شاه و درباریان
۲. برای اولین بار در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران، به دنبال جنگ با کشوری خارجی، حتی یک وجب از خاک ایران جدا نشد	۲. جدا شدن سرزمین‌های وسیعی از ایران و الحاق آن به خاک روسیه
۳. عدم وابستگی ایران به قدرت‌های خارجی	۳. وابستگی ایران در دوره قاجار به قدرت‌های خارجی به خصوص انگلیس
۴. وحدت بین مردم و رهبر در طول جنگ و توجه به فرمان‌های امام در جنگ	۴. بی توجهی حکومت به مردم و عدم همکاری بین حکومت و مردم
۵. تلاش و خودکفایی ایران برای تولید تجهیزات جنگی	۵. ضعف سپاه و ناتوانی در مقابل دشمن
۶. ضعف دشمنان به خصوص آمریکا و انگلیس در پشتیبانی از دولت عراق	۶. ضعف ایران و توجه قدرت‌های خارجی به ضعف ایران برای رسیدن به اهداف خود

